

بخش سوم

آزادی

در دانش‌های بالینی و روان‌درمانی

پرسش‌ها؟

فضاهای بالینی از رویارویی دو انسان با هم و یا یک انسان با یک چیز بوجود می‌آید. کوچکترین واحد آن را هنگامه^۱ و بزرگترین واحد را مجتمع روان فضای پویا^۲ نامیده‌ایم در موقعیت‌ها و وضعیت‌های این فضاها است که به پژوهش، تشخیص و درمان می‌پردازیم. فضاهای بالینی برای روان شناس بالینی، روان پزشک بالینی، مشاور، روان‌درمانگر... به منزله کارگاه روان‌درمانی، پژوهشکده و آزمایشگاه است: وقتی مشاهده می‌کنیم، شرح حال می‌گیریم. آزمون اجرا می‌شود، در روان‌درمانی‌های فردی و گروهی شرکت می‌کنیم... پرسش‌های فراوانی بر انگیزته می‌شود:

فضاهای بالینی که در آن کار می‌کنیم، چگونه بوجود می‌آید، چه ویژگی‌هایی دارد؟ هستی ما در این فضاها چه معنی و جهتی پیدا می‌کند؟ آیا در آنچه می‌کنیم، آزادیم؟ ((آزادی فضاهای بالینی)) و یا ((فضاهای بالینی آزاد)) چه معنی و چه کنش‌هایی دارد؟ آیا پژوهش‌ها، تشخیص‌ها و درمان‌های ما در فضاهای بالینی برای رسیدن به آزادی است؟ و آیا آزادی پیش شرط لازم آنهاست؟ طبیعت آزادی و شرایط واقعیت یافتن آن در فضاهای بالینی چیست؟ و چگونه

¹Instance

²Contexte Psycho - Espace dynamique

است؟ آیا می‌توان با تکیه به آزادی، دیدگاه تازه‌ای برای پژوهش، تشخیص و درمان در فضاهای بالینی پیشنهاد کرد؟

آیا آزادی را می‌توان محور و معیاری برای سلامت و بیماری روانی دانست؟ و با تکیه به درجاتی از آزادی به نشانه‌هایی از سلامت و بیماری دست یافت؟ و آنها را در رفتارها، گفتارها، هیجان‌ها و اندیشه‌ها نشانه‌یابی کرد؟

هنگامه‌ها و تلاش‌ها رواندرمانی

هر رویارویی یک هنگامه است و آنچه در هنگامه‌ها پیدا می‌شود تلاش است: نشستن‌ها، برخاستن‌ها، پرسیدن‌ها، پاسخ دادن‌ها، نگاه‌ها، صداها، لرزیدن‌ها، خندیدن‌ها، گریستن‌ها، اخم کردن، لبخند زدن، شتاب کردن، سکوت نمودن، روی صندلی نشستن، روی تخت دراز کشیدن، آمدن، رفتن، هر سخن، هر واژه، هر ندا، هر آه، هر زیر و بم در حرف‌ها، آزمون کردن‌ها، درگیری‌های درمانگر و درمانجو، گفتن‌ها، شنیدن‌ها، لمس کردن‌ها، بوئیدن‌ها، پذیرش کردن، نپذیرفتن، در رواندرمانی‌های انفرادی، گروهی، خانوادگی... تلاش‌هایی در هنگامه‌ها است؟

هنگامه‌ها و تلاش‌های رواندرمانی پویایی خود را از آزادی، با آزادی، در آزادی، تا آزادی پیدا می‌کنند و در درگیری‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی گستردگی، ژرفا، معنی و جهت می‌یابند، همزمان و همسان می‌شوند. سلامت تلاش‌ها از باهمی و هماهنگی آگاهی، خواست و آزادی در هنگامه‌ها است. و بیماری تلاش‌ها از ناهماهنگی و نا با همی در آگاهی، خواست و آزادی بر می‌خیزد.

پاسخ‌یابی

در سراسر این بخش تلاش‌های رواندرمانی را در هنگامه‌ها بازبینی می‌کنیم و عمل کرد آزادی را در پژوهش‌ها، تشخیص‌ها، و درمان‌ها به پرسش می‌گذاریم، و می‌کوشیم تا در هر هنگامه و هر تلاش کارانی آزادی را با آوردن موردها و نمونه‌ها نشان دهیم.

آزادی درمانی در پذیرش

آزادی در پذیرش تلاشی درمان کننده است: درمانجو آزادانه، آگاهانه و با خواست خود مراجعه می‌کند و درمانگر نیز با همین ویژگی‌ها آماده می‌شود و او را می‌پذیرد: در هنگامه‌های پذیرش آزادی همان خواستن و آگاه بودن برای پذیرفتن و پذیرفته‌شدن است که در شرایطی چند پیدا می‌شود:

آزادی در رفت و بازگشت به جایگاه پذیرش

جایگاه پذیرش در وضعیتی است که درمانجو می‌تواند بدون واسطه، با درمانگر ارتباط برقرار نماید و درخواست پذیرش کند در چنین شرایطی، آزادی در بسی واسطگی و خودخواستگی است:

درمانگر برای وقت دادن ساعت و روزهایی را مشخص می‌کند که مراجع بتواند فقط با خود او تماس بگیرد و درخواست پذیرش کند. (تلفنی یا مستقیم)

در جایگاه پذیرش شخص دیگری جز خود درمانگر حضور نخواهد داشت: این درمانگر است که در ساعت تعیین شده در انتظار درمانجو می‌نشیند، به استقبال او می‌رود، در را برای او باز می‌کند، و او را به اطاق انتظار و یا درمان هدایت می‌کند و پس از پایان هر وقت، تا آستانه در بدرقه می‌کند، در این حال آزادی همان بیواسطگی در پذیرش و پذیرفته شدن. در وقت گرفتن و رفت و بازگشت خودخواسته و محرمانه است.

نمونه (۱): آزادی در وقت گرفتن

م - (در گفتگوی تلفنی) دفتر روان‌درمانی است؟

د - بفرمائید.

م - وقت می‌خواستم، برای مراجعه.

د - برای خودتان می‌خواهید؟

م - برای فرزندم.

د - چند سال دارد؟

م - ۲۵ سال.

- د - به ایشان بگویید: هر کس می‌خواهد مراجعه کند آزادانه، آگاهانه، محرمانه با خواست خودش مراجعه می‌کند و خودش وقت می‌گیرد.
- م - خودش به من گفته است وقت بگیرم.
- د - به او بگویید، اگر وقت می‌خواهد، خودش در ساعت (... تا ...) می‌تواند زنگ بزند وقت بگیرد. اگر می‌خواهد شما همراهش بیایید، خودش از شما دعوت کند.
- م - فرزندم، خودش نمی‌خواهد بیاید، من می‌خواهم او را بیاورم.
- د - در اینصورت او مراجع رواندرمانی نیست، آزادش بگذارید تا تصمیم بگیرد.
- م - او نمی‌تواند تصمیم بگیرد.
- د - از چیزهایی که برای درمانش می‌آید همین است که بتواند تصمیم بگیرد، آزادش بگذارید، اصرار نکنید، بگذارید تمام کارهایش را خودش انجام دهد. اگر چنین کرد همکاری بیشتری می‌کند، زودتر درمان می‌شود.
- م - راست می‌گویید، متشکرم.

یادآوری:

اگر فرزند کمتر از ۱۲ سال باشد (دوره کودکی)، وقت را به پدر یا مادر و یا هر کسی که سرپرستی او را بعهده دارد می‌دهیم و می‌خواهیم که با هم مراجعه کنند و تاکید می‌کنیم: «این وقت را به خواست شما داده‌ایم».

نمونه (۲): آزادی در تعیین وقت

- د - چه وقت می‌خواهید و می‌توانید بیایید؟
- م - چه وقت‌هایی را دارید؟
- د - روزها و ساعاتی که می‌توانم شما را بپذیرم، می‌گویم، انتخاب کنید ...

نمونه (۳): آزادی در آمدن و نیامدن

- د - (پس از تعیین وقت) این وقت متعلق به شما است؟
- م - بله، متشکرم ...
- د - هیچ قیدی ایجاد نمی‌کند، می‌توانید باطل کنید، به تاخیر بیاندازید و یا نیایید ...

فقط ۲۴ ساعت قبل اطلاع دهید، تا فرصت برای دادن آن به دیگران باشد.

نمونه (۴): آزادی در محرمانه بودن

د - (در نخستین رویارویی) این اولین بار است که مراجعه می‌کنید؟

م - بلی

د - قبل از آن که بفرمایید منظورتان از آمدن چه بوده است، یادآوری می‌کنم، هر چه در اینجا می‌گذرد محرمانه است، از هیچکس، جز خود مراجع، سخن گوش نمی‌کنیم و با هیچکس جز خود او تماس نمی‌گیریم... بنابراین تا جایی که می‌توانید با صراحت و جزئیات منظور از مراجعه خود را بگویید...

نمونه (۵): آزادی در سخن گفتن از خود

م - نمی‌دانم چه بگویم، خیلی حرف دارم و از خیلی چیزها...

د - از خودتان بگوئید.

م - خیلی فکر است که می‌خواهم بگویم، نمی‌دانم کدام را بگویم؟

د - از نخستین سخن و خاطره‌ای که به ذهنتان می‌آید، بگوئید.

نمونه (۶): آزادی برای شکستن مقاومت‌ها

م - حرف دیگری یاد نمی‌آید، چیز دیگری ندارم بگویم.

د - آدمی به اندازه‌ای که عمر کرده حرف برای گفتن دارد.

م - اما من دیگر هیچ چیز ندارم که بگویم.

د - گفتید هیچ چیز (منفی است)، ندارم (منفی است)، منفی در منفی می‌شود مثبت، یعنی

خیلی چیزها دارید ولی گفتنش ناراحت کننده است. حرف زدن در اینجا، مانند استفراغ کردن

است: اینجا محیط درمان است، هر چه بیشتر، شستشو داده می‌شود، آرام می‌گیرید، تلخ است

نگه دارید مسموم می‌شوید، بنابراین، بریزید بیرون این رنگ، بو و محتوای آن است که نشان

می‌دهد چه می‌گذرد...

نمونه (۷): آزادی با پرداخت

م - ممکن است بفرمائید چه مبلغ بپردازم به چه کسی؟

د - پرداخت در روان‌درمانی، ارتباطی درمانی است، جزئی از خود درمان است.

م - چگونه؟

د - گفتم ارتباطی درمانی است، وقتی بچه‌ها با پدر و مادر می‌آیند می‌گوییم، بدهید بخودش بپردازد. یعنی ارتباط را او برقرار کند.

م - برای بزرگسالان چگونه است؟

د - می‌گوییم، از خودتان به پردازید، (از عرق جبین و کد یمین) از کارکرد و زحمت خودتان.

م - منکه کاری ندارم!

د - اگر از دیگران می‌گیرید، وام بگیرید، مدیون او باشید.

م - از پدر و مادرم می‌گیرم، (یا من از همسر می‌گیرم).

د - به آنها بگویید. وام است، در اولین فرصت پس خواهم داد.

م - این چه کاری است؟

د - کسی که آزادانه، آگاهانه، محرمانه، با خواست خودش مراجعه کرد هزینه پرداخت تعهد بیشتری برای همکاری در تلاش‌های درمانی دارد.

آزادی درمانی در پرسش و پاسخ

آزادی در واژه‌ها:

چرا؟ برای چه؟ چگونه؟ منظورتان چیست؟ چه می‌خواهید؟

هریک از این واژه‌ها در آغاز پرسش‌ها هنگامه‌ایست که با توجه به بار هیجانی، فشار، شتاب و آرامشی که در پرسیدن است وضعیتی از بود یا نبود آزادی را دربر دارد، نشان می‌دهد و یا القا می‌کند:

با گفتن چرا؟ برای چه؟ پاسخ دهنده را در وضعیت دشوار بازپرسی و ((محاكمه)) قرار می‌دهیم، گویی ناچار است، مجبور است، که علتی برای رفتار و حالات خود بگوید، آزادی را محدود، مقید و یا نفی می‌کنیم: پاسخ دهنده در حال و هوای اجبار قرار می‌گیرد، گویی رفتارها، ارتباطها، حوادث، پدیده‌ها، علت و معلول یکدیگرند، چرایی و برای چه‌ای دارند ... واژه‌های چرا؟ و برای چه؟ آزادی را از مراجع می‌گیرد، و او را اسیر و تحت فشار چیزهایی می‌سازد که نمی‌داند و یا نمی‌خواهد بگوید: درمانده است، محاکمه می‌شود، احساس

تقصیر و گناه پیدا می‌کند. برای رهایی از این آسیب‌ها و دامن زدن به آزادی و آفرینندگی پاسخ دهنده واژه‌های چگونه؟ منظورتان چیست؟ چه می‌خواهید؟ را بکار می‌بریم. اینها پیام آزادی و آزاد بودن را می‌دهند. پاسخ دهنده را در حال و هوایی قرار می‌دهیم که از خواسته‌ها، هدف‌ها، آرزوها، حالت‌ها و رفتارهای خود در گذشته، حال و آینده آنطور که بوده، هست و می‌خواهد باشد ... به آزادی سخن بگوید، چنین وضعیتی آرامش بخش‌ترین هنگامه‌های گفتگو را در بردارد پاسخ دهنده تمام اوهام، تخیلات، باورها، قواعد و قوانینی را که سر راه او و مانع سخن گفتن اوست از میان بر می‌دارد مقاومت‌هایی را که داشته است در هم می‌شکند، آزادانه، بدلیخواه، به راز گویی می‌پردازد...

یادآوری: واژه‌های باید، نیاید، حتما، ابد، ... تاکیدها و قیدهای نظیر اینها به آزادی آسیب می‌رساند و پاسخ دهنده را مقید، تحت فشار قرار می‌دهد و محدود می‌سازد.

آزادی در سخن‌ها

با پرسش‌های ((منظورتان از آمدن چیست؟))، ((منظورشان از آن سخن یا آن کار چیست؟)) ((از آمدن به اینجا چه می‌خواهی؟))، ((از انجام آن کار چه می‌خواهند؟)) ... وارد دنیای آرزوها، هدف‌ها، خواسته‌ها و امیدهایی می‌گردیم که متعلق به مراجع است، چه بسا سال‌ها روزها و ساعت‌ها آنها را در خود داشته است، در جستجوی فرصتی بوده است که در جایی، با کسی بگوید، پاسخ‌های آماده فراوانی دارد که سریع، روشن و متمایز گفته می‌شوند، اینها متعلق به خود او، در باره خود او، نظر و خواسته‌های خود او هستند، آزادانه از خود او برخاسته‌اند، در آزادی پرورش یافته و رشد کرده‌اند، و با آزادی گفته می‌شوند...

آزادی از قید زمان و مکان

پرسش‌های منظورتان از آمدن چیست؟، چه می‌خواهند؟، چه می‌خواهید؟ گذشته، حال و آینده‌ها را در بر می‌گیرد، تمام مکان‌ها، جایگاه‌ها، موقعیت و وضعیت‌هایی را که مراجع داشته است به سوال می‌گذارد: آزاد است که از هر کدام که می‌خواهد سخن بگوید و هر چه را می‌خواهد پاسخ دهد.

گاهی تمام قیدها را از میان بر می‌داریم: با تکرار آخرین واژه یا سخن به مراجع ... امکان می‌دهیم تا آزادانه پاسخ‌هایش را پیگیری کند.

نمونه:

م - از پاسخ دادن به این پرسش خجالت می‌کشم.

د - گفتید خجالت.

م - آخر همیشه در اینگونه حوادث مرا سرزنش می‌کردند.

د - سرزنش.

م - پدرم همه را سرزنش می‌کرد، حتی به مادرم ایراد می‌گرفت، ناسزا می‌گفت، از گفتن

آنها خجالت می‌کشم.

در این گفتگو با تکرار واژه خجالت و سرزنش، به مراجع امکان می‌دهیم تا آزادانه افکار و

خاطرات خود را پی‌گیری کند و بگوید.

آزادی در وضعیت‌ها:

هر پرسش و یا پاسخ پژوهشی، تشخیصی و درمانی هنگامه‌ایست که در پرسش‌کننده و

پاسخ‌دهنده آزادانه، آگاهانه، و خود خواست پیدا می‌شود، هنگامه‌ها در هم و با هم می‌گردند

و مجتمع بزرگتری را می‌سازند: مجتمع‌ها با پهن و جمع شدن و انبساط و انقباض یافتن

هنگامه‌های تازه‌ای را بر پا می‌کنند: جایگاه‌ها، آشیانه‌ها و کانون‌هایی را که در آن قرار گرفته‌اند

در خود می‌برند و یا از خود بیرون می‌ریزند در این داد و ستد است که معنی و جهت پیدا

می‌کنند. وضعیت پرسش‌کننده و پاسخ‌دهنده را در نماهای ۱۰ تا ۱۴ نشان داده شده است.

وضعیت‌های پرسش و پاسخ

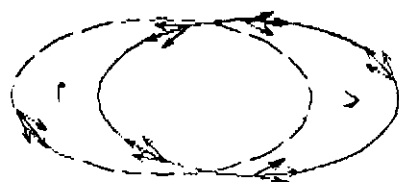
(نماهای ۱۰ تا ۱۴)



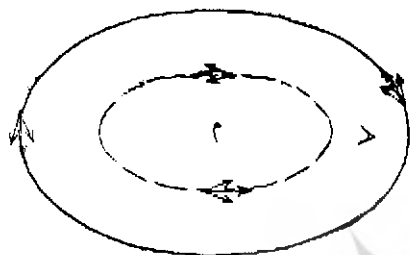
۱۰



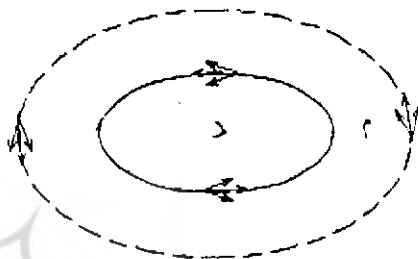
۱۱



۱۲



۱۲



۱۴

نمای ۱۰ وضعیت تداخلی رویارویی، درهمی و باهمی درمانگر و مراجع را نشان می‌دهد. نمای ((۱۱)) مجتمع هستی روان‌درمان بر مراجع و در نمای (۱۲) هستی مراجع بر درمانگر گسترده می‌شود. در نمای ((۱۳)) هستی مراجع از درمانگر و در نمای (۱۴) هستی درمانگر از مراجع می‌شود ...

این وضعیت‌ها بسیاری از قوانین اکولوژی زیستی را در جذب و دفع کردن، سازش پذیرفتن، سازش دادن، در بردارد، تلاش از هم، با هم، درهم و برهم شدن تلاشی آزادانه است و هر نما نمایشی از وضعیت و موقعیت تلاشهای آزادی در پرسش و پاسخ است: نمایشی از آزادی در آزادی و با آزادی است که در داد و ستدهای پویا و پایاپای میان درمانگر و درمانجو صورت می‌گیرد.

در هنگامه‌های پرسش و پاسخ آزادی با درجات مختلف پیدا می‌شود گستردگی یا ژرفا پیدا می‌کند: پرسش‌ها و پاسخ‌ها گاهی بدون کنترل و یک ریز جاری می‌شود، برش‌ار از هیجان‌ها، نمودهای وهمی و تابع فشارها و اضطراب‌های خودجوش اولیه است. وضعیت هنگامه‌ها گاهی ناهماهنگ و نا هم جوش^۱ است، گاهی هم جوشی^۲ و هماهنگی دارد. قابلیت شکل پذیری را متناسب با تغییرات فضای بالینی دارا می‌شود و گاهی شکل ناپذیر است ...

^۱Non integrale

^۲Integre

بر هم، از هم، درهم و با هم شدن مجتمع‌های پرسش و پاسخ می‌تواند محدود گردد و تخلیه هیجان‌ها، تجزیه اوهام کندتر شود. محتوی و قالب آنها از هم جوشی و با همی به نا هم جوشی و نا با همی نوسان کند، حالت‌ها، رفتارها، و گفتارهای پرسش کننده و پاسخ دهنده تغییر می‌کند: چنان است که گوئی امواج آزادی از کل مجتمع هستی هریک بر می‌خیزد و فروکش می‌کند، جمع یا گسترده زیاد و یا کم می‌گردد، پرسش کننده و پاسخ دهنده گاهی مجال سخن به یکدیگر نمی‌دهند، گاهی سکوت می‌کنند، با احتیاط الفاظ را به زبان می‌آورند، گاهی جابجا می‌شوند، حرکاتشان محدود و مقید می‌گردد، آهنگ صدایشان متناسب با کل فضا و فاصله‌ای که دارند نیست و گاهی این آهنگ تمام فضا را در بر می‌گیرد و بود و نبود آزادی با سلطه مطلق یک طرف بر طرف دیگر آشکار می‌شود.

آزادی پرسش و پاسخ در دیدگاه‌ها

نمای ۱۵ آزادی‌های پرسش و پاسخ را در دیدگاه‌های فلسفی سقراط - افلاطون، روانکاوی فروید و روان‌درمانی هنگامه‌ها نشان می‌دهد:

سقراط و افلاطون خاستگاه پرسش و پاسخ را تلاش‌هائی می‌دانند که برای آگاهی از چگونگی بودن ایده‌ها و اندیشه‌ها صورت می‌گیرد: پویائی پرسیدن و پاسخ دادن در رسیدن از آگاهی‌های جزئی، محسوس، گوناگون و ناهمسان به اندیشه‌های کلی و هم‌گون و همسان است و بر عکس. تا آگاهی را در حالتها و رفتارها گسترش و ژرفا بخشد.

فروید خاستگاه پرسش و پاسخ را تلاش‌هایی می‌داند که برای آزادی، از قید و بند میل‌ها، تعارض‌ها و اوهام، و برداشتن سدها، مقاومت‌ها می‌شود. تا آزادی را در حالت‌ها و رفتارهای ما گسترش و ژرفا بخشد:

پویائی پرسش و پاسخ در رهائی از درگیری‌های هیجانی، فشار تمایلات و اوهام ساخته شده در مراحل زندگانی است.

دیدگاه هنگامه‌ها، خاستگاه پرسش و پاسخ را تلاش‌هائی می‌داند که از خواست برای هماهنگ سازی آزادی و آگاهی در تلاش‌های هم‌زمان پژوهشی، تشخیصی و درمانی پیدا می‌شود: پویایی پرسش و پاسخ در گسترده‌گی و ژرفا دادن، با معنی و جهت دار کردن تلاش‌های آگاهانه، آزادانه و خود خواست است.

برای افلاطون و سقراط خاستگاه پرسش و پاسخ بودن چیزهائی است که با پرسش منظورت چیست؟ همراه است. برای فروید خاستگاه چیستی چیزها است که با پرسش چه چیز است یا به چه فکر می‌کنید؟ پیدا می‌شود در دیدگاه هنگامه‌ها با تکیه به خواست از بودن، چیستی به هستی چیزها می‌پردازیم چه می‌خواهی: منظورت چیست؟ چه چیز است؟ و چگونه است.

نمای (۱) آزادی پرسش و پاسخ در دیدگاه‌ها		
<p><u>دیدگاه روان‌درمانی هنگامه‌ها</u></p> <p>خاستگاه:</p> <p>تلاشی است از، با، در خواست از چیست؟</p> <p>- از بودن، چیستی و هستی آگاهی، آزادی و خواست برای چیست؟</p> <p>برای یکسانی و هماهنگ‌سازی آگاهی، آزادی و خواست در تلاش‌های یکسان و همزمان پژوهشی، تشخیصی و درمانی</p> <p>پویایی</p> <p>گسترده‌گی و ژرفا دادن، با معنی و جهت‌دار کردن تلاش‌های آگاهانه، آزادانه و خود خواست.</p>	<p><u>دیدگاه روانکاوی فروید</u></p> <p>خاستگاه:</p> <p>تلاشی است از، با، در آزادی از چیست؟</p> <p>- از چیستی تمایلات، تعارض‌ها و اوهام برای چیست؟</p> <p>برای برداشتن سدها و مقاومت‌ها در گسترش ژرفای یافتن آزادی</p> <p>پویایی</p> <p>رهایی احساس‌ها، حالت‌ها و رفتارها از درگیری‌های هیجانی، تعارض‌دار تمایلات و اوهام ساخته شده در مراحل زندگی</p>	<p><u>دیدگاه فلسفی سقراط - افلاطون</u></p> <p>خاستگاه:</p> <p>تلاشی است از، با، در آگاهی از چیست؟</p> <p>- از بودن ایده‌ها و اندیشه‌ها. برای گسترده و ژرف ساختن آگاهی.</p> <p>پویایی</p> <p>برای رسیدن از جزئی‌های محسوس، گوناگون و ناهمسان به اندیشه‌های کلی، هم‌گون و همسان و برعکس.</p>
<p>پرسش با آگاهی: منظور چیست؟</p> <p>پرسش از آگاهی: چه چیز است؟</p> <p>پرسش در آگاهی: چگونه است؟</p>	<p>پرسش با آزادی: منظور چیست؟</p> <p>پرسش از آزادی: چه چیز است؟</p> <p>پرسش در آزادی: چگونه است؟</p>	<p>پرسش با آگاهی: منظور چیست؟</p> <p>پرسش از آگاهی: چه چیز است؟</p> <p>پرسش در آگاهی: چگونه است؟</p>
<p>خاستگاه پرسش‌ها: ۱- بودن: منظور چیست؟ ۲- چیستی: چه چیز است؟ ۳- هستی: چگونه است؟</p>		

وضعیت‌های آزادی در پرسش و پاسخ

برای پژوهش‌ها و تشخیص‌های بالینی تاکنون، حالت‌ها و رفتارها را در دو وضعیت برون‌فکنی و درون‌فکنی مشاهده می‌کردند به پرسش می‌گذاشتند. دیدگاه هنگامه‌ها نشان داد که با توجه به زمینه‌ها و خاستگاه‌ها، حالت‌ها و رفتارها را در چهار وضعیت متمایز برون‌فکنی، درون‌فکنی، برون‌نمایی و درون‌نمایی می‌توان دید و پرسش‌ها و پاسخ‌ها با توجه به خاستگاه‌ها و زمینه‌ها، هیجان‌ها، ارزش‌ها، معنی و جهت داد و گسترده‌گی و ژرفا بخشید و با تکیه به آزادی، خواست و آگاهی وضعیت‌های حساس پژوهش‌ها، تشخیص‌ها و رواندرمانی‌ها بازیابی کرد.

نمای ۱۶ جایگاه آزادی را در وضعیت‌های چهارگانه پرسش و پاسخ در دیدگاه هنگامه‌ها نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمای (۱۶) وضعیت‌های پرسش و پاسخ در دیدگاه هنگامه‌ها

بروشکن‌ها	برون‌نماها	درون‌نگین‌ها	زمینه‌ها
<p>حالت‌ها، احساس‌ها، هیجان‌ها و رفتارهای کسانی که دوست دارد، یا دوستان ندارد ارزشمند و یا کم ارزشند</p> <p>هیجان‌ها</p> <p>منظورش (منظورشان) از آن حالت، احساس و هیجان چیست؟ با چه احساس و حالتی همراه است؟</p> <p>ارزش‌ها</p> <p>چه ارزش‌های اخلاقی، علمی، اجتماعی، عیدتی دارند یا دارد؟ همراه با هریک از ارزش‌ها چه احساس و حالتی دارد؟</p>	<p>در روابط با افسراد و چیزهایی که هیجان دارد یا بی تفاوت است، ارزشمند یا کم ارزش می‌داند؟</p> <p>هیجان‌ها</p> <p>در رویارویی با اشخاصی که دوستان دارند یا ندارید چگونه رفتار می‌کنید؟ چه احساس‌ها و عواطفی را نشان می‌دهید؟</p> <p>ارزش‌ها</p> <p>منظورتان از احترام گذاشتن یا بی‌احترامی کردن، تحقیر نمودن یا بزرگ نمودن، ... اشخاص چیست؟</p>	<p>هیجان‌ها، احساس‌ها، حالت‌ها و رفتارهایی که در خود و با خود دارد و به خود نسبت می‌دهد.</p> <p>هیجان‌ها</p> <p>منظورتان از اضطراب، ترس، افسردگی چیست؟ چگونه است؟ چه احساسی است؟ چه حالتی است؟</p> <p>ارزش‌ها</p> <p>منظورتان از صداقت، درستی چیست؟ با چه احساس و حالتی همراه است؟</p>	<p>زمینه‌ها</p> <p>چگونگی احساس‌ها، حالت‌ها، رفتارها و هیجان‌هایی که در خود نشان می‌دهد.</p> <p>هیجان‌ها</p> <p>منظور دست‌هایتان از لرزیدن و صورتتان از برافروختگی چشم‌هایتان از گریستن، چیست؟ منظورتان از سر به زیر انداختن، سکوت کردن تند و بلند حرف زدن چیست؟</p> <p>ارزش‌ها</p> <p>منظورتان از قوی یا ضعیف، آرام یا ناآرام، زیبا یا زشت بودن چیست؟</p>
<p>آن هیجان و یا رفتار در گذشته چگونه بوده است؟ با چه احساس و حالتی همراه بوده است؟ اکنون چگونه است در آینده چگونه خواهد بود؟ در چه شرایطی افزایش یا کاهش می‌یابند؟</p>	<p>این حالت‌ها، رفتارها و ارتباط‌ها را از چه زمانی داشته‌اید چگونه پیدا شد؟ یکباره بود یا به تدریج؟ در چه شرایطی افزایش و یا کاهش می‌یابند؟</p>	<p>این حالت‌ها و ارزش‌ها را از چه زمانی داشته‌اید؟ چگونه پیدا شد؟ یکباره یا به تدریج؟ در چه شرایطی افزایش و یا کاهش می‌یابند؟</p>	<p>سکوت کردن، لرزیدن، احساس ناآرامی داشتن، گریستن را از چه زمانی دارید؟ چگونه پیدا شد و در چه شرایطی افزایش یا کاهش می‌یابند؟</p>
<p>پرسش‌های بازایی وضعیت‌های حساس در تمام زمینه‌ها از، با، در آزادی: آنچه گفتید حوادث و خاطراتی را برایتان تداعی می‌کند؟ آزادانه بگویید؟ از، در، با خواست: چیزهایی بود که می‌خواستید بگویید و نگفتید؟ از، با و در آگاهی: کدام گفته، حالت و رفتار برایتان برجسته و آگاهانه است؟ همراه با آن، چه احساس و حالتی دارید؟</p> <p>دگرگون شدن: اکنون چه تغییر حالت و احساسی دارید؟</p>			

نمای ۱۷ آزادی پرسش و پاسخ را در روان‌درمانی و مشاوره را و متمایز می‌کند:

نمای (۱۷) آزادی پرسش و پاسخ در روان‌درمانی و مشاوره

در روان‌درمانی	در مشاوره
<p>خاستگاه</p> <ul style="list-style-type: none"> - چگونه؟ برای چه؟ منظور چیست؟ چه می‌خواهد از چیست؟ - از تمام وضعیت‌های چهارگانه است. - از حالت‌ها و رفتارهای آسیب دیده. - بیشتر از هستی‌های درونی اوست. - از تکوین و رشد حالت‌ها و رفتارها است. - از کلی‌های نامحسوس به جزئی‌های محسوس است. - از چیزهای مبهم و تاریک به روشنی‌ها است. 	<p>خاستگاه</p> <ul style="list-style-type: none"> - چرا؟ در چه؟ با چه؟ کیست؟ چیست؟.. - از چیست؟ - بیشتر از وضعیت بیرون‌نمایی است. - از روابط دشوار با دیگران و چیزها است. - بیشتر از هستی‌های بیرون از اوست. - از مقطعی و زمانی معین در روابط است. - از جزئی‌های محسوس به کلی‌های نامحسوس است.
<p>برای چیست؟</p> <ul style="list-style-type: none"> - برای جستجوی تمایلات و خواست‌های سرکش و پنهان است. - برای کاهش هیجان‌ها است. - برای شناخت و حل تعارض‌ها در تمایلات و اوهام است. - القا غیرمستقیم است. 	<p>برای چیست؟</p> <ul style="list-style-type: none"> - برای برآوردن خواست‌ها و تمایلات آشکار است. - برای افزایش شناخت است. - برای حل تعارض‌ها در روابط است. - راهنمایی مستقیم است.
<p>تکیه‌گاه‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> - تداعی‌های آزاد. - خواست‌های نامعین و پنهان. - درگیری‌های هیجانی در تمایلات و اوهام. 	<p>تکیه‌گاه‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> - تداعی‌های مقید است. - خواست‌های معین و آشکار. - شناخت بن‌بست‌های روابط است.
<p>دگرگونی‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> - افزایش آگاهی، آزادی و خواست. 	<p>دگرگونی‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> - افزایش شناخت‌ها و توانایی در برداشتن بن بست.

یافته‌ها:

ویژگی‌های پرسش‌ها در نمای ۱۷ نشان می‌دهد که راه میان مشاوره و روان‌درمانی کوتاه است، با اندک تغییر نگرش، می‌توان از یک تلاش به تلاش دیگر رسید، مشاوره درمانگر و یا درمانگری مشاور شد.

نبود آزادی در هنگامه‌های رواندرمانی

مورد (۱)

مرد ۴۰ ساله، سومین فرزند خانواده شش نفری، دو خواهر بزرگتر و یک برادر کوچکتر از خود دارد. پدر ۱۲ سال پیش و مادر ۲۰ سال پیش در ۷۰ و ۸۰ سالگی فوت کرده‌اند. و در خانواده پدری همراه با مادربزرگ و عموی کوچکش که ۱۰ سال از او بزرگتر بوده است، زندگی می‌کرده است، میان مادربزرگ و مادر بر سر فرزندان اختلاف نظر بوده است. پدر و عموی کوچک به عنوان منبع قدرت و سلطه مورد توجه بوده‌اند. خانواده آنها در محل معروف و صاحب قدرت و نفوذ بوده است، پدر پس از مرگ نیز مورد توجه و احترام مردم است. در جوانی دل در گرو می‌گذاشته است، همه او را پس از مدتی ترک کرده‌اند، در رابطه با آنها برای جلب محبت تلاش و حساسیت بسیار نشان می‌داده است. در حال حاضر دو فرزند دختر دارد و احساس می‌کند همسرش نسبت به او بی‌توجه است. زمینه‌ساز آسیب‌های روانی رفتاری، ارتباطی، عاطفی او نبود آزادی است.

هنگامه نخست: نبود آزادی در وقت گرفتن

- م - (با شتاب تائر و تواضع): ببخشید دیر کردم آیا وقت دارم؟!
 د - بفرمائید بنشینید، از کجا حرکت کرده‌اید؟ (با دست مبل را برای نشستن نشان می‌دهد).
 م - از شهری که در ۲۰۰ کیلومتری اینجا است، اتوبوس مسافر می‌گرفت، دیر حرکت کرد، دیر خدمت رسیدم.
 د - اینجا را چطور پیدا کردید؟
 م - دست‌ها را میان پاها قرار داده، به هم می‌مالد، با قیافه‌ای متائر می‌گوید: پیدا نکردم، رفتم خانه خواهرم تلفن کردم دوباره آدرس را پرسیدم.
 د - قبلا آدرس را پرسیده بودید؟
 م - داداشم وقت گرفته بود، آدرس را گم کردم (تائر بیشتری در قیافه و حرکات دارد).
 د - با توجه به محرمانه بودن آنچه در اینجا می‌گذرد تا جایی که می‌توانید، آزادانه، با جزئیات بفرمایید منظورتان از آمدن چه بوده است؟
 م - ۵ سال است ناراحتی ضربان قلب دارم، پزشکان گفته‌اند ناراحتی اعصاب است...

یادآوری: وقت را با اصرار برادرش گرفته است، قرار بوده است که قبل از آمدن درخواست وقت را تلفنی تایید کند، رفتار آسیب دیده او در شتاب زدگی، ندانستن آدرس، خجالت کشیدن، دیر آمدن ... مشهود است:

چنین درگیری‌هایی را در موارد دیگر زندگانی دارد و برای درمان آنها آمده است. اگر آزادانه خودش وقت می‌گرفت آرام‌تر رفتار می‌کرد و همکاری بیشتری داشت.

هنگامه دوم: نبود آزادی در وابستگی به دیگران

م - یک عمر فکر می‌کنم از لحاظ روحی ارضاء نشدم.

د - منظورتان چیست؟

م - می‌خواهم مورد علاقه دیگران باشم، مرا دوست داشته باشند، اهمیت داشته باشم ...
 مریضی من برای زنم و دیگران هیچ اهمیتی ندارد، مهم نیست، هیچکس غم مرا نمی‌خورد.
 حس می‌کنم هیچ تکیه‌گاهی ندارم. عذاب و شکنجه می‌کشم.

د - منظورتان چیست؟

م - خودم را آزاد نمی‌بینم، درمانده حس می‌کنم، بیمار حس می‌کنم، آزادی ندارم، احتیاج به کمک دارم. روی غرور عنوان نمی‌کنم و این کمک را کسی به من نمی‌کند، چه از نظر روحی و چه از نظر اجتماعی.

د - گفتید کسی به شما کمک نمی‌کند.

م - بارها به خانمم گفته‌ام سرت را روی سینه‌ام بگذار تا آرام بگیرم، او دریغ می‌کند، زنم به من عشق و علاقه ندارد، بلکه وظیفه می‌داند. همینطور برادرم، فقط بخاطر اسم برادری، نه به خاطر خودم ... اگر بچه‌های کلاس درس را می‌خوانند به خاطر علاقه به خودم نیست.

هنگامه سوم: نبود آزادی در نیاز به تایید دیگران

م - با همه این حرف‌ها از زندگی خوشم می‌آید، می‌خواهم خودی نشان بدهم، فکر می‌کنم مثل خیام که اعداد اول را کشف کرد، بتوانم کشفی کنم و به جایی برسم. خواسته من آن است که خودم را نشان بدهم به این وسیله خود را ارضاء کنم. همیشه در این فکر بوده‌ام.

د - گفتید: خودم را نشان بدهم ...

م - خود واقعی، خودم را نشان بدهم. احساس می‌کنم که به ظاهر در چشم دیگران، آدم بی‌عرضه‌ای جلوه می‌کنم! می‌خواهم زرنگی کنم! ... ولی من اینطور نیستم در باطن جور دیگری هستم، آنها مرا درک نمی‌کنند.

د - گفتید: آنها مرا درک نمی‌کنند ...

م - خیلی تنهاییم، از برادر، خواهر، زن و قوم و خویش سرخورده‌ام.

د - منظورتان از سرخورده چیست؟

م - حس می‌کنم اگر کاری داشته باشم، توجه نمی‌کنند، مریضی من برایشان، برای زنم و دیگران هیچ مهم نیست.

د - گفتید هیچ مهم نیست منظورتان چیست؟

م - خیلی راحت با آن برخورد می‌کنند: نه برادر، نه خواهر، نه زن ... هیچکس غم مرا نمی‌خورد، مرا دوست ندارند، روی هیچکس نمی‌توانم حساب کنم، حس می‌کنم هیچ تکیه‌گاهی ندارم، پدرم به من کمک مالی نمی‌کند ...

برداشت‌ها:

در مورد (۱) برداشت‌هایی چند از آزادی داریم:

۱ - آزاد درخواست، آمدن و نیامدن (با اطلاع قبلی).

۲ - محرمانه بودن، خلوت و تنها بودن.

۳ - حرکت آزاد از پرسش‌های کلی و مبهم تا به جزئی و روشن ارزش درمانی آن در گسترش و ژرفا بخشی به پاسخ‌های آزادانه است.

۴ - پرسش‌های از واژه‌های پر هیجان و پاسخ‌های مراجع شروع می‌شود تا کاربرد واژه‌های کم هیجان‌تر ادامه پیدا می‌کند. ارزش درمان آن در کاهش هیجان‌رهایی مراجع است از فشارهای هیجانی.

نبود آزادی:

در مجموع پاسخ‌های مراجع و در کل هستی او به عنوان یک پاسخ دهنده آهنگ نبود آزادی نواخته می‌شود:

در هنگامه نخست: درخواست از برادر و وقت گرفتن کمک او با واسطه عمل کردن. پیدا کردن آدرس به وسیله خواهر و تلفن کردن از منزل و با یاری او.

در هنگامه دوم: وابستگی و نیاز به توجه دیگران هم احساسی با کودکان، واپس گرانی پایدار (بچه وش)، نیاز به نوازش و غم خواری دیگران.

در هنگامه سوم: تلاش برای دست یابی به آزادی، والاگرانی می‌کند، می‌خواهد خیام باشد، احساس ناکامی می‌کند در غم تنهایی دست و پا می‌زند، خود را در چشم دیگران بی اهمیت، بی عرضه ، ... می‌یابد.

برداشت:

بودن آزادی در این مراجعه با درخواست کردن مستقیم و مستقل، بدون واسطه عمل کردن، وابستگی نداشتن، بچه وش نبودن ... است، اما او با واسطه دیگران درخواست پذیرش می‌کند، خود را به دیگران، به فضای خانه و همه آنچه که در آن است، به اطرافیان نیازمند و وابسته نشان می‌دهد. تلاش‌های او در جهت سلب آزادی دیگران و به خدمت گرفتن آنها است: قدرت مطلقه شدن، مانند پدر، که خانواده به او خان بابا می‌گفتند به معنی سرور و مورد توجه همه بودن. در تمام پرسش‌ها و پاسخ‌ها هستی خود را در جهت سلطه طلبی به کار می‌گیرد. دست‌ها را به هم می‌مالد، ابروها را درهم می‌کشد، نگاه‌های نافذ و درخشان و مترصد دارد، به هر حرکت روان درمانگر حساسیت نشان می‌دهد و با تمام هستی خود پاسخ می‌دهد.

مورد (۲)

مشخصات: مرد جوان ۲۶ ساله، چهارمین فرزند خانواده ۷ نفری از مردم شمال، دو خواهر و دو برادر دارد. مجرد و دانشجو است. پدر ۶۰ ساله کشاورز و مادر ۵۸ ساله. پدر عصبی، سخت گیر و پیوسته او را کتک می‌زده است، پدر بزرگ و مادربزرگ در خانواده آنها زندگی می‌کرده‌اند. در کتک زدن از چوب و نی استفاده می‌کردند تا حید مجروح کردن، برای کنترل او، پدر شب‌ها دستش را می‌بسته تا جایی نرود. مادر وسواس و تسلط زیاد بر همگان داشته است، مرتب فرزندان را مورد بازخواست و سرزنش قرار می‌داده است.

هنگامه نخست: نبود آزادی، لجبازی

م - احساس می‌کنم با دیگران لجبازی می‌کنم.

د - لجبازی با دیگران، منظورتان چیست؟

م - در هر کاری یا خودم را کنار می‌کشم و یا درگیری و ناسزا راه می‌اندازم، توقعات زیاد داشتم.

د - توقعات زیاد، منظورتان چیست؟

م - عیب جوئی می‌کردم که به من توجه نمی‌کنند، حقم را خوردند، لجبازی می‌کردم مثل اینکه با خودم هم لجبازی می‌کردم. به کارهایم نمی‌رسیدم.

د - لجبازی با خودتان، منظورتان چیست؟

م - زیاد از خودم می‌پرسم، محور همه اتفاقات را تقصیر خودم می‌دانم.

د - محور همه اتفاقات را تقصیر خودتان می‌دانید؟ منظورتان چیست؟

م - خودم را تقصیر کار می‌دانم.

د - گفتید تقصیر کار.

م - چون بدذات، بد نیت، بد سرشت، بودم. هر جا که می‌رفتم خرابکاری داشتم تقصیر کار بودم.

د - منظورت چیست؟

م - خجالت می‌کشم، می‌گویم نمی‌خواهم، نمی‌آیم ...

هنگامه دوم: نبود آزادی در درگیری‌ها، بی‌علاقه بودن

د - در آنچه می‌کردید آزاد بودید؟

م - آزادی نبود، حالتی بود که روی عادت در خانواده درگیری ایجاد می‌کردم.

د - منظورتان از ایجاد درگیری چیست؟

م - نخست در حد صحبت و بگو مگو بود سپس به درگیری می‌کشاندم خودم را آزاد نمی‌دیدم.

د - خودتان را آزاد، نمی‌دیدید.

م - در حالتی که دارم چه موقع خود را آزاد نمی‌بینم؟ در مواقعی که میل و رغبت ندارم،

آزادی ندارم، خودم را آزاد نمی‌بینم.

د - خود را آزاد نمی‌بینید، منظورتان چیست؟

م - در لحظات بخصوص، لحظاتی که دست از فعالیت می‌کشم، احساس می‌کنم آزاد

نیستم، فشار است، علاقه و رغبت نیست.

د - علاقه و رغبت نیست؟ منظورتان چیست؟
 م - از مطالعه احساس لذت نمی‌کنم، در بعضی از مسائل احساس آزادی، لذت، رغبت و تمایل ندارم.

هنگامه سوم: نبود آزادی، کار خود را بدیگران محول کردن، شل بودن

م - خودم را با شرایط وفق نمی‌دهم، می‌خواهم مستقل باشم، عدم اتکاء به دیگران.
 د - منظورتان چیست؟
 م - کارهایم را می‌اندازم به گردن رفقاء و ظایف خودم را خودم انجام نمی‌دهم.
 د - منظورتان چیست؟
 م - این لجبازیست، من خودم نمی‌خواهم ولی در عمل هست، یکی را به دنبال سیگار می‌فرستم، یکی را به دنبال کار دیگر اما خودم در کار شل هستم.
 د - منظورتان چیست؟
 م - سر موقع به تکلیف خودم نمی‌رسم.

برداشت:

آزادی در بند است!! این مرد، اسیر ناسزاهای، تحقیرها، تهدیدهایست که در مجتمع خانواده از پدر، مادر، برادر، مادر بزرگ، پدر بزرگ ... نسبت به او روا می‌داشتند برای ((آزادی)) از فشار و قید و بندهای آنها دست و پا می‌زند لجبازی می‌کند. همین که از لجبازی باز می‌ایستد، احساس فشار و در بند بودن دارد، خود را شل، بدون علاقه، بدون رغبت، سریار دیگران می‌بیند.

آزادی را در قالب پرسش‌ها و پاسخ‌ها با شرایط زیر تقویت کرده‌ایم:

- ۱ - پرسش‌ها را با کلماتی شروع کرده‌ایم که در پاسخ‌ها وجود دارند از خود او هستند.
- ۲ - کلماتی انتخاب شده‌اند که بیشترین فشار هیجانی را در مراجع داشته‌اند با هر پرسش فرصت تخلیه بوده است.
- ۳ - با توالی پرسش‌ها تلاش کرده‌ایم تا کلمات پر فشار را به وسیله خود مراجع تجزیه و تخلیه کنیم. هر چه بیشتر سبک بار سازیم.
- ۴ - واژه یا سخنی را که کلی بود به پرسش می‌گذاشتیم تا روشن شود و متمایز گردد.

رواندرمانی در بود و نبود آزادی

در دو مورد یاد شده پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تلاش‌های درمانگر از بودند، درمان در وضعیتی صورت می‌گرفته است که در پرسش‌ها و پاسخ‌ها آزادی مراجع تقویت می‌شده، حالت‌ها و رفتارها از بیماری به سلامت و از نبود آزادی به آزادی می‌رسید. آزادی درمانی در تلاش‌های زیر بیشتر دیده می‌شود:

۱ - آزادی: از کلیت و ابهام به جزئی و روش

<u>پدرم به من کمک مالی نمی‌کند</u>	<u>مرا دوست ندارند</u>	<u>هنگامه سوم مورد ۱ (سرخورده‌ام)</u>
جزئی و روش (آزادی)	کاهش کلیت و ابهام	(نبود آزادی) کلی و مبهم
<u>خانمم سرش را روی سینه‌ام نمی‌گذارد</u>	<u>کسی غم مرا نمی‌خورد</u>	<u>از لحاظ روحی ارضاء نشده‌ام</u>
جزئی و روش (آزادی)	کاهش کلیت و ابهام	(نبود آزادی) کلی و مبهم

۲ - آزادی: از هیجان‌های پر فشار به عواطف و احساس‌های آرام

از حالت و رفتارهایی که بار هیجانی و فشار عاطفی زیاد است به حالت کم بار و بدون هیجان

<u>عذاب و شکنجه می‌کنم</u>	<u>هیچکس غم مرا نمی‌خورد</u>	<u>احتیاج به کمک دارم</u>
(نبود آزادی) پر بار از هیجان	کم بار	بدون بار (آزادی)

۳ - آزادی: از قیدها و تاکید به حالت‌ها و رفتارهای هادی و یکسان

<u>همه را تقصیر خودم می‌دانم</u>	<u>مخالفت می‌کنم</u>	<u>می‌گویم نمی‌خواهم</u>
(نبود آزادی) با تاکید و قید	بدون تاکید و قید	حالت عادی (آزادی)
<u>توقعات زیاد داشتم</u>	<u>عیب جویی می‌کردم</u>	<u>به کارهایم نمی‌رسیدم</u>
(نبود آزادی) با قید زیاد	کمی قید	بدون قید (آزادی)

۴ - آزادی: از حالت‌ها، رفتارها و واژه‌های تکراری به سخن‌های کوتاه و روشن

<u>در مورد ۲ هنگامه نخست ۳ بار می‌گوید تقصیر کار</u>	<u>می‌گویم نمی‌خواهم، نمی‌آیم</u>
(نبود آزادی) واژه‌های تکراری	بدون تکرار (آزادی)
<u>در مورد ۱ هنگامه سوم ۳ بار می‌گوید خودم را نشان بدهم</u>	<u>مرا درک نمی‌کنند</u>
(نبود آزادی) واژه‌های تکراری	بدون تکرار (آزادی)

۵ - آزادی: از شتاب زدگی به آرامش

بیخشید دیر کردم

(نبود آزادی) با شتاب و لرزش

آدرش را گم کردم

(نبود آزادی) تاثر در چهره و حرکت‌ها

دیر خدمت رسیدم

با آرامش (آزادی)

ناراحتی اعصاب است

بدون تاثر و حرکت (آزادی)

یادآوری: نمونه‌های یاد شده در دیدگاه هنگامه‌ها در هر چهار وضعیت برون‌فکنی، برون‌نمایی، درون‌فکنی و درون‌نمایی پیدا می‌شود.

آزادی

در هنگامه‌های روانکاوی

در مجتمع‌های روان‌درمانی بسیاری از مفاهیم روانکاوی مورد توجه قرار می‌گیرد: تداعی آزاد را در مفهوم ((خودجوشی))^۱ به کار می‌بریم. به مراجع توصیه می‌شود که هر چه را فکر می‌کند و هر احساسی که دارد و هر چه را به خاطر می‌آورد از زمان‌های دور، نزدیک و یا حال و هر چه را اندیشه می‌کند برای آینده‌های دور و نزدیک ((در او))، ((از او)) و ((با او)) آزادانه می‌جوشد، بیان کند. روی تخت دراز کشیدن و رها گذاشتن تن برای خود جوشی آزاد، قرار گرفتن در هنگامه‌هایی است که بدن از هر گونه قید و محدودیت رها می‌شود و از هر تنش و بار هیجانی تخلیه می‌گردد به رهایی و آزادی می‌رسد.

در چنین حالی به رویا نزدیک می‌شویم و مجتمع روان فضای درون جوشگاه نموده‌های روانی نخستین سال‌های زندگانی می‌گردد. خاطره‌ها آزادانه درهم، برهم و با هم و از هم می‌شوند یکدیگر را می‌سازند و می‌شکنند، تجربه‌های تلخ و شیرین، امیال و نیازهای ژرف و نخستین فرد می‌توانند آزادی و خود جوشی را در نموده‌های آگاهی، نیمه آگاهی و نا آگاهی دامن بزنند، جهت دار و با معنی سازند. در اینحال آنچه را که تداعی آزاد می‌گوئیم خود جوشی آزادانه هنگامه‌های سازنده فرد است: یک ((کلمه))، یک ((سخن)) و گفتار، مجتمع روان فضای پویائی است که با کوله باری از هیجان‌ها و تنش‌ها، زائیده از ناکامی‌ها و کام یابی‌ها، با بال و پر آرزوهای دور و نزدیک پرواز می‌کند: جوشش آزادانه ((آنها)) تابع گستردگی و

¹ Spontanite

ژرفایی هدفها و امیال است، در هر هنگامه با قرار گرفتن در پشت و دور از نظر مراجع، و قرار دادن او در فضائی ساکت و آرام امکان می یابیم پرواز این پرنده را آسان تر سازیم، تلاش داریم با کم کردن موانعی که به صورت مقاومتها و سانسورها سد راه می شود، پرو بال آزادی را بگشاییم و آن را ((خود جوش تر)) سازیم.

در چنین مجتمع هایی شرایط فیزیکی فراهم شده برای تشکیل جلسات درمان (صدا، نور، تنهایی ...) و شرایط ارزشی رواندرمان و مراجع کمترین قید را بوجود می آورند و آزادی افزایش می یابد.

آزادی از قید زمان: تلاش های آزاد در هنگامه های تداعی آزاد، زائیده خواسته ها و اهداف ناآگاهانه و نیمه آگاهی مراجع است. از زمان های دور و نزدیک بر می خیزد و پیوسته در تغییر و تحول است و به وسیله تفسیرها و تحلیل هایی که از آنها می شود جهت دار و با معنی می شود و در قالب امیال و خواسته های تازه مراجع شکل می گیرد و به آگاهی در زمان حال در می آید.

آزادی از ناآگاهی به آگاهی: آزادی، طرح های تنش زای پیش ساخته را بیدار می سازد و یا طرح های تنش زای تازه ای را می سازد. همزمان از ناآگاهی و نیمه آگاهی سیر می کند و سرانجام نمودهای روانی آگاهانه پویا را می سازد.

آزادی در هنگامه های کاهش و افزایش حواس آزادی در خودجوشی های درون، در هنگامه های روانکاری، با کاهش و افزایش تلاش های حواس تغییر می کند، در مورد (۳) مراجع یکبار با چشم باز و یکبار با چشم بسته افکار خود را می گوید، این دو وضعیت را مقایسه می کنیم.

آزادی درمانی با چشم باز و بسته

مورد (۳)

مرد جوان ۲۴ ساله دومین فرزند خانواده ۵ نفری، پدر و مادر هر دو کارمند و هم سن هستند برادری بزرگتر و خواهری کوچکتر از خود دارد. منظور از مراجعه می گوید: فکر می کنم بدبختم، ضعیفم، دنیا سرسازگاری با من ندارد، مشکلات را نمی توانم حل کنم. گاهی کاری انجام می دهم که خودم نمی خواهم، عصبی می شوم، نسبت به جنس مخالف نظر منفی دارم، روی یک موضوع خاص نمی توانم تمرکز کنم.

در تشخیص‌های اولیه دچار دوگانگی از تصویر خویشتن است، حوادث و ارتباطات را علیه خود تعبیر و تفسیر می‌کند، نسبت به سلامت خود دچار وسواس اضطرابی است، اوهام ناخوش آیند از تمایلات جنسی دارد، برای واپس زدن آنها می‌کوشد، حساسیت در رقابت، ناراحتی زیاد از تبعیض دارد، پرخاشگری‌ها و ناکامی‌ها را متوقف و درونی می‌سازد و تداوم می‌دهد.

هنگامه نخست (آزادی با چشم بسته): مراجع روی تخت قرار گرفته و در فضای آرام ساکت، رواندرمان پشت سر او نشسته است و در پرتو چراغ روی میز کوچک یادداشت می‌کند.

م - با چشم بسته، پس از ۴ دقیقه سکوت، ... آقای دکتر شروع کنم؟!

د - گوش می‌دهم، هر چه را بیاد می‌آورید، آزادانه بگویند.

م - میز کوچکی را می‌بینم. سمت چپ به بالا، مثل یک تابلو نقاشی است، بازی مرغی را شکار کرده دارد می‌خورد ... تصاویر مبهم می‌بینم، مثل یک مار، ماری که پر پیچ و خم است، پشتش دیده می‌شود، گوزنی را می‌بینم، سرش، گردنش با شاخ‌های بلندش، رنگ پوستش قرمز است ولی شاخ‌هایش قهوه‌ای رنگ است جسمی مثل پره‌های هلیکوپتر ... چند بیچه دارند دور هم می‌چرخند ... گوسفندی که رو به طرف من کرده، روی خیلی سفیدی دارد، در همان مکان تصویر گاو قهوه‌ای رنگی را می‌بینم ...))

پسری را می‌بینم که دو تا چوب بلند که روی هر کدام تکیه گاهی است، بازی می‌کند روی آنها می‌پرد ... یک شیر را می‌بینم که زیر پایش میز گذاشته می‌پرد ... یک تسماح، سوسمار به رنگ نارنجی، نقاشی است، ترسناک نیست، نخ باریکی را می‌بینم، مثل نخ معمولی، شاید هم یک شلاق باشد، باریک باشد که انحاء پیدا می‌کند، یک قیچی زرد رنگ، یک جانور که آن نخ را پرت کرده است ... یک مداد پهن، خیال دارد چیزی بنویسد، چیزی می‌نویسد ... چند تا درخت سبز، سر زدند روی یکدیگر افتادند، درخت‌ها خیلی بلندند آنها را از تنه با تبر زدند ... یک سقف دارد چکه می‌کند، چکه، چکه، آب وسط جمع شده در مرکز آن مجرای خروج است، آنها ناپدید شدند ...))

دو تا چشم می‌بینم، فقط نیمه پائین آنها دیده می‌شود، چشم‌ها نگران است، چشم راست کاملاً کج شده است، عجیب است، که چپ شده زیرینی قرار گرفته است ...))

دو تا چشم می‌بینم، فقط نیمه پائین آنها دیده می‌شود، چشم‌ها نگران است، چشم راست کاملاً کج شده است، عجیب است، که چپ شده زیر بینی قرار گرفته است ...))

سیاره زحل با حلقه زیبایش، حلقه شروع می‌کند به چرخیدن انگار الکترون‌ها دور آن می‌چرخند، آن حلقه هم می‌چرخد، فضا کاملاً سیاه و پر از ستاره است. یک هواپیمای کوچک به طور عمودی می‌رود، بالا می‌آید، پایین می‌رود به طور دورانی می‌چرخد...))

موتور سواری در محفظه‌ای از فلز، می‌چرخد، می‌چرخد ولی تعادلش را از دست نمی‌دهد، بالا می‌رود، کلاهی سفید رنگ دارد، ... آمد بیرون گاز می‌دهد، با سرعت زیاد پیش می‌رود، ترمز زد، به طرف عقب برگشت، سریع رفت به طرف مزرعه، دوباره شروع به چرخیدن کرد، موتور محو شد، موتور آرام افتاد به زمین، لباس آبی رنگی به تنش است، دستی به موهایش کشید، موهایش را مرتب کرد، پرده‌ای را که آنجا بود کنار زد و آمد بیرون ... در این لحظه مراجع سکوت می‌کند و هنگامه خود جوش تازه‌ای شروع می‌کند.

هنگامه دوم: (آزادی با چشم باز)

م - ... با چشم باز هم می‌توانم سخن بگویم (در هنگامه قبل به میل خود چشم‌ها را بسته بود) حرف‌ها و نظراتی دارم.

د - ... گوش می‌کنم. این بار نیز هر چه را بیاد می‌آورید آزادانه بگوئید:

م - ... ای کاش خودخواه نبودم، آدمی که می‌خواهد خوب باشد ... ای کاش صلح جهانی پایدار بود، انجام می‌شد، صلح به معنی همیشه در فردا ... چقدر خوب است که آدم بتواند به آرزوهایش برسد، فضا نورد بودن، کتاب چاپ کردن ... یکی از مشکلات مسائل جنسی است از بچگی تا پیری، مذهب و نظریات گوناگون نتوانسته است آنها را از بین ببرد، خیلی از دخترها و پسرها کسانی را که عالم باشند، ثروتمند باشند می‌پسندند ...

در کار خود مانده‌ام، درس‌هایم افت کرده است، افسرده شده‌ام، دو بار خودکشی کرده‌ام، یکبار آن دختر اول به من کم محلی کرد، و یک بار دیگر چند روز قبل درگیری با پدر، امتحان افسرده شدم، از زندگی سیر شدم، ...))

مشکل دیگر آن که، مثل اینکه جاده وسیعی روبروی من است، هر کار بخواهم می‌توانم بکنم، آنجا من باید تصمیم بگیرم، مسئولیت قبول کنم ... هر کار نوعی اشتباه است، هر چه بزرگتر باشی بیشتر به نظر می‌آید... با هر دختری برخورد کرده‌ام اول خیلی خوب است اما به دلایلی احساسم عوض شده است، خودم تصمیم گرفته‌ام قطع شود، یا خود به خود قطع شده است، از این نظر خیلی حساسم ...))

دو قطب مخالف یکدیگر آدم وجود دارد: یکی آدم‌هایی که فلسفه و آثار صادق هدایت را می‌خوانند و غیر دینی هستند و دیگر افرادی که مادی هستند. آدم‌ها دو رو دارند، یکی آنهایی که برون‌گرا هستند، اینها آدم‌های ظاهر بین هستند با آنها مثل دشمن برخورد می‌کنم و دیگر آدم‌های درون‌گرا، خودم را ظاهر بین می‌بینم و آنها را عمیق‌تر از خودم می‌بینم ...»

خیلی وقت‌ها احساس می‌کنم اینجا نیستم، همین الان احساس جوانی نمی‌کنم، فکر می‌کنم پیر شده‌ام، شور و نشاط در من کمتر بوده است، در ۱۵ سالگی می‌گفتند مثل ۲۵ ساله‌ها هستم ولی به نظر خودم بچه‌ام، میل به نقاشی پیدا می‌کنم، احتیاج به محبت دارم ... خیلی ناراحت می‌شوم اگر یکی بخواهد به خاطر دورنمای سود مالی ازدواج کند، از او متنفر می‌شوم ... واقعاً کی مذهبی هست؟ کی مذهبی نیست؟ خودم نمی‌دانم که مذهبییم یا نه، از اینکه استرس داشته باشم، به خودم می‌لرزم، ناراحت می‌شوم، نفسم می‌گیرد، احساس حقارت می‌کنم ... چقدر غم‌انگیز است که زندگی یک روز تمام می‌شود، زندگی کاملاً خوب هم هست اما پایان آن همیشه برایم پدیده ترسناکی بوده است.

برداشت‌ها:

اگر گفته‌های آزادانه با چشم باز و بسته را برابر نهیم. در هنگامه‌های چشم بسته، گفته‌ها بی‌بند و بار، از اینجا و آنجا، بدون زمان و مکان مشخص، بدون موضوعی ثابت، از هم گسیخته ... است و در هنگامه‌های چشم باز، گفته‌ها، قالب و موضوعی مشخص دارد: اظهار نظر می‌کند، به پرسش می‌گذارد، قضاوت می‌نماید، مقایسه می‌کند، قبول یا رد می‌نماید به عبارتی کلی‌تر گفته‌ها و یادآوری‌هایش چهار چوب دارد و منطقی‌تر است.

تفاوت این دو وضعیت به معنی آن است که هر چه تلاش‌های درون و برون، با توانمندی‌ها و خواست‌های آگاهانه: اطلاعات تجربه‌ها، احساس‌ها و ادراک‌های روزمره درهم می‌آمیزد پراکندگی و از هم گسیختگی ... آنها کاهش می‌یابد، بصورت رشته‌های منطقی از اندیشه‌ها، رفتارها و خواسته‌ها در می‌آید.

در وضعیت نخست (چشم بسته) آزادی عنان گسیخته، بی‌حد، در ناآگاهی و خواسته‌های آسیب دیده و آسیب‌زاست، و در وضعیت دوم (چشم باز) آزادی، در چهار چوب آگاهی‌ها و خواسته‌های سلامت یافته و سلامت‌زا بکار می‌افتد.

مجتمع‌های روانی فضایی، برون و درون، هر تغییری در کل تلاش‌ها تغییر ایجاد می‌کند و تغییر در گستردگی، ژرفا و در انبساط و انقباض مجتمع بیشتر محسوس است. تلاش‌های آزادی درهنگامه نخست تحت تاثیر چشم بسته مراجع به تلاش‌های رویا نزدیک شده است. به عبارت دیگر چشم بسته آزادی را ژرف‌تر ساخته است و خاستگاه آن را متوجه تجربه‌های ناآگاهی عمیق و گذشته دور زندگی کرده است؛ افکار عنان گسیخته، خود جوش، بدون پیوستگی و وابستگی بیدار و پیدا می‌شوند:

بازی که مرغی را شکار می‌کند، پسری که روی دو چوب بلند تکیه می‌کند، سقفی که چکه می‌کند. ستاره زحل، موتور سوار، ترس از پایان آن ... این وضعیت امکان می‌دهد که از گستردگی و ژرفای بیشتری از درون مراجع آگاه شویم.

در هنگامه‌های چشم باز خاستگاه آزادی تداعی‌ها در سطح آگاهی، نیمه آگاهی و تجربه‌های نزدیک تر زندگی متمرکز بوده است. در هنگامه‌های (چشم بسته) آزادی کمتر از هنگامه‌های (چشم باز) به هدف‌ها و ارزش‌های دور و نزدیک زندگی توجه دارد. در چشم باز حواس قید و بند می‌زنند، دست و بال آزادی را می‌بندند و فرد را در چهار چوب واقعیت و تجربه‌های گذشته و حال و امیدارند تا به نیازها و ارتباط‌های روزانه توجه کند، مسائل جنسی، افت تحصیلی، فلسفه، دین، جوانی، پیری ... حواس و دریچه‌های آن وقتی فعال و گشوده باشند هر کدام برای آزادی طبیعی و سرشتی مجتمع هستی ما محدودیت ایجاد می‌کنند. وقتی خواب هستیم این قیود، بیش از پیش، با از کار افتادگی حواس، برداشته می‌شوند، نموده‌ها و فرآیند ژرف ناخودآگاهی رها می‌گردند: پژوهش‌ها، تشخیص‌ها و درمان‌های بالینی متناسب با کم شدن دخالت حواس مراجع در تداعی ژرف‌تر و به زمینه‌های ناخودآگاهی اتکاء بیشتری دارد.

در وضعیت چشم بسته که توان آزادی بیشتر است درمانجو زودتر، و آسان‌تر آرام می‌گیرد و با بیرون ریختن زوایای پنهان درون امکان تشخیص و آگاهی‌های روش‌تری را برای معنی و جهت دادن بدرمان و آرامش مراجع پیدا می‌کنیم.

در نظریه هنگامه‌ها، واژه‌ها، آواها ... هریک مجتمع روان فضای پویائی است که بر حسب ابهام، کلیت، تنش و هیجانی که با خود دارد گستردگی و ژرفا پیدا می‌کند، قابلیت انبساط، انقباض، تراکم و پراکندگی بیشتری می‌یابد. با توجه به این قابلیت‌ها در یک تلاش پژوهشی، تشخیصی و درمانی هر واژه را به سوال می‌گذاریم و فرصت می‌دهیم تا مراجع آن را بازبینی و بازگشائی کند، این بازگشائی (آزادانه) از هر زوایای امکان دارد: گشوده شدن مجتمع بسته و

متراکم هر واژه تلاش‌های پنهان و پر تنشی را که در زوایای تاریک و مبهم مجتمع آن واژه قرار دارد روشن و برون ریزی می‌کند: با تخلیه بارهای هیجان‌انگیز، متمایز شدن تجربه‌های رنج‌زای گذشته و شکستن سیستم‌های مقاومت، آزادی بر همه زمینه‌ها مسلط می‌شود. مراجع احساس آرامش و کاهش فشار دارد.

مورد (۴)

بانوی ۴۰ ساله تحصیلات عالی، چهارمین فرزند از خانواده ۷ نفری شغل آموزشی و چهار فرزند، علت مراجعه خود را در ده‌های روان تنی در پشت سر و بدن، ترس از اتفاقات ناگوار برای خود و اطرافیانش می‌داند. در تشخیص‌های اولیه دارای وابستگی بچگانه، وسواس‌های فکری، نیاز به مورد توجه بودن اضطراب از روابط همسری و تعبیر و تفسیر کردن وقایع علیه خود است. مراجع روی تخت قرار گرفته در فضای آرام نیمه روشن در هنگامه نخست مدت ۱۰ دقیقه با چشم بسته افکار و احساس‌های خود را می‌گفت، در هنگامه دوم و سوم نخستین واژه کلی و مبهمی را که به کار برده است (بدبین هستم) به سؤال می‌گذاریم (منظورتان چیست: بدبین هستم؟) آنگاه واژه کلی و مبهمی را که در پاسخ به کار می‌برد (مرا چشم کرده‌اند) به سؤال می‌گذاریم (منظورتان چیست: مرا چشم کرده‌اند؟) دوباره مراجع را آزاد می‌گذاریم تا افکار و احساس‌های خود را بگوید در هنگامه چهارم از مراجع می‌خواهیم چشم‌های خود را ببندد و آزادانه آنچه را فکر می‌کند و یا احساس دارد بگوید. در هنگامه پنجم با شیوه زیاد یاد شده واژه مبهم و کلی (افکارم قره قاطی است) را به سؤال می‌گذاریم.

با چشمان باز:

وحشت دارم نسبت به هر چیز بدبین هستم، خیلی رویم اثر می‌گذارد اگر شوهرم بگوید: سرم درد می‌کند فکر می‌کنم آنفاکتوس می‌کند. وقتی بچه‌ها می‌روند پشت بام بی‌نهایت وحشت می‌کنم. بچه دوستم. پسر یکی از همکارانم از پشت بام افتاد و مرد، مادرش در مدرسه بود به او خبر دادند من آنجا بودم، یاد می‌آید: بچه یکی از همسایه‌ها از روی ایوان افتاد در حیاط خودمان بود. بچه‌ها که می‌روند روی بلندی ناراحت می‌شوم.

نسبت به خانواده شوهرم حساسیت دارم، زن جوان بیوه‌ای در خانواده آنها است، می‌داند که مریضم، به دیدنم می‌آید، اگر شوهرم آنجا باشد حساس می‌شوم، این چیزهای کوچک

خیلی فشار می‌آورد، دیشب خوابم نمی‌برد، جشن تولد دختر کوچکم است، همه‌اش تا صبح فکر می‌کردم کاری می‌شود، همه‌اش فکر بیمارستان، اینها چه کار می‌کنند ...

سکوت ... دیروز جانی بودیم پسر دختر خاله‌ام را بردند سربازی مادرش عین خیالش نبود، من ناراحت شدم که پسر من هم روزی می‌رود سربازی، من چه کار کنم، بدتر از همه فکر می‌کنم مانع خوشبختی خانواده‌ام می‌شوم: آنها می‌خواستند بروند مسافرت من خوشم نمی‌آمد، به خاطر من نرفتند.

د - گفتید، نسبت به هر چیز بدبین هستید.

م - هیچ وقت روی خوب قضیه را نمی‌بینم، آن طرفش را می‌بینم، فکر می‌کنم زندگی من را چشم کرده‌اند، هر حرفی که می‌آید توی خانه‌مان همه‌اش ترس و لرز دارم، از زندگی همه تعریف می‌کنند من بهترین و خوشبخت‌ترین آدمم، می‌گویند تو چرا اینطوری شده‌ای هر چه شوهرم می‌خواهد بخرد من می‌گویم نخر ...))

د - گفتید: زندگی مرا چشم کرده‌اند؟

م - اولین باری که حامله بد شد حامله بودم، یکی از همسایه‌ها آمد دم در گفت: تو که از دخترت خوشگل‌تری و همیشه حامله‌ای. از آن روز عصر حامله بد شد، افتادم مرا به بیمارستان بردند ... سکوت

با چشم بسته:

د - می‌توانید چشم‌هایتان را ببندید؟

م - افکارم قره‌قاپی است، بیشتر همین حالتی را دارم که احساس می‌کنم فشار می‌آید روی سرم، روی شانه‌هایم، واقعا وحشت دارم. سری اول داروهای عوضی دادند، خیلی حاله بد شد. فکر می‌کنم دعا هم تاثیر نمی‌کند، دعا می‌خواندم، قرآن می‌خواندم، فکر می‌کنم واقعا خدا خیلی بسست اراده است، اعصاب دست خود آدم است ...))

د - گفتید: افکارم قره‌قاپی است؟

م - چیز ثابتی را نمی‌توانم فکر کنم، بعضی اوقات فکر می‌کنم اولین باری که حامله بد شد اگر دکتر نمی‌رفتم اینطور نمی‌شد وقتی که رفتم پیش دکتر، حامله بودم، گفت اعصاب است، شکه شدم، گفت نواز مغزی بردار. به این صورت ناراحتی نداشتم، داروهای مختلف خورده‌ام

ضعیف کرده است ...))

برداشت‌ها:

در هنگامه‌های نخست چشم‌ها باز است تلاش‌های درونی متوجه، تجربه‌ها، شرایط و عوامل مجتمع‌های روانی فضایی پویای زندگی و حوادث رنج زای آن (سقوط کودکان، گفتگو با همسایه، رویارویی همسر با زن بیوه جوان ...) می‌شود. در هنگامه‌های (چشم بسته) تلاش‌های آزاد درون متوجه مجتمع روان فضای تن می‌گردد ((فشار سر، شانه‌ها، ناراحتی معده، ضعف بدن، اعصاب و نوار مغزی ...)) ارتباط‌هایی که با تن خود آزادانه‌تر از ارتباط‌هایی است که با اشیاء و تن دیگران داریم.

هریک از واژه‌های ((بدبین))، ((چشم کردن))، ((قره‌قاپی)) مجتمع روانی فضای پویانگست که با به سوال گذاشتن آنها امکان می‌دهیم تا مراجع آزادانه به بازیابی آنها بپردازد: در زوایا و ژرفای هر یک حوادث رنج زا و هنگامه‌های پر تنش و هیجان انگیز نهفته را آزادانه بگوید.

آزادی

در هنگامه‌های آزمون

هر آزمون مجتمع روان فضای پویانگست که در روابط آزمونگر و آزمون شونده پیدا می‌شود، مشاهده و به پرسش گذاشته می‌شود، پاسخ یابی می‌گردد، و با کاربرد پاسخ‌ها معنی و جهت می‌یابد. آزمون‌ها هنگامه‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی همسان و هم‌آهنگی را به وجود می‌آورند.

آزادی در هنگامه‌های آزمونگری به درجات مختلف بروز می‌کند: اگر خود جوشی آزمون شونده را در هنگامه‌های آزمونگری مورد توجه قرار دهیم آزمون‌ها را بر حسب میزان نزدیکی آنها به وضعیت‌ها و موقعیت‌های خود جوشی و آزادی که آزمون شونده در رابطه با آزمون و آزمونگر دارد درجه بندی می‌کنیم و درجاتی از آزادی در طیف این درجه بندی مشاهده شدنی و قابل ارزیابی است.

آزادی در مجتمع‌های روان فضای بالینی در ابعاد و زمینه‌های مختلف رعایت می‌شود:

- ۱ - آزادی در بعد زمان: زمان در هر مجتمع آزمونگری محدود شده است اما کل مدت هر چه به نامحدود بودن کشاننده شود آزادی تجلی بیشتری دارد.
- ۲ - آزادی در خواست: آزمون شونده آزادانه و آگاهانه وقت می‌گیرد، می‌آید، نیازها و هدف‌های اوست که محرک خواست اوست: آزادی، بکارگیری خواست‌ها است.

۳ - آزادی در تصمیم و عمل: در آمدن، نیامدن، ادامه دادن و ادامه ندادن آزاد است: هر آن می‌تواند تصمیمی دیگر بگیرد به تعویق بیندازد، ادامه ندهد.

۴ - آزادی در سخن و بیان: در جریان آزمونگری هر چه امکان نقل حوادث، پرسیدن و پاسخ به پرسش‌ها بیشتر باشد آزادی امکان تجلی بیشتری پیدا می‌کند.

۵ - آزادی تداعی‌ها: تداعی‌های آزاد و مقید تابع دستور العمل‌ها و هنگامه‌های اجرایی آزمون است: در آزمون‌های عینی آزادی اسیر جزئی و کلی، معین و نامعین، واضح و مبهم، منبسط یا منقبض بودن آزمون است.

زمان، خواست، تصمیم گرفتن و عمل کردن، سخن گفتن و تداعی کردن از یک سو در بند مقررات، قواعد و دستورالعمل‌های اجرایی است و از سوی دیگر بر حسب امکانات، نوع ابزارها و اقدامات قبل و بعد برای اجرا محدود و مقید می‌شود.

آزمون شونده در هنگامه آزمون‌های برون‌فکنی، از آزادی‌های یاد شده سهم بیشتری دارد: زمان جلسات به توان آزاد آزمون شونده در داشتن نیازها و اهداف دور و نزدیک تکیه دارد و اوست که زمان کمتر و یا بیشتری صرف می‌کند، در پاسخ دادن از تداعی آزاد و آزادانه سخن گفتن سود می‌جوید.

به عبارت دیگر آزمون شونده در دادن پاسخ‌ها آزاد است. در هنگامه آزمون‌های عینی مراجع مقید به کشف و درک مفاهیم پنهان و دادن پاسخ یکنواخت و ثابت است، اما در آزمون‌های برون‌فکنی می‌تواند پاسخ‌های فراوان بدهد و راه‌ها و تصمیمات بیشماری را پیش بگیرد و ابزارها را آزادانه دستکاری، جابجا، کم و زیاد کند.

در دستورالعمل‌ها به آزمون شونده گفته می‌شود: «هرکس می‌تواند آنچه می‌خواهد انجام دهد، و هر پاسخی و هر چند پاسخی که می‌خواهد بدهد. یا گفته می‌شود: «سعی کنید آزادانه تداعی کنید و هیچ یک از تصورات، صحنه‌ها، خاطرات را که به ذهن می‌آید کنترل ننمایید، از اولین و با اولین چیزهائی که به خاطر می‌آوردید سخن به‌گوئید، اینجا درست و نادرست، خوب و بد، صحیح و خطا وجود ندارد، هر چه را شما انجام بدهید و یا بگوئید هر چه آزادانه‌تر و به دلخواه شما باشد، همان درست، خوب و صحیح است. مهم آن است که هر چه را به آگاهی می‌آوردید از زمان و مکان حال، دور و نزدیک بیان کنید و یا عمل نمایند ...»

آزمون‌های برون‌فکنی را می‌توان بر حسب مجتمع و سازمان یابی ابزارهای آنها تقسیم و یا درجه بندی کرد. آزادی مراجع در عمل و یا در پاسخ‌ها بر حسب درجه وضوح و ابهام سازمان آشکار یا پنهان آزمون محدود یا نامحدود است.

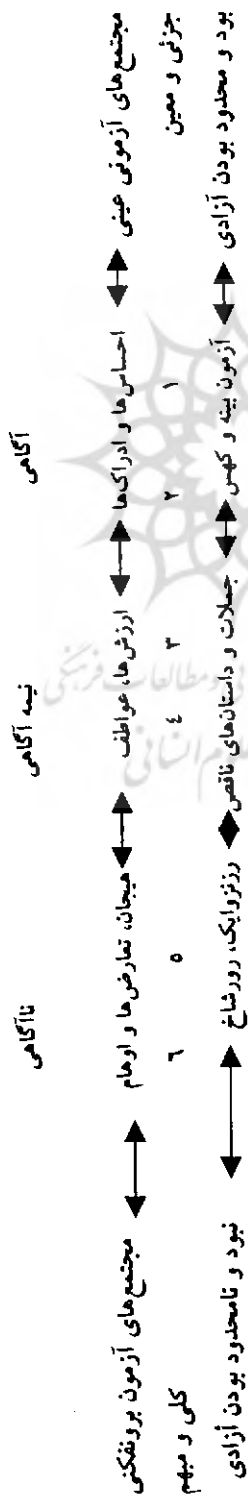
مثلاً آزمون رزنزوایک (پرخاشگری و ناکامی) متمایز تر از T.A.T است و رورشاخ از هر دو آنها ابهام و کلیت بیشتری دارد. درجات آزادی به تبع نوع آزمون در نمای ۱۵ نشان داده شده است.

لکه‌های رورشاخ بر حسب نگرش مکتبی و نظریه‌های روان‌شناختی که به کار می‌رود، مجتمع‌هایی را می‌سازند که قلمرو آزادی را در تفسیر و برداشت‌های آزمون‌کننده و آزمون‌شونده گسترده یا محدود می‌کنند. مثلاً نظریه روانکاوای برای هر یک از تابلوها مجتمع عاطفی و وهمی متمایزی قائل است، تابلو IV مجتمع روان‌فضائی وهمی پدر و تابلو VII وضعیت و همی مادر را ... در بردارد.

نمای ۱۸ نشان می‌دهد که به هر اندازه از مجتمع‌های آزمودنی جزئی، معین، محدود (مجتمع‌های آزمون‌های عینی) باشد قلمرو آزادی در آنها محدود و متمایز است و هر اندازه مجتمع‌های آزمودنی به کلی بودن، مبهم شدن و نامحدود گشتن (مجتمع آزمون‌های برون‌فکنی) نزدیک گردد، قلمرو آزادی نامحدود، نامعین، گسترده‌تر و ژرف‌تر می‌گردد.

نمای ۱۸

قلمرو آزادی در آزمون‌ها



یادآوری:

- ۱- اگر کلیت و ابهام آزمون‌های برون فکمی را از دریچه ناآگاهی تماشا کنیم نبوده آزادی است و اگر با آگاهی وارد شویم امکان رسیدن به آزادی نامحدود است
- ۲- اگر جزئی و معین بودن آزمون‌های عینی را با آزادی نگاه کنیم آزادی محدود است و اگر با آگاهی تماشا کنیم، آزادی را در چهار چوب احساس‌ها و ادراک‌ها و ارزش‌ها محدود می‌بینیم

آزادی درمانی در آزمون‌های برون‌فکنی و روانکاوی

آزادی در زمان، در تعداد پاسخ، تداعی‌ها و در دستورالعمل‌های اجرایی نامحدود است. ولی بر حسب موقعیت، وضعیت، شرایط اجرایی و فضای بالینی میان آزمون‌کننده و آزمون‌شونده محدود می‌شود.

آزادی ساخت‌های پنهان لکه‌ها، داستان‌ها، پرسش‌ها و فرآیندهای انتقال و انتقال متقابل عاطفی و وهمی محدود و نامحدود است. در آزمون‌های برون‌فکنی آزادی در یک یا چند جلسه محدود می‌شود در حالی که در روانکاوی تعداد جلسات نامحدود است.

در آزمون‌های برون‌فکنی و روانکاوی خاستگاه آزادی، امیال و خواست‌های آزمون‌شونده است: در دستورالعمل‌ها گفته می‌شود: «هر چه می‌خواهید، دوست دارید، بکشید، بسازید، بازی کنید...» و در نحوه بیان و بروز خواست‌ها و امیال از اصل «تداعی آزاد» استفاده می‌کنیم: «هر چه را که برای اولین بار به ذهنتان می‌آید، بدون کم و زیاد... آزادانه بگوئید، بلافاصله اضافه می‌نمائیم» (هیچ چیز را کنترل نکنید، کم یا زیاد ننمائید... هر چه می‌خواهید در رابطه با درمانگر و یا فضای درمان بگوئید ولی عمل نکنید...!!^۱ آزادی که نتواند در عمل بروز کند مقید است و بیشتر اوقات اضطراب‌انگیز می‌شود و ترس از آزادی است. در آزمون‌های برون‌فکنی دستورالعمل‌ها آزادی را مقید می‌کنند. مثلاً در آزمون رورشاخ گفته می‌شود: «هر چه را می‌بینید، شکل چیزی هست و یا معنایی دارد بدون کنترل بیان کنید...»^۲ در دستورالعمل‌های روانکاوی و آزمون‌های برون‌فکنی و یا هر نوع روان‌درمانی نخست مراجع را به دنیای آزادی‌های مطلق رها می‌کنیم و بلافاصله او را در چهار چوب فضای درمان، وسایل و امکانات ابزاری کار خود در بند می‌کشیم: مراجع از قلمرو تختی که روی آن خوابیده، صندلی که روی آن نشسته و یا وسایل ساختن و تابلوهای لکه‌دار رورشاخ، داستان‌های تکمیل‌کردنی و یا جمله‌های ناقص که به او گفته‌اند و یا داده‌اند نمی‌تواند پا فراتر بگذارد.

آزادی درمانی در آزمون رورشاخ:

هنگامه نخست: تلاش آزادانه از کلیت و ابهام به جزئی و روشن بودن در حالی که روی صندلی پشت سر مراجع نشسته (وضعیت تداعی آزاد در روانکاوی) می‌گوئیم: «اینجا نشسته‌ام تا تمام توجه شما به تابلوهایی باشد که مقابلتان روی میز است.

^۱ این دستورالعمل در روانکاوی قاعده خویش‌داری *Abstinence* گفته می‌شود.

^۲ قانون کم و زیاد نکردن، *Non - Omission* از شرایط اصلی در دستورالعمل برای تداعی آزاد است.

یکی یکی آنها را بر می دارید از آنطرف زیر چراغ نگاه می کنید، هرچه را که در هر تابلو دیدید معنی دارد و یا شکل چیزی است آزادانه بگوئید، تابلو را از هر طرف می توانید نگاه کنید و هر مقدار زمانی که بخواهید نگه دارید وقتی دیدید که چیز تازه ای نمی بینید و یا معنایی ندارد تابلو را می گذارید تابلوی بعدی را بر می دارید ادامه می دهید تا تمام شود)).

شماره تابلو	تذاعی
I	خفاش - دو مرد که در دو طرف مجسمه ایستاده اند، کرکس
II	انتهای ستون فقرات، مگس
III	گرداب، در انتها و نهایت خودش ترسناک است، دو تا اردک به صورت قرینه
IV	انسانی که وارونه شده است، حالت ژولیده دارد، دو تا چکمه
V	پرندۀ ماقبل تاریخ، دو قو یا مرغابی که به هم چسبیده اند
VI	تفنگ، موجود بسیار وحشتناک، دو تا غاز، شکل درهم برهم و ترسناک
VII	زمینی که در پائین گدازه و مذاب است.
VIII	دو تا موش خودشان را آویزان کرده اند، گل برگ گیاهی
IX	دو تاریه، دو تا کلیه، داخل بدن ریخته و متلاشی
X	عنکبوت، رطیل، مورچه بد شکل، وحشتناک

هنگامه دوم: تلاش آزادانه برای گسترده گی و ژرفا بخشی

د - روانشناس پشت سر مراجع نشسته و می گوید: «یکی یکی تابلوها را بردارید بگوئید از این تابلو خوشتان آمد، خوشتان نیامد، یا بی تفاوت هستید، تسابلو را به سرعت بگذارید و تابلوی بعدی را بردارید، هر چه سریع تر ادامه دهید تا تمام شود)).

شماره تابلو	تداوی‌ها
I	دلهره عجیبی به من دست داد، حالت‌های درونیم را به شدت تشدید می‌کند. کلاً همه تابلوها همینطور است. باعث ناراحتی می‌شود، دلهره و ترس بوجود می‌آورد، از یک چیزی می‌ترسم.
II	قسمت‌های قرمز باعث اضطراب می‌شود، قرمز منجر کننده است، باعث عذاب می‌شود، ترس از آینده، ترس از واقعیت
III	تا حدی بهتر است، کمتر باعث آزارم شده است، حالت گرداب را در ذهنم بوجود می‌آورد، حالت دلهره دارم، احساس می‌کنم دارم غرق می‌شوم، دارم همه چیز را از دست می‌دهم.
IV	احساس بدی دارم، ترسناک است، چیزی که بارها در خواب دیده‌ام، تعبیر جن، در بعضی مواقع جن را خواب می‌دیدم، موجودات خیال را می‌دیدم که باعث ترسم می‌شد،
V	نسبت به بقیه خیلی بهتر است، حالت موجودات خیالی ترسناک را در خواب می‌دیدم، خواب‌های بدی به نظرم می‌آید، بیشتر احساس مرگ در خواب را می‌کردم، دارم می‌میرم، از دست دادن خوشی‌هایم
VI	ناخوش آیند است، احساس بدی دارم، شاید بیشتر از قسمت‌های اطرافش، رنگ‌های تیره باعث عذاب می‌شود، همان حالت موجود خیالی است.
VII	احساس بدی دارم، احساس جدائی می‌کنم باعث می‌شود که احساس کنم در واقع دارم جدا می‌شوم زمانی به آن خطر می‌رسم که دارم جدا می‌شود، همه چیز بی ارزش باشد، جدائی یک تعبیرش، تعبیر مرگ است، علاقه دارم با خانواده باشم.

<p>احساس ناخوشایند، احساس می‌کنم در داخل قبر قرار گرفته‌ام، موجودات دیگر دارند مرا متلاشی می‌کنند، بدون آنکه بتوانم جداشان کنم.</p>	<p>VIII</p>
<p>حالت بدی است، دو تا اژدها است، احساس می‌کنم دو تا اژدها و هر چیزی که شبیه آن است و همین باعث اذیتم می‌شود، باعث رنجش خاطر من می‌شود احساس سردرد شدید می‌کنم، دیدن این تصاویر دلهره دارد، دل‌تنگی دارم، احساس آزرده‌گی می‌کنم.</p>	<p>IX</p>
<p>این بدترین شکل‌ها با بدترین حالت‌ها را دارد، هر چه سعی می‌کنم اینها را به هم برسانیم، نمی‌شود، هر کدام از آنها مثل خوره افتاده‌اند در جونم هر کلمه از اینها یک تکه از بدن مرا جدا می‌کنند، خوشی، شادی و لذت مرا از من می‌گیرند، تمام خوبی‌های مرا از من جدا می‌کنند.</p>	<p>X</p>

هنگامه سوم: تلاش آزادانه برای افزایش حساسیت‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی

د - آنچه در تابلوهای دیدید، خاطره‌هایی را بیادتان می‌آورد، آزادانه بگویید.

م - خاطره‌های زندگی کودکی، پدرم، مادرم، چه رنجها که نکشیدم.

د - یکی را که زودتر و بیشتر بیاد می‌آورید، بگویید.

م - درگیری پدر و مادرم ۸ ساله بودم، کتک‌کاری شد ...

د - چیزهایی بود که می‌خواستید بگوئید ولی نگفتید؟

م - مشکلات زندگی را بازگو می‌کرد، در نهایت باعث دعوا می‌شود، در روستا به تنهایی

باعث ترس می‌شد، در اطاق تنها بودم، از خواب می‌پریدم، تمام خاطراتی که بسیار رنج آور

بود در زندگی یادم آمد، یکبار از خواب بیدار شدم، احساس کردم سه نفر روی تنور نشسته‌اند

می‌گویند، می‌خندند، روی خودم را پوشاندم، ولی بعد که نگاه کردم کسی نبود ... از تاریکی

به شدت می‌ترسیدم.

د - اکنون چه تغییر حالتی دارید؟

م - مضطربم، حالت بدی به من دست داده است، حالت ترس خاصی به من دست داده

است، سردرد شده‌ام.

برداشت‌ها:

در هنگامه نخست دستورالعمل با کلمات ((فکر می‌کنید))، ((به شکل))، ((معنی)) است، به همین جهت بیشتر فضای تصویرها، حیوانات، حشرات، خفاش، کرکس، مگس، چکمه، اردک، تفنگ، مرغابی، غاز، موش، عنکبوت، رطیل، انسان وارونه، انسان به هم ریخته، بدن متلاشی، ریه، کلیه، گرازه ... است. در واقع از لکه‌های سیاه کلی و مبهم به تصورات جزئی و روشن رسیده است از نا آگاهی به نیمه آگاهی و آگاهی گام نهاده است، از نبود آزادی به آزادی رسیده است.

در هنگامه دوم: دستورالعمل

در بردارنده کلمات: ((خوش آیند))، ((ناخوش آیند))، ((بی تفاوت)) است مجتمع خوش آیندی‌ها، ناخوش آیندی‌ها و بی تفاوتی‌های مراجع در جریسان آزاد انتخاب فضاهای دلپره، ترس، ناراحتی، اضطراب، زجر، عذاب، گرداب، غرق شدن، از دست دادن، جن، موجودات خیالی، مرگ، خطر، جدائی، قبر، متلاشی، اژدها، رنجش، سردرد، خوره. بار دیگر او را در دنیای امیال و خواست‌های عمیق ناآگاهی می‌بریم و امکان می‌دهیم تا آزادانه از آنها سخن بگوید و گستردگی و ژرفای اوهام و تعارضات درمان را نمایش می‌دهد.

در هنگامه سوم: آزادی برای افزایش حساسیت

آزادی را در آزمون‌های برون‌فکنی می‌توان با چند پرسش بازبینی کرد و حساسیت و ارزش‌های برجسته پژوهشی، تشخیصی و درمانی را بازیابی نمود. این پرسش‌ها را در تجربه های بالینی در قالب‌های چهارگانه زیر پیشنهاد می‌کنیم:

۱ - آیا این داستان‌ها، لکه‌ها و یا پرسش‌ها شما را به یاد صحنه‌ها و خاطراتی می‌اندازد؟
(تداعی آزاد)^۱

۲ - آیا چیزهایی بود که می‌خواستید بگویند ولی نگفتید و یا به چیزهای دیگری جز آزمون فکر می‌کردید؟ (امیال ناخودآگاه)^۲

¹Associationns Libres

²Les desirs Inconsients

۳- در کدام مرحله (کدام تابلو، یا کدام پرسش‌ها، در کدام داستان ...) بیشتر شما را تحت تاثیر قرار داد و هیجان داشتید: ترسیدید، خوشحال، غمگین و یا خشمگین شدید؟ (اوهام و تعارضات ناخودآگاه)^۱

۴- پس از اجرای آزمون و در جریان آن چه احساس‌ها و تغییر حالاتی داشتید؟ (تخلیه هیجان‌ها)^۲

هریک از هنگامه‌های سه‌گانه نمایانگر مجتمع‌های روان فضائی است که مراجع در آن رشد کرده است: هنگامه اول فضاهاى کودکى، با حیوانات، حشرات، در هنگامه دوم فضاهاى هیجانی دلهره‌زا و اضطراب آلود را نشان می‌دهد که در کودکى تجربه شده است و حیوانات و حشرات هنگامه نخست معرف آن است و هنگامه سوم فضاهاى را برونى می‌کند که در جریان آزاد ارتباطات در موقعیت‌ها و وضعیت‌های مختلف بروز می‌دهد.

هرگاه دستورالعمل‌ها را در جریان پژوهش، تشخیص و درمان تغییر دهیم با هر کلمه فضائی تازه‌ای را بوجود می‌آوریم که مراجع سیر آزاد خود را در آن شروع می‌کند. با این آزادی فضاهاى را انتخاب می‌کند که بیشتر در گذشته‌ها دور و نزدیک درونى شده‌اند و یا در آینده‌های دور و نزدیک برونى می‌شوند.

آزادی در پرسشنامه‌ها، پاسخ‌ها و پاسخ‌نامه‌ها

پاسخ‌نامه‌های آزمون‌ها را بگونه‌های مختلف درجه بندی می‌کنند و ارزش‌گذاری می‌نمایند.

(خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف، عالی)، (کم و زیاد، متوسط، خیلی کم، خیلی زیاد)

این درجات را به کمیت (۱، ۲، ۳، ۴، ۵) تبدیل می‌کنند و ارقام بدست آمده را در

قالب‌های از پیش ساخته آماری می‌ریزند و به قضاوت احتمالی می‌پردازند.

بدین ترتیب آزادی را به زنجیر اسارت می‌کشند، سازنده پرسشنامه، پاسخ دهنده، برداشت‌کننده ... را در چهار دیواری‌های سخت و آهنین پاسخنامه شکنجه می‌دهند و امیدوارند تا دست و پا می‌زنند. این گونه آزمون‌ها (پرسشنامه‌ها، پاسخ‌ها، و پاسخ‌نامه‌ها) در امتحانات، کنکورها و ارزشیابی‌های گوناگون، دوره‌های دبستانی، دبیرستانی، دانشگاهی، تخصصی، فوق تخصصی و در بخش‌های حرفه‌ای و اداری بشکل دردناکی دیده می‌شود حتی در گزینش‌های بین‌المللی زبان و علوم موریانه‌وار سلامت و آرامش را در داوطلبان از هم می‌پاشد. آزمون‌های

¹ Les fantasmes Inconscients

² Catharcisme

روانی از این نوع که برای تشخیص بیماری بکار می‌رود و خود به خود پس از آغاز، در جریان و بعد از اجرای آزمون بیماری را تشدید و ترس‌ها و اوهام ناخودآگاهی را در آزمون شونده بر می‌انگیزد و نتایج آزمون را بطور جدی موردتردید قرار می‌دهد.

در آزمون‌های امتحانات و کنکور هر بار شاهد اضطراب‌زدگی‌ها، پرخاشگری‌ها، ناراحتی‌های روان‌تنی: سست شدن، تشنج، ادرار، گریستن، فرار، لرزش‌ها افتادن‌ها، ... هستیم.

هنگامه‌های رنج‌زای امتحانات، علاوه بر امتحان دهندگان، خانواده‌ها، محله‌ها و شهرها و حتی در دوره‌های خاصی یک جامعه را نگران و مشوش می‌سازد.

مثال تلخ و آسیب‌زای آن کنکورها و امتحانات نهائی در سازمان‌های آموزشی، پژوهشی و پرورشی است. برای حفظ آزادی و بالابردن ارزش‌های تشخیصی، پژوهشی و درمانی پاسخنامه‌ها هر گزینه را دو انتخابی کرده‌ایم و در برابر هر انتخاب پرسش منظورت چیست را آورده‌ایم و پاسخ‌ها در گزارشنامه‌هایی که در صفحه ۹۵ - ۹۸ این گزارش داده‌ایم فرانگری کرده‌ایم و ره آورده‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی را درباره مراجع روشن کرده‌ایم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آزادی در درگیری‌های درمانگر و درمانجو

درگیری‌های درمانگر و درمانجو (انتقال و انتقال متقابل) در فضا‌های بالینی از نخستین ارتباط و رویا رونی و یا تماس مستقیم و غیر مستقیم میان درمانگر و درمانجو، آزمونگر و آزمون شونده ... برقرار می‌شود و پویایی هنگامه‌های بالینی را تضمین می‌کند. در تمام این موارد ژرفا، دوام، گستردگی، شدت انتقال متناسب با رعایت اصل ((بی‌تفاوت ولی پذیرا بودن))^۱ درمانگر، روانکاو، و آزمونگر ... است. روابط انتقالی و انتقال‌های متقابل به صورت‌های مختلف و با درجات متفاوت آزادی را از هر دو طرف محدود می‌سازد: پاسخ‌ها، عکس‌العمل‌ها، حرکت‌ها، حالت‌های مراجع، تابع و مقید به انتقال‌های مثبت یا منفی است که هنگامه‌های بالینی را پر و خالی، متحرک یا ساکن، گسترده یا ژرف، می‌سازد.

ابزارها و امکاناتی که در آنها وجود دارد آزادی مراجع و روان‌درمانگر را در بند می‌کشد هر دو ناچارند از دریچه تنگ و یا از صافی ریز امکانات و ابزارها با یکدیگر ارتباط برقرار کنند: تمام آنچه را که می‌خواهند، نمی‌توانند به آزادی بروز دهند و یا بیان کنند.

قیود آزادی در هنگامه‌های روانکاو و روان‌درمانی پر دوام تر از هنگامه‌های آزمونگری است: در آزمونگری زمان انتقال و انتقال متقابل کوتاه است، به سرعت شروع می‌شود و قطع می‌گردد ... در جریان آزمون‌ها، آزمون شونده احساس می‌کند که هر چه زودتر از بند رها می‌شود و وابستگی او به آزمونگر دوامی ندارد اما در روانکاو و یا هر نوع روان‌درمانی دیگر زمان طولانی‌تر و احساس اضطراب، پرخاش و ترس از محدودیت آزادی بیشتر است.

اتفاق می‌افتد که روابط انتقالی چه در روان‌درمانی و چه در آزمونگری با شدت زیاد دوام یابد، ولو اینکه زمان آزمونگری دقیق‌تر باشد. وابستگی ایجاد شده میان آزمونگر و آزمون شونده دست و بال عواطف، احساس‌ها و رفتار و حالات آزمون شونده را می‌بندد و اگر چاره‌ای برای درمان نشود، بخشی از زندگی او را تباه می‌سازد.

در فضا‌های بالینی که آزمونگر و درمانگر یکی هستند. زمان به چند مرحله تقسیم می‌شود و دوره‌های کوتاه کوتاه پیشنهاد می‌گردد. احساس آزادی بیشتری می‌کند، خود را مقید به دنبال کردن یک دوره طولانی درمان (مانند روانکاو) و یا یک دوره کوتاه و فشرده تشخیص (اجرای آزمون رورشاخ) نمی‌یابد، به همین جهت آزمون شونده خود را آزادتر احساس می‌کند.

¹ Neutralite – bien - Veillant

دستورالعمل‌ها در تلاش‌ها و فضاها درگیری‌های درمانگر و درمانجو اثر می‌گذارد دست و بال آزادی را می‌بندد و چهار چوب مشخصی برای آن تعیین می‌کند (استاندارد) مثلاً در «دفتر پژوهش‌های روانکاو» که سالیان بعد از انقلاب برای پژوهش‌ها، تشخیص‌ها و درمان‌های بالینی بوجود آورده‌ایم، در نخستین جلسه به مراجعه گفته می‌شود:

کسی که اینجا مراجعه می‌کند، آزادانه، آگاهانه و محرمانه خودش، وقت می‌گیرد، خودش می‌آید، هزینه می‌پردازد، هر وقت بخواهد می‌تواند نیاید، به تعویق بیندازد، منتهی ۲۴ ساعت قبل خبر دهد، تنها قید همین است ...

بدون استثنا برای کسانی که مراجعه می‌کنند ۵ تا ۶ جلسه وقت درمان می‌گذاریم که بیشترین هدف آن تشخیص و ریشه‌یابی است، برای این کار شرح حال می‌گیریم، آزمون‌های روانی خاصی را اجرا می‌کنیم، آنها را در رابطه با هم تفسیر می‌کنیم و نتایج را گزارش می‌کنیم و تا تشخیص ن داده‌ایم به هیچ پرسشی نمی‌توانیم پاسخ بدهیم. اما وقتی نتیجه را گزارش می‌کنیم هر سوالی باشد در محدوده تشخیص‌ها پاسخ می‌دهیم، برنامه‌ای باشد. می‌گوئیم و وضع را روشن می‌کنیم».

وقتی مراجع می‌پرسد: «چند وقت طول می‌کشد؟ چه وقت خوب می‌شوم ... ؟ پاسخ داده می‌شود: ((... روان‌درمانی کاری طولانی است ولی شرایطی آن را کوتاه می‌سازد، جوانی، هوش، فرهنگ و همکاری ... به همین جهت آن را به دوره‌های کوتاه کوتاه تقسیم می‌کنیم ... برنامه درمان هیچ قیدی ایجاد نمی‌کند هر آن می‌تواند کنسل و یا متوقف شود. فقط ۲۴ ساعت قبل اطلاع بدهیم اگر مراجع اطلاع ندهد و نیاید خودش هزینه درمان را منظور می‌کند».

در مورد پرداخت به مراجع گفته می‌شود: ((... پرداخت ، رابطه درمانی است: کسی که می‌آید آزادانه، آگاهانه، محرمانه و خودش هزینه پرداخت می‌کند، اگر کودک باشد به پدر و مادر می‌گوییم هزینه را بدهید به کودک تا پردازد، یعنی او ارتباط را برقرار می‌کند، در مورد بزرگسال می‌گوئیم هزینه را باید خودتان پردازید، اگر از دیگران می‌گیرید به صورت دین و قرض بگیرید چون کسی که همه کارها را خودش انجام داد، آزادانه، آگاهانه، محرمانه آمد و هزینه پرداخت تعهد بیشتری برای همکاری دارد».

در مجتمع‌های بالینی، نظیر آنچه که مثال زدیم، برای درمان‌ها، تشخیص‌ها و پژوهش‌ها تلاش‌های پیگیر ضروریست تا ((آزادی)) را از قید و بندهایی که در درگیری‌های درمانگر و درمانجو (انتقال و انتقال متقابل) بوجود می‌آید ((رها)) سازد:

آزادی را با افزایش آگاهی همزمان و همراه به پرواز در می‌آوریم، و بال و پرش را با پیام ((محرمانه بودن)) می‌گشاییم، در آمدن و نیامدن آزادش می‌گذاریم، و با ((پرداخت کردن)) تقویت می‌کنیم. در پرداخت کردن بدون کمک دیگران و با اتکاء خود بودن را تذکر می‌دهیم. این همه برای آن است که به یساری آزادی از درگیری‌های درمانگر و درمانجو انتقال و انتقال‌های متقابل سرگش جلوگیری کنیم آزادی و خواست را در اختیار ((آگاهی)) قرار دهیم و معیارهای سلامت، نظم، تعادل و احترام متقابل ... را در هنگامه‌های بالینی پایدار سازد. در چنین هنگامه‌هایی آزادی توان بخش است.

آزادی و آفرینندگی در روان‌درمانی

آفرینندگی:

فضاهای بالینی از رویارویی یک انسان با انسانی دیگر و یا یک انسان با یک چیز خلق می‌شوند. بزرگترین واحد آن را ((مجتمع‌های روان فضای پویا)) و کوچکترین واحد را ((هنگامه بالینی)) می‌نامیم. هر ((هنگامه)) کوچکترین آفریده و هسته اولیه مجتمع‌ها است. یک کلاس درس و یا یک نشست گروه درمانی را در نظر بگیرید. وقتی معلمی وارد کلاس می‌شود و یا درمانگری در جمع درمانجویان گروه درمانی قرار می‌گیرد در ارتباط با هریک از شاگردان و درمانجویان فضاهای کوچک و بزرگی را بوجود می‌آورند و هر یک از شاگردان و یا درمانجویان، فضاهایی را با افراد کلاس و گروه درمانی می‌آفرینند.

در هر جابجایی و در هر وضعیت تازه‌ای که افراد مجتمع کلاس و گروه درمانی با یکدیگر پیدا می‌کنند هنگامه‌ها و مجتمع‌های قلبی درهم شکسته و مجتمع‌ها و هنگامه‌های تازه‌ای ساخته می‌شود.

در واقع درمانگر و درمانجو در نشست گروهی، شاگرد و معلم در کلاس، در هنگامه‌های رویارویی نه تنها مجتمع و یا هنگامه تازه‌ای را می‌آفرینند بلکه یکدیگر را خلق می‌کنند: آفریده می‌شوند و می‌آفرینند، و هریک به مجتمعی روان فضا و پویا تبدیل می‌گردند. و از باهمی و

درهمی آنها است که مجتمع‌های بزرگتر آموزشگاهی و درمانگاهی آفریده، گسترده و ژرف می‌گردد.

تلاش‌هایی که میان معلم و شاگردان کلاس و یا درمانگر و درمانجویان پیدا می‌شود، آفریده‌هایی تازه هستند: هر نگاه، هر حرکت، هر کلمه، هر جابجایی، هنگامه‌ای و مجتمعی است که کل تلاش‌های مجتمع‌های درون و برون کلاس یا درمانگاه را در بردارد، و از باهمی تلاش‌هاست که نقش و مقام معلمی و شاگردی، درمانگری و درمانجویی آفریده می‌شود.

آفریده‌ها و تلاش‌های فضاها درون و برون:

فضاهای بالینی از درون و برون واجد لایه‌هایی است. لایه‌ها در فضاها برونی و درونی حال، نزدیک و دور قابل تصور هستند:

لایه‌های برونی و درونی حال، جلوه‌گاه آگاهی است: تلاش‌های احساسی، ادراکی و حرکتی آزادانه را می‌سازند. لایه‌های برونی و درونی، ((نزدیک))، ((جلوه‌گاه نیمه آگاهی)) است: تلاش‌ها و آفریده‌های تخیلی، ارزشی و هیجانی هم آزاد را در بردارد. لایه‌های برونی و درونی ((دور)) جلوه‌گاه ناآگاهی است: آفریده‌ها و تلاش‌های امیال، تعارض‌ها و اوهام را دارند.

نمای (۱۹) آزادی و آفرینندگی در لایه‌های درون و برون

لایه‌های روان فضایی	آفریده‌ها و تلاشها	جلوه‌گاه	وضعیت آزادی
حال	احساس‌ها - حرکات - ادراک‌ها	آگاهی	بودن و محدود بودن آزادی
نزدیک	تخیلات - ارزش‌ها - عواطف	نیمه آگاهی	نیمه آزادی
دور	هیجان‌ها - تعارض‌ها - امیال - اوهام	ناآگاهی	نبودن و نامحدود بودن آزادی

آنچه در نمای ۱۹ مشاهده می‌کنید طرح فرضی یک مجتمع روان فضایی است. لایه‌های روان فضایی حال، نزدیک و دور مبین فضاها درونی و برونی هستند. به عبارت دیگر از زمان و مکان حال از یک سو می‌توانیم به فضاها درونی و گذشته‌های نزدیک و دور خود توجه داشته باشیم. همه آنچه در این لایه‌ها می‌گذرد، گذشته است و یا احتمال گذشتن دارد یک جا، در محل مجتمع در هر هنگامه روان‌درمانی فراهم شدنی است:

در اینگونه مجتمع‌ها لایه‌های حال، نزدیک و دور یکباره ظاهر می‌شوند و ظهور آنها در بروز با هم تلاش‌ها و آفریده‌های آگاهانه، نیمه آگاهانه و نا آگاهانه است. به عبارت دیگر در آزادی، نیمه آزادی و نبود آزادی است: در هر هنگامه هر نگاه و یا هر کلمه‌ای که میان فضا رد و بدل می‌شود دورترین امیال با نزدیکترین تخیلات در احساس‌ها و حرکات و آواها در هم آمیخته است. آن «نگاه» یا «کلمه» یکباره گسترده و ژرف می‌گردد، در تمام مجتمع طنین می‌اندازد و مجتمع تازه‌ای را می‌آفریند و این مجتمع تازه «نگاه»، «کلمه»... لایه‌های حال، دور و نزدیک را در بر دارد و نمودی از آزادی، نیمه آزادی و نبود آزادی است:

«فریاد گریه» یک کودک در خانه و یا سلام یک تازه وارد در جمع دوستان، خروج یا ورود یک مراجع را در گروه درمانی در نظر بگیرید. هنگامه‌هایی که از «اسلام» از «صدای گریه» و یا از «خروج و ورود تازه وارد» برپا می‌شود، کل مجتمع را دستخوش هیجان‌ها، اوهام و احساس‌هایی می‌سازد که آفریده شده از باهمی و درهمی تلاش‌های آگاهانه، نیمه آگاهانه و ناآگاهانه کسانی است که مجتمع خانواده، جمع دوستان و مجتمع روان فضای گروه درمانی را ساخته‌اند.

اگر معلمی به دفتر مدرسه، شاگردی به میدان ورزشی و درمانگری به نشست درمانگران وارد شود، در آنجا، با هریک از اشیاء و افرادی که روبرو می‌شود فضاها و هنگامه‌هایی بوجود می‌آورد: باز آفریده می‌شوند و با آفرینی می‌کنند، هر یک از ما در رابطه با افراد خانواده‌ای که داریم فضاها و هنگامه‌هایی را می‌سازیم و معنی و جهت تازه‌ای پیدا می‌کنیم، در هنگامه‌های همسری شوهر یا زن هستیم، در هنگامه‌های فرزندان پدر یا مادر می‌شویم در هنگامه‌های پدری و مادری پسر یا دختریم، به همین ترتیب دایی، عمه، خاله و یا عمو... می‌گردیم.

در فضاها، بالینی با اشیاء اطرافمان، با میزها یا صندلی‌ها با اتاق‌ها، با کلاس‌ها ارزشی و وظیفه‌ای دیگر پیدا می‌کنند. مثلاً یک کلاس بر حسب اینکه دانش آموزان چه سال تحصیلی در آن بروند، کلاس اول یا کلاس پنجم می‌شود.

یک اتاق بر حسب اینکه جای پزشک، مدیر یا معلمین در آن باشد، کلاس معلم، مطب دکتر، دفتر مدیر و یا اتاق معلمین می‌شود. فضاها، تلاش‌ها، معنی‌ها و جهت‌های متفاوتی را در بر دارند.

موردهائی از آزادی و آفرینندگی در روان‌درمانی

برای روشنگری واژه‌هائی که بکار می‌بریم نخست موردی را مثال می‌زنیم، آنگاه برداشت‌ها و ره‌آوردها را پیشنهاد می‌کنیم و در برگ‌های پیوست موردهای بیشتری را شاهد می‌آوریم. و جایگاه آزادی در آفرینندگی را در آنها نشان می‌دهیم.

آزادی و آفرینندگی در شرح حال گیری درمانی

مورد (۵)

مرد جوان ۳۵ ساله فرزند اول خانواده ۶ نفری است دو برادر و یک خواهر دارد همه آنها تحصیلات دانشگاهی دارند. او با خواست خود، آزادانه، آگاهانه و محرمانه وقت گرفته است. نخستین تماس تلفنی را با درمانگر داشته است. وقتی به دفتر پژوهش‌های بالینی مراجعه کرد درمانگر از او به تنهایی استقبال نمود:

نخستین نشست، شرح حال گیری است، چند هنگامه از آن را نقل می‌کنیم:

هنگامه نخست: منظور از مراجعه

د - برای آمدن به اینجا راحت بودید، آسان پیدا کردید؟

م - بله، قبلاً آدرس گرفته بودم.

د - قبل از اینکه بفرمائید برای چه آمده‌اید یادآوری می‌کنم که هرچه در اینجا می‌گذرد محرمانه است، جز به خود مراجعه به کس دیگری داده نخواهد شد. این خود اوست که می‌تواند به دیگران بگوید یا نگوید. بنابراین تا جایی که می‌توانیم با جزئیات منظور از مراجعه خود را می‌گوییم.

م - ناراحتی وسواس دارم.

د - منظورتان چیست؟

م - شک و تردید در کارها، نا امید بودن.

د - نا امید بودن، منظورتان چیست؟

م - امیدی به آینده ندارم، همه چیز را پوچ فرض می‌کنم. زود عصبانی می‌شوم.

د - منظورتان چیست که زود عصبانی می‌شوید؟

م - پدرم، مادرم در خانه وقتی حرف می‌زنم توجه نمی‌کنند.

هنگامه دوم: پدر

- د - درباره پدرتان، از کودکی تا به حال هر چه یادتان می‌آید بگویید.
- م - پدرم زیاد اجتماعی نیست، اهل صحبت با مردم نیست مثل من مشکلات روحی دارد.
- د - مشکلات روحی منظورتان چیست؟
- م - پدرم حالت وسواس دارد یک حرف را چند بار تکرار می‌کند، زود هیجان زده می‌شود، دلم می‌خواست با مادرم خوب بودند، جر و بحث نمی‌کردند، یادم می‌آید یک موقع با مادرم صحبت می‌کردیم پدرم آنجا بود یک دفعه میان حرف ما پرید و گفت: «بلندترین بانگ‌ها بانگ خران است» در حالی که ما یواش حرف می‌زدیم.

هنگامه سوم: مادر

- د - درباره مادرتان، از کودکی تا به حال هر چه یادتان می‌آید بگویید.
- م - مادرم، از نظر من نرمال است، طبیعی است اما زود عصبانی می‌شود.
- د - منظورتان چیست زود عصبانی می‌شود؟
- م - به خاطر کوچکترین چیزی از کوره در می‌رود تنها اخلاق بدش همین است، وقتی می‌خواهم یک چیز را مطرح کنم اول می‌گویم: «مادر عصبانی نشوید ...»

هنگامه چهارم: روابط خانواده

- د - درباره روابط در مجتمع خانواده بگویید.
- م - در خانه خیلی کم دور هم جمع می‌شویم مخصوصا پدرم در خانه باشد سعی می‌کنم در خانه‌ای که او هست نرود چون حرف می‌زند و اگر من هم حرفی بزنم جواب نمی‌دهد. بیشتر وقت‌ها توی خودش است. اگر حرف بزند آنقدر با هیجان حرف می‌زند و از این شاخ به آن شاخ می‌پرد که من دچار هیجان عجیبی می‌شوم سعی می‌کنم یا چیزی بگویم که او حرفش را قطع کند و یا از حرفهایش ایراد می‌گیرم یا بلند می‌شوم می‌روم، در اینجور مواقع اصلا اعصابم دست خودم نیست ... وقتی مشکلی پیش می‌آید اصلا احساس همدردی نمی‌کنم.
- وقتی من و پدرم تنها هستیم و درباره موضوعی بحث می‌کنیم مادرم فوراً می‌آید بین حرف ما و موضوع را عوض می‌کند انگار می‌داند که مساله به جر و بحث کشیده می‌شود. در خانه احساس نفرت دارم از اینکه نمی‌توانم حرفم را بیان کنم و احساسی که دارم نگویم.

برادرم وقتی عصبانی می‌شود کنترلش را از دست می‌دهد، فحش می‌دهد، کنترلش را از دست می‌دهد وقتی مادرم برادر کوچکم را می‌زند من واسطه می‌شوم برادر کوچکم از شدت عصبانیت کتابش را پاره می‌کند!

یادآوری: تلاش‌های یاد شده در هنگامه‌های چهارگانه را در گزارشنامه شماره ۱ فراهم می‌آوریم.

تلاش‌های آزادی و آفرینندگی در شرح حال گیری

در جریان شرح حال گیری (مورد ۵) تلاش‌ها به گونه‌ای بود که کل شرح حال را شرح حالی پژوهشی، تشخیصی و درمانی می‌ساخت. مهمترین آنها که آفرینش آزاد پرسش‌ها را به عهده داشتند عبارتند از:

۱ - پرسش‌های درمانگر کلی و مبهم طرح شده است تا به مورد امکان دهد آزادانه پاسخ‌های جزئی و روش را تداعی کند.

۲ - به او گفته می‌شود: (در برابر هر پرسش آزادانه نخستین تصورات و کلماتی را که به ذهن می‌آورد بیان کند، آزادانه تداعی کند (تداعی آزاد).

۳ - پرسش‌هایی که از کودکی تا بزرگسالی را در بر می‌گیرد (تکوینی است) به او گفته می‌شود: ((هر چه را از کودکی، در انباره، به یاد می‌آورد آزادانه بگوید)).

۴ - هر سخن یا کلمه‌ای که مبهم، کلی و یا پر هیجان ... باشد به او گفته می‌شود: ((منظورتان چیست؟)) بدین وسیله به مراجع امکان داده می‌شود تا از آگاهی‌های شهودی و کلی به آگاهی ارزشی و ادراکی حرکت کند و این کار را هر چند بار که لازم باشد تا وقتی که در سخن او کلمات کلی و مبهم و هیجان آلود یافت می‌شود تکرار کنیم و می‌خواهیم تا منظورش را از آن کلمات بازگو کند تا جایی که بتواند برای هر کلمه کلی، مبهم، هیجان آلود، موارد عینی محسوس و بدون هیجان بیابد. چنین تلاشی از آزادی با آزادی، در آزادی و تا آزادی است، تلاشی پژوهشی، تشخیصی و درمان کننده است.

تاریخ
 هنگامه‌ها: رویارویی با پدر و مادر
 نام و نام خانوادگی سن تحصیلات شغل گزارشگر
 مجتمع: خانواده گزارشنامه شماره ۱

حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.
برون فکتنی	برون نمایی	درون فکتنی	درون نمایی
پوچ گرای بی توجهی به حرف دیگران اجتماعی نبودن هیجان زده شدن زود عصبانی شدن از کوره در رفتن اهل صحبت نبودن وسواس داشتن	تکرار کردن حرف جر و بحث کردن در حرف دیگران پریدن دوری کردن از دیگری نفرت داشتن از دیگری واسطه شدن ایراد گرفتن	وسواس ناامیدی زود عصبانی شدن شک و تردید کردن	نمی‌توانم حرفم را بزنم میان حرف دیگران بلند شدن نمی‌تواند احساسش را بگوید
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند (برون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند (برون نموده می‌شوند)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند (درون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که او نشان می‌دهند (درون نموده می‌شود)

گزارشنامه: آفرینشی آزادانه در رواندرمانی

علاوه بر گزارشنامه شماره ۱، ۱۱ گزارشنامه از ۴ مورد دیگر آورده‌ایم. مجموعه تلاش‌هایی که برای آفرینش هریک از آنها کردیم و یکسان و همزمان تلاش‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی است. نخست نمائی از گزارشنامه، واژه‌ها و تلاش‌هایی که برای آفریدن آن

بکار می‌رود می‌آوریم. آنگاه به تلاش‌هایی که پژوهش، تشخیص و درمان را یکسان و همزمان می‌آفرینند، اشاره می‌کنیم.

مجموع: خانواده

گزارشنامه شماره ۲

هنگامه‌ها:

تاریخ

نام و نام خانوادگی	سن	تحصیلات	شغل	گزارشگر
حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.	
برون‌فکنی	برون‌تمایی	درون‌فکنی	درون‌نمایی	
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند	
(برون فکنده می‌شود)	(برون نموده می‌شوند)	(درون فکنده می‌شود)	(درون نموده می‌شود)	

۴

۳

۲

۱

وضعیت چهارم

وضعیت سوم

وضعیت دوم

وضعیت نخست

در خلق گزارشنامه موقعیت‌های هر فرد را در هنگامه‌های مختلفی که با افراد مجتمع دارد در چهار وضعیت در نظر گرفته‌ایم.

۱- وضعیت نخست و دوم:

حالات و رفتارهایی را که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت و یا در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند. در این حال او به منزله تماشاگر نمایش است. آنچه در صحنه نمایش می‌گذرد در او

درون ریزی می‌شود و هر چه حالات و رفتارهای نمایشی دیگران در رابطه با او و از او باشد اثرات آنها عمیق‌تر و لایه‌های بیشتری از مجتمع‌های درونی و برونی را در بر می‌گیرد.

الف - آفریده‌های برون‌فکانه، حالات و رفتارهایی است که فرد به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد، مثلا این آدم دروغگوست، حسود است، لجاجت است ...)) (اینها نمونه حالات و رفتارهایی هستند که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند).

ب - آفریده‌های برون‌نمایی، حالات و رفتارهایی است که فرد در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهند: ((کتک می‌زند، بلند می‌شود و احترام می‌گذارد، ناسزا می‌گوید ...)) (اینها نمونه حالات و رفتارهایی هستند که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند).

۲ - وضعیت سوم و چهارم:

حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند: ((تو آدم لجاجت، تنبل، بی ادب، عصبانی هستی ...)) و یا در رابطه با او نشان می‌دهند: ((کتکت می‌زنیم، از خانه بیرون می‌کنیم، غذا به تو نمی‌دهیم ...)). در این حال فرد وضعیت تاثیر پذیری و تحت نفوذ و سلطه بودن را دارد. هر چه تاثیرات شدیدتر و بار هیجانی بیشتری داشته باشد اثرات آنها عمیق‌تر و لایه‌های بیشتری از مجتمع‌های درون و برون را در بر می‌گیرد. آنچه درون ریزی می‌شود با دو دسته از آفریده‌ها بروز می‌کند.

الف - آفریده‌های درون فکانه: حالات و رفتارهایی است که به خود نسبت می‌دهد: مثلا ((می‌ترسم، گیجم، هوشم خوب کار نمی‌کند، نمی‌توانم کار کنم و یا درس بخوانم ...)) (اینها نمونه حالات و رفتارهایی است که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند).

ب - آفریده‌های درون‌نمایی: حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد، مثلا ((گریه می‌کند، می‌خندد، دست‌ها را به هم می‌فشد، آه می‌کشد، خود را می‌زند ...)) (اینها نمونه حالات و رفتارهایی است که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند).

مجتمع‌های برونی و درونی:

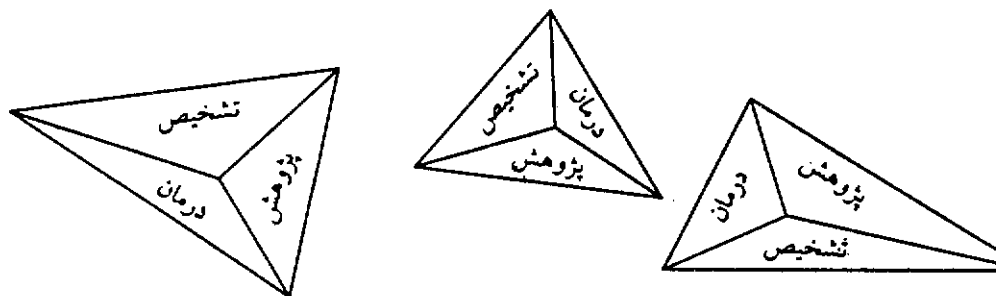
هر گزارشنامه مجتمع روان فضایی و معرف‌هنگامه‌های درونی و برونی است که در آن قید می‌شود مجتمع‌ها درونی آفریده‌های فضاها دور و نزدیک (لایه‌های نیمه آگاهی و نا آگاهی) مراجع و درمانگر است و مجتمع‌های بیرونی آفریده‌هایی است که لایه‌های حال و نزدیک و دور را از جایگاهی که در آن قرار دارند در بر می‌گیرند. مثلا اگر فضای بالینی رویارویی

شاگرد و معلم در کلاس درس است. فضای کلاس و لایه روان فضایی حال (آگاهی)، فضای مدرسه و کوچه آن لایه روان فضایی نزدیک (نیمه آگاهی) و فضای خیابان و نقاط دیگر محله، لایه روان فضایی دور (ناآگاهی) را شامل می‌شود. این لایه‌ها هیچگاه جدا نیستند همیشه درهم، باهم و برهم می‌شوند و هنگامه‌های مختلف را می‌آفرینند. در هر هنگامه، در هر کلمه، در هر نگاه و در هر حرکت، در هر صدا ... با هم قابل مشاهده، دریافت و برداشتند. تنها وضعیت ما است که یک سطح یا لایه را برجستگی بیشتر می‌دهد و یا در آزادی، نیمه آزادی و نبود آزادی تلاش می‌کنیم.

آزادی و آفرینندگی در یکسانی و همزمانی

آفریده‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی یکسانی و همزمانی دارند: منشور سه بعدی را می‌مانند که از زاویه‌ها و سطح‌های مختلف دیده می‌شود: برای خلق هر یک از هنگامه‌ها و گزارشنامه‌هایی که یاد کردیم نخست ((مراجع)) را می‌آفرینند. آفرینش مراجع بیرون از آفریدن هنگامه‌ها و گزارشنامه‌هایی که داریم نیست: هر گزارشنامه آفریده هنگامه‌هایی است که در رابطه با مراجع نوشته می‌شود و بوجود می‌آید و محتوی گزارشنامه‌ها بیانگر هنگامه‌ها و مجتمع‌های درونی و بیرونی مراجع در زمان‌های دور و نزدیک و حال است. رفتارهای حالت‌ها ((مراجع)) با گزارشنامه آفریده می‌شود: اگر از ابعاد سه گانه منشور را نگاه کنیم در سه وضعیت سه جلوه از این آفریده‌ها را می‌بینیم. بدین ترتیب ۹ وضعیت آفریده می‌شود که در هیچکدام نمی‌توانیم آفریده‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی را از یکدیگر جدا ببینیم.

نمای (۲۰) وضعیت‌های آزادی و آفرینندگی



هریک از این منشورها را می‌توان از بی‌نهایت زاویه دید: اگر آنها را لحظه به لحظه بچرخانیم و یا ما وضعیت قرار گرفتن خودمان را با هر زاویه و سطح منشور لحظه به لحظه تغییر دهیم جلوه‌های تازه‌تری از با همی و یکسانی درمان، تشخیص و پژوهش نمایان می‌شود. توجه داریم که منشورها در هر جایگاهی که قرار گیرند و در هر وضعیتی که باشند مجموعه اشیاء و افرادی را که در اطراف قرار دارند از سطح و زاویه‌ای که نسبت به آنها تشکیل می‌دهند. تصویرهای آنها در همان وضعیتی که هستند در خود می‌برند و با تصاویری که از زوایا و سطوح دیگر می‌رسد درهم می‌آمیزند، آمیخته‌های تازه‌ای که از باهمی آنها خلق می‌شود مجتمع‌های روان فضایی تازه‌ای را می‌سازند، هر ناظر از زاویه وضعیت‌هایی که با آنها دارد، هنگامه‌ها و مجتمع‌های روان فضایی ویژه‌ای را بوجود می‌آورد و در آنها به تلاش می‌پردازد. این ویژگی نمودی از پویایی یا توانایی آزادی در آفرینش فضاهاى بالینی است:

فضاهای پویا و آفریننده بالینی تک بعدی، دو بعدی، سه بعدی یا چهار بعدی نیستند، آشیانه‌ها و جایگاه‌های بالینی که ما در آنها بکار می‌پردازیم آشیانه و جایگاهی پویا و با ابعاد بی‌نهایت است. (منشور با ابعاد و سطوح بی‌نهایت) ابعادی که هر آن خلق می‌شوند، درهم می‌شکنند و زاویه و بعد تازه‌ای پیدا می‌کنند و هنگامه‌های روان فضایی را آفرینند، و توانی از آزادی را به نمایش می‌گذارند: در این فضاها، در حال آفریدن، آفریده شده، در هم ریختن، درهم شکستن، با هم شدن، بی هم شدن هستیم و این همان آزادی در آفرینندگی است. هر رویا رویی مجتمع روان فضایی پویا یک اکوسیستم^۱ است.

اکوسیستم‌ها ویژگی‌های خود را دارند از آن جمله است: بی ثباتی، انقباض، انبساط، سلامت و بیماری، نرمش، شکل پذیری، انفجار و جهش، گستره و ژرفایی ...

جایگاه آزادی در خاستگاه‌های آفرینندگی

هر هنگامه واحد کوچکی از فضاهاى بالینی است که از رویارویی دو انسان با یک چیز خلق می‌شود. گزارشنامه بیانگر واحدهایی هستند که جزء به جزء و هنگامه به هنگامه مجتمع‌های درونی و برونی را نشان می‌دهند. با نگارش هر گزارشنامه در واقع آن را خلق می‌کنیم، همراه با خلق هنگامه‌ها و گزارشنامه‌ها ((تلاش)) هایی صورت می‌گیرد که همزمان خالق و مخلوق هنگامه‌ها و گزارشنامه‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی هستند.

تلاش: جوشش^۱ و جهش^۲

هر تلاش از باهمی و درهمی تعارضات، اوهام ... سر چشمه می‌گیرد و از فراز و نشیب تخیلات، ارزش‌ها می‌گذرد یا بارهای هیجانی که پیدا می‌کند در قالب حالت‌ها، رفتارها، گفتارها و حرکت‌ها نمایان می‌شود.

در فضا‌های بالینی تلاش‌ها به صورت تلاش یا جریان ظاهر نمی‌شوند بلکه ظهور آنها حالت انفجاری، جهشی، گسترشی، ژرفایابی ... دارد. به عبارت دیگر هر تلاش یک ((جوشش)) است و با هر جوشش یک یا چند هنگامه بر پا می‌شود و در هر هنگامه تمام مجتمع درونی و برونی درمانگر و درمانجو شرکت دارد. مثلاً نخستین تلاش در هنگامه رویارویی را در مورد (۱) بازنویسی می‌کنیم:

د - برای چه آمده‌اید؟

م - ناراحتی وسواس دارم.

د - منظورتان چیست؟

م - شک و تردید در کارها، نا امید بودن.

د - نا امید بودن، منظورتان چیست؟

م - امیدوی به آینده ندارم، همه چیز را پوچ فرض می‌کنم.

د - زود عصبانی می‌شوید.

م - پدرم، مادرم، در خانه وقتی حرف می‌زنم توجه نمی‌کنند ...

هریک از این گفته‌ها میان درمانگر (د) و مراجع (م) یک تلاش است و تمام آنها هنگامه‌ای را در نخستین نشست در مجتمع شرح حال گیری نشان می‌دهد. وقتی به تلاش‌ها توجه می‌کنیم، جوشش‌ها و جهش‌هایی را می‌یابیم و وقتی آنها را به سوال می‌گذاریم از درون آنها جوشش‌ها و جهش‌های دیگری می‌زند: وسواس، نا امید بودن، پوچ فرض کردن، زود عصبانی شدن، بی توجهی پدر و مادر ... نمود این جوشش‌ها و جهش‌ها است.

((تلاش)) و ((جوشش)) با تعریفی که از آنها داریم موتورهای راه اندازی، تحرک و خلق هنگامه‌ها هستند. به عبارتی دیگر هر یک از آنها واحد کوچکتری از هنگامه‌هایی هستند که مجتمع را می‌سازند.

¹ Bouillonnement

² Elan

هر جوشش یا جهش جلوه‌ای از «تلاش» و هر تلاش نمودی از هنگامه و هر هنگامه واحدی از مجتمع است. برای آنکه اینها خلق شوند و یکدیگر را خلق کنند و در آفریده شدن و آفریدن جهت و معنی پیدا کنند، «جوش آورها» و «جهش دهنده» هایی لازم است تا سوخت و ساز موتورها را تامین کنند و هنگامه‌های آفریده شده را «خود جوش سازد» از آن جمله‌اند: خواستن، آزاد بودن، آگاه بودن و محرمانه بودن. این جوش آورها هستند که یکسانی تلاش‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی را تضمین می‌کنند.

خواستن:

«مراجع» خود یک مجتمع روان فضای پویا است: درخواست کمک می‌کند، مراجعه کند، با هر خواستن یک «فرد عادی» به «مراجع» تبدیل می‌شود. خواست یک «تلاش» است، تلاشی که از باهمی میل‌ها، هیجان‌ها، هدف‌ها ... آفریده می‌شود. هر خواست با راه‌کارهای آفریده شده است و در امکانات زمانی و مکانی تحقق می‌یابد، ارتباط تلفنی، ملاقات حضوری، درخواست کتبی. هریک راه کار ویژه‌ای است که از طرف مراجع پیش گرفته می‌شود. برای آنکه «خواستن» ارزش پژوهشی، تشخیصی و درمانی داشته باشد با «جوش آورهای» آزادی، آگاهی و محرمانه بودن همراهی، همزمانی و یکسانی پیدا می‌کند.

آزاد بودن:

آزادی، تحقق خواست‌ها و هدف‌ها در کنش‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی است. به عبارت دیگر آزادی با بر آورده شدن خواست‌ها، هدف‌ها در جریان پژوهش، تشخیص و درمان تحقق می‌یابد و تجلی می‌کند: جوشش‌های آزادانه، خواست‌ها و هدف‌ها را می‌آفریند و به آنها ژرفا، بلندا، گستردگی، انبساط و انقباض می‌دهد ... در هر جوش خود خواسته و هدفمند آزادی تجلی می‌کند، آفریده می‌شود و می‌آفریند.

آگاه بودن:

آگاهی تحقق آزادی است. آگاهی به خواست‌ها معنی می‌بخشد و آنها را از یک هنگامه به هنگامه دیگر هدایت می‌کند. آگاه شدن کنش‌های آموزشی، پژوهشی و درمانی را جهت دار می‌سازد و مخلوقات تازه‌ای را می‌آفریند. آگاهی جلای آزادی و خواست است هر دو را همزمان از تاریکی و ابهام تعارضات و اوهام (ناآگاهی) در می‌آورد و به فضای نیمه تاریک (نیمه آگاهی) ارزش‌ها و تخیلات می‌کشاند و از آنجا به روشنی دریافت‌های حسی و حرکتی

می‌رساند. آگاهی با در هم آمیزه‌ای کلی و مبهم در گذشته‌های دور می‌جوشد و با جوشش‌های پیاپی و به صورتی جزئی و روشن به فضاهای نزدیک و حال گسترده و سیال می‌شود با هر ((جوشش و جهش)) آگاهی آفریده می‌شد و می‌آفریند و آزادی پر توان‌تر به نمایش می‌گذارد.

محرمانه بودن:

محرمانه بودن، شرط تامین آزادی، گسترش آگاهی و جوشش خواست‌ها است: در فضاهای محرمانه خواست‌ها پر جوش‌تر، آزادتر و آگاهانه‌تر آفریده می‌شود. آفرینش‌ها فضاهای امن می‌خواهند هر نامحرمی عامل مزاحم، کند کننده، محدود سازنده آزادی، آگاهی و خواست است. فضای تیره‌ای که وجود دیگری (نامحرم) در فضاهای بالینی می‌سازد، جوشش‌ها و جهش‌های آفرینندگی را از تلاش باز می‌دارد. مراجع در انجماد و تیرگی فرو می‌رود از تلاش‌های آزادانه و آگاهانه باز می‌ماند.

پویا بودن:

پویایی در فضاهای بالینی همان آفرینندگی است در منشور چند بعدی پژوهش‌ها، تشخیص‌ها و درمان‌ها. تغییر وضعیت‌های منشور و یکسان، درهم و با هم دیدن آنها در ابعاد مختلف نمودی از پویایی و جلوه‌ای از آفرینندگی است. آنچه درباره تلاش‌ها، جوشش‌ها و جهش‌ها گفتم جلوه‌هایی از پویایی فضاهای بالینی است.

جوش آورها و جهش دهنده‌هایی چون خواستن، آزاد بودن، آگاه بودن جلوه‌ها و نموده‌های دیگری از پویایی هستند.

محرمانه بودن همزمانی و یکسانی تحقق آنها را تضمین می‌کند.

باهمی آزادی و آفرینندگی در رواندرمانی

برای روشن‌گری بیشتر در یکسانی و همزمانی تلاش‌های آزادی و آفریننده تشخیصی، پژوهشی و درمانی موردهای دیگری را نمونه می‌آوریم:

آزمون‌ها در نظریه مجتمع‌ها ابزار تشخیصی، پژوهش و درمان هستند. برای یکسانی و همزمانی این تلاش‌ها، در اجرای آزمون‌ها، تلاش‌ها همان است که پیش از این در هنگامه‌های شرح حال گیری (مورد ۱) آوردیم. آزمون‌ها هر چه کلی و مبهم‌تر باشند تلاش‌ها پژوهشی،

تشخیصی و درمانی در نیمه آگاهی و نا آگاهی (لایه‌های دور و نزدیک) صورت می‌گیرد و هر چه جزئی و عینی‌تر باشند تلاش‌ها در نیمه آگاهی و آگاهی (لایه‌های نزدیک و حال) است.

مورد (۶): آزادی و آفرینندگی در آزمون رورشاخ

آزمون رورشاخ هنگامه‌های کلی و مبهمی (تابلوها) دارد: تلاش‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی در لایه‌ها و فضاها دور و نزدیک (نا آگاهی و نیمه آگاهی) اتفاق می‌افتد.

از درجه نا آگاهی نبود آزادی است و از چشم انداز آزادی راه کارهای رسیدن به آگاهی نامحدود است. آزادی در وضعیت نبود و نا محدود بودن به بودن و محدود شدن در نوسان است.

اجرا:

در فضایی که برای اجرا خلق می‌شود، آزمون شونده جلو می‌زی قرار می‌گیرد که تابلوهای رور شاخ در ردیف خود به پشت گذاشته شده‌اند و چراغ رومی‌زی قرارگاه آزمون‌ها را روشن می‌سازد، آزمون کننده در صندلی پشت سر و کنار آزمودنی نشسته است. دستورالعمل اجرا را می‌گیرد.

((اینجا نشستام، تا تمام توجه شما به تابلوهایی باشد که مقابلتان است. وقتی گفتم یکی یکی آنها را بردارید از آنطرف در روشنایی نگاه می‌کنید. هر چه را که معنایی دارد، و یا شکل چیزی است بدون کنترل بگویید و هر احساس و حالتی که خودتان پیدا می‌کنید و یا در اشکال و اشخاص است بیان می‌کنید. تابلوها را از هر طرف می‌توانید نگاه کنید و هر مقدار زمان هم بخواهید نگه دارید. وقتی دیدید چیزی نمی‌بینید یا معنایی ندارد تابلو را می‌گذارید تابلو بعد را بر می‌دارید، ادامه می‌دهید تا تمام شود. حال می‌توانید شروع کنید)).

در جریان اجرا، پاسخ‌ها و کلماتی را که با ره هیجانی دارند و یسا با تاکید و شدت بیان می‌شوند به سوال می‌گذاریم: منظورتان چیست؟ شما چه احساس و یا حالتی دارید؟ آنکه یا آنچه نام بردید چه احساس یا حالتی دارد؟ منظورش چیست؟

شماره‌های I و II لاتین شماره تابلوهای آزمون است. (م) حرف اختصاری مراجع و حرف (د) درمانگر است.

مورد: مرد جوان ۲۵ ساله‌ایست که از پرخاشگری‌ها و درگیرهایش با خانواده در رنج است.

هنگامه‌های تابلوهای رورشاخ

<p>(مراجع با شدت تابلو را دست می‌چرخاند)، حیوان وحشی، گرگ، صورتش منظورتان از ((وحشی)) چیست؟</p> <p>ترسناک است. مثل نقابی است که به صورت می‌زنند، قشنگ نیست.</p>	<p>م : د : م :</p>	I
<p>یک زن که چهار زانو روی زمین ایستاده (نشسته).</p> <p>منظورتان چیست؟</p> <p>در حال جیغ زدن است، یک زن است، پاهایش ناخوش‌آیند است.</p> <p>شما چه حالی پیدا می‌کنید؟</p> <p>من عصبانی می‌شوم.</p> <p>عصبانی می‌شوید؟</p> <p>مثل حالی که این زن دارد، در من هم پیدا می‌شود در حدی که او ناراحت است من هم ناراحت می‌شوم.</p> <p>ناراحت می‌شوید؟</p> <p>داد و فریاد کردن و دندانها را به هم فشار دادن (چنین حالی دارم).</p>	<p>م : د : م : د : م : د : م : د : م : د :</p>	II
<p>پروانه‌ای که در یک تنگ زندانی است.</p> <p>چه حالتی دارد؟</p> <p>حالت غمگین، زندانی شده است، یک پروانه زندانی شده است، مجبور است بسازد.</p>	<p>م : د : م :</p>	III
<p>نمی‌دانم، چیزی شبیه آن وجود ندارد.</p> <p>چه احساسی دارید؟</p> <p>صحنه ترسناک در فیلم‌ها.</p> <p>صحنه ترسناک؟</p> <p>مثل صخره می‌ماند، حالت ترس ظاهرش طوری است که ترس ایجاد می‌کند.</p>	<p>د : م : د : م : م :</p>	IV
<p>خفاش، دو تا خفاش است، مثل حیوان‌ها و آدم‌های فرصت طلب.</p> <p>فرصت طلب؟</p> <p>به یکی حمله می‌کند و زود می‌رود.</p> <p>چه احساسی دارید؟</p> <p>خوشم نمی‌آید.</p>	<p>م : د : م : د : م :</p>	V
<p>مثل روباه جایی که کشته شده باشد، حالت انزجاری، خوشم نمی‌آید.</p> <p>حالت انزجاری؟</p> <p>مثل یک حیوان وحشی می‌ماند گرگ یا روباه، بی رحم است.</p> <p>بی رحم است؟</p> <p>به کسی رحم نمی‌کند، مثل گرگ حمله می‌کند چندان گوسفند از بین می‌رود بدون خوردن.</p>	<p>م : د : م : د : م :</p>	VI

<p>دو تا خرگوش که دو طرف هم ایستاده‌اند، مثل اینکه می‌خواهند از هم جدا شوند، راضی نیستند، دلشان می‌خواهد، پیش هم باشند، جدا شدن چیز خوبی نیست، دو تا قلسو از هم جدا می‌شوند</p> <p>جدا می‌شوند چه احساسی دارند؟</p> <p>خیلی ناراحتند، دلشان نمی‌خواهد جدا شوند.</p> <p>شما چه احساسی دارید؟</p> <p>ناراحت کننده است، موقع جدایی چیز خوبی نیست.</p>	<p>م :</p> <p>د :</p> <p>م :</p> <p>د :</p> <p>م :</p>	<p>VII</p>
<p>دو تا حیوان وحشی‌اند از دو راه مختلف می‌روند به هم برسند و دعوا کنند.</p> <p>دعوا کنند؟</p> <p>درگیر می‌شوند، سعی می‌کنم این منظره را نبینم، دو تا حیوان وحشی که از دو راه مختلف می‌روند، وقتی به هم برسند دعوا می‌کنند، درگیر می‌شوند.</p> <p>چه خلق و خوئی دارند؟</p> <p>یکی از آنها سعی می‌کند یکی دیگر را از بین ببرد، بکشد.</p>	<p>م :</p> <p>د :</p> <p>م :</p> <p>د :</p> <p>م :</p>	<p>VIII</p>
<p>مثل یک درخت چیز خوبی نیست، خوشم نمی‌آید. مبهم است.</p> <p>مبهم است؟</p> <p>چیزی شبیه این وجود ندارد، دو تا حیوانند که روی چیزی نشسته‌اند.</p> <p>چه حالتی دارند؟</p> <p>آرام به نظر می‌رسند.</p> <p>آرام هستند؟</p> <p>ظاهرشان طبیعی است، قیافه‌شان عصبانیت نشان نمی‌دهد. حیوان دیگری آن دو را از هم جدا کرده است.</p> <p>چه احساس یا هیجانی دارید؟</p> <p>فکر می‌کنم اگر آن قوی‌تر باشد، از هم جدا باشند بهتر است، ظاهر خوبی ندارند، خوشم نمی‌آید.</p>	<p>م :</p> <p>د :</p> <p>م :</p> <p>د :</p> <p>م :</p> <p>د :</p> <p>م :</p> <p>د :</p> <p>م :</p>	<p>IX</p>
<p>دو تا حیوانند که تیز زده‌اند کشته شده‌اند، دارند فرار می‌کنند، ناراحتی دارند.</p> <p>ناراحتی دارند؟</p> <p>هم نوعشان، ناراحت می‌شود، آدم حالت دلسوزی دارد.</p> <p>حالت دلسوزی؟</p> <p>اینطور کشته شده‌اند آدم دلش می‌سوزد، دو تا حیوانند که تیر خورده‌اند، از شدت ناراحتی پایشان را بالا برده‌اند، دو تا بچه‌اند.</p>	<p>م :</p> <p>د :</p> <p>م :</p> <p>د :</p> <p>م :</p>	<p>X</p>

مجتمع: خانواده

گزارشنامه شماره ۳

هنگامه‌ها:

تاریخ

نام و نام خانوادگی: م. و سن: ۳۵ تحصیلات: دانشگاهی شغل: آزاد گزارشگر

حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.
برون‌فکتنی	برون‌نمایی	درون‌فکتنی	درون‌نمایی
حیوان وحشی، ترسناک بودن، قشنگ نبودن، غمگین، مجبور بودن، کشته شدن، بی رحم بودن، دلبستگی داشتن، ناراحت از جدایی، زندانی شدن، فرصت طلب	جیغ زدن داد و فریاد کردن حمله کردن دعوا کردن درگیر شدن سعی در از بین بردن دیگری فرار کردن	عصبانی شدن ترسیدن حالت انزجار ناخشنود بودن زندانی شده	دندانها را به هم فشردن ظاهر و قیافه طبیعی نشان دادن دلسوزی داشتن
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند (برون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند (برون نموده می‌شوند)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند (درون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند (درون نموده می‌شود)

یادآوری

کاربرد اصول یاد شده در مورد او ۲، چه در هنگامه‌های شرح حال‌گیری و چه در هنگامه‌های آزمون رورشاخ آفریده‌های پژوهشی، درمانی و تشخیصی یکسان و همزمان را در بر دارد. با این تفاوت که راه کارهای درمان تشخیص و پژوهش با آزمون رورشاخ به علت آنکه در لایه‌های نیمه آگاهی و ناآگاهی انجام می‌گیرد داده‌ها و آفریده‌های عمیق و پایدارتری از مجتمع روان فضایی مراجع را به دست می‌دهند.

آزادی در هنگامه‌های خانواده درمانی

هنگامه‌های خانواده درمانی از رویارویی افراد خانواده در نشست با درمانگر خلق می‌شود. این نشست‌ها فضاهای بالینی هستند که آزادانه، آگاهانه و محرمانه خلق شده‌اند. در این فضاها درمانگر و افراد خانوادگی دایره را روی صندلی یا مبل و یا زمین می‌نشینند: به آنها گفته می‌شود: کسی که اینجا می‌آید آزادانه، آگاهانه آمده‌است و هر چه در اینجا می‌گذرد و بطور انفرادی برای هر فرد و برای خانواده محرمانه است بنابراین تا جایی که می‌توانیم با صراحت و جزئیات علت مراجعه خودمان را می‌گوییم. هرکس از احساس‌ها و افکار خودش، درباره خودش و در وضعیت‌هایی که با دیگران دارد سخن می‌گوید و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: برای چه آمده‌ام؟ از بودن، شنیدن، و دیدن افراد در اینجا چه احساس فکری درباره آنها دارم؟ آنها چه احساس‌ها و حالتی دارند؟ برای چه آمده‌اند؟ منظورشان چیست؟ منظور من چیست؟ ...

آزادی و آفرینندگی در خانواده درمانی

خانم ۲۶ ساله دارای تحصیلات عالی چهارمین فرزند از خانواده هشت نفری است. علت مراجعه: اضطراب دارم، فکر می‌کنم غیر عادی هستم، از مادرم نفرت دارم، یکبار شیخ دیدم جیغ کشیدم، در خانه با کسی کنار نمی‌آیم، با همه سر ناسازگاری دارم، به مادرم توهین می‌کنم، یادم می‌آید که از پیشرفت من جلوگیری می‌کند، خیلی به من می‌پیچد، گه گاه شخصیت مرا زیر سوال می‌برد.

هنگامه‌های خانوادگی: (دختر با مادر و درمانگر حضور دارند)

مادر ← دختر: دخترم می‌ترسد، وحشتناک می‌شود، خیالاتی می‌شود رنگش می‌پرد زیاد ضعیف می‌شود، تند می‌رود عصبانی می‌شود.

درمانگر ← مادر: گفتید دخترم می‌ترسد، منظورتان چیست؟

ماتش مادر: از ترس او ما می‌ترسیم، از خودش می‌ترسیم، خواهری دارد خیلی می‌ترسد همیشه می‌زنه، ناراحت می‌رود، چه برخوردی بدی دارد، ما از دست او می‌ترسیم.

درمانگر ← مادر: شما چه حالی پیدا می‌کنید؟

مادر: چه کار کنم، دست و پایم می‌لرزد، اعصاب خودم خیلی خراب است، روحیه‌ام را از دست می‌دهم، ناراحت می‌شوم.

درمانگر ← مادر: درباره پدرش بگویید؟

مادر: پدر: خیلی عصبانی است، خیلی جوشی است، همه ما را ناراحت می‌دارد، بهانه‌گیری می‌کند، اوقات تلخی می‌کند، سروصدا می‌کند، بطوری که روحیه‌مان را از دست می‌دهیم.

درمانگر ← مادر: گفتید همه ما را ناراحت دارد؟

مادر: پدر: بهانه‌گیری می‌کند، اوقات تلخی می‌کند، سرو صدا می‌کند، ما روحیه‌مان را از دست می‌دهیم، این دخترم هم ناراحت می‌شود.

درمانگر ← مادر: شما چه حالی پیدا می‌کنید؟

مادر: دست و پایم می‌لرزد، قدرت از جا بلند شدن ندارم، خیالاتی می‌شوم، اعصابی که کار خانه را بکنم ندارم.

درمانگر ← مادر: گفتید پدرش عصبانی است؟

مادر: پدر: یک دفعه بلند شد، تلفن را زد شکست، عصبانی شد، الان هم خیلی عصبانی است، مریضم از دست پدر است.

درمانگر ← مادر: گفتید مریضم ... منظورتان چیست؟

مادر: مریض روحی هستم، حوصله ندارم جایی برویم، حوصله کار خونه نداریم.

مادر: پدر: شوهرم بد اخلاقی می‌کند، توی مردم درگیری دارد، تلافی‌اش را سر ما در می‌آورد. با ما بد اخلاقی می‌کند، مردم کلاه و دارند، قرضشان می‌دهد نمی‌تواند پس بگیرد.

دختر ← درمانگر: مادر: مادرم همه‌اش به پدرم می‌گوید عرضه‌نداری، عصبانی‌اش می‌کند.

مادر ← پدر: این پدر مشتری‌اش را نمی‌شناسد.

دختر ← مادر: مادرم با این حرف‌هایش پدرم را تحریک می‌کند، یکبار مادرم پدرم را نفرین کرد، گفت بی‌عقل است، هر دو سر و صدا کردند که من جیغ و داد کردم، ساکت شو، ولم کن، پدرم را عصبانی می‌کند، به او می‌گوید تو را خدا زده است.

مادر: عصبانیت من این است، گرفتاری کار خانمان زیاد است. شوهرم یکبار ورشکست می‌کند، عصبانی می‌شود، سر هر چیز.

مادر: دختر: دخترم ناراحت می‌شود، زیاد پول می‌گیرد ...

گزارشنامه شماره ۴

مجتمع: خانواده

تاریخ

هنگامه‌ها:

نام و نام خانوادگی: مادر خانواده سن: ۵۷ تحصیلات: مکت شغل: خانه‌دار گزارشگر

حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.
برون‌فکنی	برون‌نمایی	درون‌فکنی	درون‌نمایی
ترس دارد، وحشت می‌کند، خیالاتی می‌شود، عضبانی، جوشی، بهانه‌گیری اوقات تلخی، ناراحت شدن، بد اخلاقی کردن، کلاه ورداری	سر و صدا کردن نمی‌تواند کار خانه کند شکست چیزها درگیری با مردم تلافی کردن	ما می‌ترسیم، دلهره داریم اعصاب خراب از دست دادن روحیه ناراحت شدن خیالاتی شدن حوصله نداشتن	دست و پایم می‌لرزد کم قدرتی برای بلند شدن مریض بودن کار خانه نکردن جایی نرفتن
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند (برون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند (برون نموده می‌شوند)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند (درون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند (درون نموده می‌شود)

یادآوری:

تلاش‌ها و آفریده‌ها یکسان و همزمان پژوهش، تشخیص و درمان در لایه‌ها و فضاهای حال و نزدیک است و به شکلی محسوس و قابل ادراک در تلاشهای روزانه خانواده قابل مشاهده است.

آزادی و آفرینندگی در خانواده درمانی

مورد (۸)

دختر ۵ ساله اولین و تنها فرزند مادر و پدر ۳۰ و ۲۶ ساله است و برای خانواده درمانی مراجعه کرده‌اند.

هنگامه‌های خانوادگی (پدر، مادر، کودک و درمانگر)

کودک سرگرم نقاشی و بازی با وسایلی می‌شود که روی میز در اتاق انتظار گذاشته شده است.

د: قبل از اینکه بفرمایید منظورتان از آمدن چیست؟ یسآدآوری می‌کنم: هر چه در اینجا می‌گذرد محرمانه است؛ هر چه گفته شود و یا تشخیص داده شود جز به خود مراجع داده نخواهد شد و اکنون که در محیط خانوادگی هستیم برای خانواده محرمانه است. بنابراین تا جایی که می‌توانیم با صراحت و جزئیات منظور از مراجعه خودمان را می‌گوییم.

مادر ← کودک: برای دخترم پروین، خیلی نغ می‌زند، سر هر موضوعی که نخواستنه باشد نغ می‌زند.

د: نغ می‌زند منظورتان چیست؟

مادر: بهانه‌گیری می‌کند، بداخلاقی و غر و لند زیاد، اعتماد به نفس ندارد، در درگیری‌هایی که با بچه‌ها دارد اغلب اوقات کتک می‌خورد.

د: دیگر چه حالات و رفتارهایی دارد؟

مادر: حسود است، خیلی حسود است، حتی نسبت به بزرگان خیلی زیاد حساس است. اگر یک خورده تندتر صحبت می‌کنم، خیلی حساس است بدش می‌آید.

د: شما در برابر کودک چه حالات و رفتارهایی دارید؟

مادر: تا جایی که بتوانم در مقابلش نرمش نشان می‌دهم، نگر آنکه زیاد بداخلاقی کند، کنترل از دست می‌دهم، بیشتر اوقات دعوا می‌کنم، تشر می‌زنم، بعضی اوقات هم کتک می‌زنم.

د: چه رفتار و حالت دیگری دارید؟

مادر: سعی می‌کنم با پدرش صحبت کنم، درکش می‌کنم، سعی می‌کنم با صحبت کردن و توضیح دادن قانعش کنم، آنطور که دلش می‌خواهد رفتار کنم.

د: درمانگر ← پدر: شما منظورتان از آمدن چه بوده است؟

پدر: بیشتر به خاطر اعتماد به نفسش.

د: اعتماد به نفس، منظورتان چیست؟

پدر: درگیری‌های شخصی منجر به دعوا می‌شود، کتک می‌خورد و گاه گذاری انتظار دارد تا ببایم از او پشتیبانی کنیم، ترس دارد.

د: ترس دارد؟

پدر: در دوران کودکی داخل تاریکی صدا در آورد، جیغ محکم کشید، خودم هم در دوران کودکی ترسو بودم، دقیقاً مثل حالت دخترم، اعتماد به نفس نداشتم، در میان کودکان دیگر زورم بیشتر بود اما نمی‌توانستم در دفاع از خودم به کار ببرم.

د: شما در برابر کودک چه حالتی دارید؟

پدر: یک مقدار ما مقصریم، برخورد درست نداریم، از کوره در می‌رویم.

مادر ← دختر: خیلی دلش می‌خواهد نازش را بکشیم، خیلی حسود است، دوست دارد هر چه می‌گوید غیر از جان، عزیزم چیزی بهش نگویم و تشر نزنیم. حتی نسبت به مهمان‌ها حسودیش می‌کرد می‌گفت پدر بزرگ (آقا جان) به مهمانهای دیگر توجه می‌کند، دوست ندارم مهمان بیاید.

گزارشنامه شماره ۵

مجتمع: خانواده

هنگامه‌ها:

تاریخ

نام و نام خانوادگی: مادر سن: ۲۶ تحصیلات: دیپلم شغل: خانه‌دار گزارشگر

حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.
بیرون‌فکنی	بیرون‌نمایی	بیرون‌فکنی	بیرون‌نمایی
بد اخلاقی، اعتماد به نفس نداشتن، حسود بودن، نیاز به نوازش، حساس بودن، بد آمدن، کنترل از دست دادن، دعوا کردن، می‌خواهد نازش را بکشند	نم زدن غرولند کردن درگیری با بچه کتک زدن ... یش تشر زدن	نرمش نشان دادن سعی به درک کردن قانع کردن توضیح دادن	تند صحبت می‌کنم کنترل از دست می‌دهم
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند (بیرون فکننده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند (درون فکننده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند (بیرون نموده می‌شوند)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند (درون نموده می‌شود)

گزارشنامه شماره ۶
 تاریخ
 نام و نام خانوادگی: مادر سن: ۲۶ تحصیلات: دیپلم شغل: خانه‌دار گزارشگر
 مجتمع: خانواده
 هنگامه‌ها:

حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.
برون‌فکتنی	برون‌نمایی	درون‌فکتنی	درون‌نمایی
اعتماد به نفس نداشتن انتظار پشتیبانی داشتن ترس داشتن	کک زدن	ترسو بود، اعتماد به نفس نداشتن، ناتوانی در دفاع، داشتن زور، بدون استفاده، مقصر بودن، برخورد درست نداشتن	درگیری شخصی از کوره در رفتن
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند (برون‌فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند (برون‌نموده می‌شوند)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند (درون‌فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که او نشان می‌دهند (درون‌نموده می‌شود)

برداشت:

مقایسه دو گزارشنامه ۵ و ۶ تلاش‌ها، جهش‌ها و جنبش‌هایی را که در فضاهای حال و نزدیک در مجتمع خانواده آفریده می‌شود نشان می‌دهند: در گزارشنامه ۵، هنگامه‌های برون‌فکنانه کودک و مادر بیشترین است. و در گزارشنامه (۶) هنگامه‌های درون‌فکنانه کودک و پدر فروان‌تر است.

آزادی و آفرینندگی در رویا درمانی

هر رویا، مجتمع روان فضای پویایی است که در لایه‌های نا آگاهی آفریده می‌شود. خالق، مخلوق، نویسنده، کارگردان، بازیگران یکجا هستند. خلاقیت در مجتمع‌ها روان فضایی رویا و درهنگامه‌ها آن به اوج کمال خود می‌رسد تمام توان و تلاش‌های فرد آزادانه به کار گرفته می‌شود.

اجرا:

در نشست اول به مراجع پیشنهاد می‌شود وقتی می‌خواهد کاغذ و قلم کنار رختخواب بگذارد، به مجردی که بیدار شد خواب‌هایی را که دیده است یادداشت کند، خواب‌های ساده، غیر عادی و لو تکه‌هایی از آنها را بنویسد: خواب‌ها گریز یا هستند هنوز از رختخواب جدا نشده یادداشت نمایید. پس از یادداشت به مدت یک یا دو دقیقه افکار، احساس‌ها خاطره‌هایی که در رابطه با کل و اجزاء رویا در شما بیدار می‌شود بنویسد.

پس از آنکه مراجع رویا را آورد و خواند پرسش‌هایی طرح می‌شود: هریک از افراد و اشیاء درون رویا، چه حالت و رفتاری دارند؟ رویایین در رابطه با آنها چه موضع و حالتی داشته است؟ منظورشان از آنچه می‌کنند و یا می‌گویند چیست؟

مورد (۹)

بانوی ۲۵ ساله خانه‌دار تحصیلات دبیرستانی، سومین فرزند خانواده ۱۰ نفری، با یک فرزند و همسر زندگی می‌کند.

علت مراجعه: اضطراب دارم، چند وقت است که حوصله هیچی ندارم، نه حوصله شوهرم را دارم نه حوصله بچه‌ام را دارم. یک مدت حالم بد می‌شود و یک مدت حالم خوب می‌شود ... نسبت به شوهرم سوءظن دارم، بیرون که می‌رود ناراحت می‌شوم.

هنگامه‌های رویا (۱) (با پسر عمو)

م - ((در محل سرایشی که سنگ‌های بزرگ داشت عده‌ای از فامیل جمع بودیم، پسر عمویم که تازه داماد شده، نشسته بود. پدرم به طرفش رفت و با چیزی که در دستش بود او را زد من که در جای بلندی ایستاده بودم به طرفش رفتم و فریاد می‌زدم: چرا می‌زنی؟؟ پدرم رفت و من گریه می‌کردم و پسر عمویم را مثل کودکی در بغل گرفتم و دلداری می‌دادم)).

- د - پدرتان چه حالتی داشت؟
- م - پدرم عصبانی بود، از پسر عمویم ناراحت بود زدمش و بعد رفت، پسر عمویم حرفی زد که پدرم ناراحت شد.
- د - شما چه حالت و رفتاری داشتید؟
- م - در جای بلندی بودم، دویدم آمدم به طرف پایین، داد می‌زدم برای چسب زدییش، گریه می‌کردم، خیلی تاریک بود.
- د - پسر عمو چه حالت و رفتاری داشت؟
- م - ترسیده بود، هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌داد، بابایم پسر عمو را می‌زد او حالت ترس را توی خودش نگه می‌داشت. چیزی نگفت.
- د - شما چه حالت و رفتاری داشتید؟
- م - خیلی ناراحت بودم، داد می‌زدم، گریه می‌کردم، بلند بلند، خیلی عصبانی بودم، حالت دلسوزی هم داشتم.
- د - حالت دلسوزی داشتید، منظورتان چیست؟
- م - مثل اینکه برادرم باشد، خیلی دوستش داشتم، خیلی زیاد دوستش داشتم، مثل خواهر نسبت به برادرم، در آن خواب همسن خودم بود ۲۰ ساله بودیم.
- د - چه حالت و رفتاری داشتید؟
- م - پسر عمویم مثل پسر خردم بود، بغلش کرده بودم، او مثل بچه‌ای که گاهی ساکت بود گاهی گریه می‌کرد، دلداریش می‌دادم، می‌گفتم ناراحت نباش، می‌خواستم ساکتش کنم، ناراحت بود.

گزارشنامه شماره ۷

مجتمع: خانواده

تاریخ

هنگامه‌ها:

نام و نام خانوادگی: مادر سن: ۲۶ تحصیلات: دیپلم شغل: خانه‌دار گزارشگر

حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.
برون‌فکنی	برون‌نمایی	درون‌فکنی	درون‌نمایی
کودک وش بودن عصبانی بودن ناراحت شدن ترسیدن و نگه داشتن آن	سوء ظن، ناراحت شدن، دل‌داری دادن، در بغل گرفتن، زدن، فریاد زدن، دوست داشتن، رابطه خواهر و برادری، ساکت کردن	حوصله نداشتن بد و خوب شدن حال ناراحت بودن عصبانی بودن دلسوزی داشتن	گریه کردن داد زدن دوییدن گاه ساکت و گاه گریه کردن
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند (برون‌فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند (برون‌نموده می‌شوند)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند (درون‌فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که او نشان می‌دهند (درون‌نموده می‌شود)

برداشت:

بیشترین تلاش‌ها: گریه و داد و فریاد کردن، دوست داشتن، در بغل گرفتن دیگری (پسر عمو)، کودک وش بودن، عصبانیت و داد و فریاد کردن جنبش‌ها و جوشش‌هایی بوده است که در خانواده پدری بیشتر ظاهر می‌شده است. در رویاها تمام تلاش‌های با آزادی نامحدود همراه است.

هنگامه‌های رویای (۲) (بدن، پسر عمه)

م - ((در عالم خواب، از خواب بیدار شده بودم، چشم‌هایم نیمه باز بود خواهرم گفت در خانه ما مهمان است خاله و شوهرش. جلو آینه رفتم پایه‌های آینه جدا شده بود گفتم چه کسی

این کار را کرده، گفتند پسر عمه با خودم فکر کردم: وقتی که من خواب بوده‌ام پسر عمه آمده و من را دیده بعد در آینه نگاه کردم چشم‌هایم پف کرده بود.

لحظه بعد (در عالم خواب) خودم را در کنارم دیدم (دو نفر بودیم، او و من یکی بودیم) با اینکه صورتش را می‌دیدم ولی برایم واضح نبود. شکل خودم را در ذهنم مجسم می‌کردم و کسی که کنارم بود (خودم) را بوس می‌کردم و بدنش را لمس کردم و احساس لذت می‌کردم؛ احساس لذت دو طرفه داشتم هم از لمس کردن و هم از لمس شدن لذت می‌بردم (او خودم بود). بعد از پشت بغلش کردم. بچه‌ها به خانه آمدند. در خانه راه رفتیم، به هم ریخته بود، صدای بچه‌ها از حیاط آمد، من از بالای پله خودم را به حیاط انداختم و با خودم گفتم من روحم، جسم نیستم که درد داشته باشم، نزدیک زمین احساس برخورد داشتم ولی به زمین نخوردم و به صورت خوابیده پرواز می‌کردم و پسریم به من نگاه می‌کرد حالت تبسم داشت و من هم احساس سبکی و راحتی داشتم)).

خواهرتان در عالم خواب چه حالتی داشت؟

م - عجله داشت که چون مهمان داریم چیزی را تهیه کنیم.

د - شما چه حالتی داشتید؟

م - خاله‌ام و شوهرش را (در عالم خواب) مجسم کردم، حالت گیج کننده داشتم، شوهر خاله‌ام عوض شده بود، کس دیگری بود، حسالت غیر عادی بود، خانواده‌ام را به جای آن می‌بینم.

د - خاله از عوض شدن شوهرش چه حالی و رفتاری داشت؟

م - هیچ، پایه‌های آینه جدا شده بود، ناراحت شدم، گفتم چرا اینطوری شده است؟

د - پسر عمه که شمارا در حالت خواب دیده بود چه حالت و رفتاری داشت؟

م - احساسی نکردم، اما در خواب فکر می‌کردم که او چه احساس و حالی داشته است؟

وقتی (در عالم خواب) بیدار شدم فکر کردم چطوری خوابیده بودم و چطوری دیده است؟

د - از چشم‌های پف کرده در خواب چه حالی و احساسی داشتید؟

م - حالت ناراحت کننده، با کسی حرف می‌زدم ولی نمی‌توانستم او را ببینم، خودم (در عالم خواب) در کنار خودم نشسته بودم صورتش را (او = خودم) را نمی‌دیدم، فکر می‌کردم صورتم چه شکلی است. بغلش کردم (او را = خودم را) بوسیدم، نرمی گوشش و پوستش را احساس می‌کردم، احساس خوش آیند، خوشم می‌آمد که او را ببوسم. احساس لذت می‌بردم

- د - شما چه فکر و حال داشتید؟
- م - من هم زیاد به فکر شوهرم نبودم، فکر دختر خاله ام بودم، حواسم به دختر خاله ام بود.
- د - شوهر دختر خاله؟
- م - حالتی که در بیداری دارد، با ناراحتی و اخم جواب می دهد، از گفته زنش ناراحت است، به من نگاه می کرد، توجه زیاد داشت.
- د - شما چه ... ؟
- م - توجهم به نگاه کردنش جلب شد، احساس اینکه مورد توجه قرار گرفته ام، فکر کردم زیبایم.
- د - دختر خاله ... ؟
- م - دختر خاله ناراحت و غمگین شد، شوهرش جوابش را نداد و یا با تندی داد.
- د - از دیدن عده ای دختر چه حال رفتاری داشتید؟
- م - چند دختر به صف می رفتند، صورت های صاف و موهای زرد داشتند، خوشم می آمد، قشنگ بودند.
- د - خواهرتان چطور؟
- م - نگاهشان کرد ولی نه به اندازه من، مورد توجه قرار نگرفتند، نگاه معمولی کرد، اما من خیلی خوشم آمده بود سیر نمی شدم از نگاه کردنشان.
- د - برادرتان در عالم خواب چه حالی داشت؟
- م - حالت شادی و خوشحالی داشت، من تعجب می کردم که این لباس را از کجا آورده ای؟
- د - منظورتان از ناراحتی پدر چیست؟
- م - پدرم در پوشیدن لباس وسواس دارد، دوست دارد لباس ساده بپوشد.
- د - شما چطور؟
- م - ناراحت شدم که پدرم برادرم را دعوا کرد، هیچی ...
- د - برادرتان چه؟

گزارشنامه شماره ۹

مجتمع: خانواده

تاریخ

هنگامه‌ها:

نام و نام خانوادگی: مادر سن: ۲۶ تحصیلات: دیپلم شغل: خانه‌دار گزارشگر

حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.
درون‌نمایی	درون‌فکنی	برون‌نمایی	برون‌فکنی
احساس مورد توجه بودن دوست داشتن نگاه دیگران	دلسوزی احساس دوستی احساس زیبا بودن خوش آیندی بیش از دیگران مورد توجه بودن سیر آوری نداشتن از نگاه دیگران	بغل کردن، خانه دیگران رفتن، به حرف نکردن، مشورت نکردن، روی پا نشانیدن و صحبت کردن، توجه به نگاه دیگران، دوست داشتن لباس ساده، بی توجهی به دیگران، با ناراحتی و اخم جواب دادن	ناراحت شدن شکل عروسک بودن غمگین بودن خوشحال شدن از بغل کردن غمگین شدن ساکت بودن وسواس در پوشیدن لباس
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند (درون نموده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند (درون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند (برون نموده می‌شوند)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند (برون فکنده می‌شود)

برداشت:

توجه به نگاه دیگران، دوست داشتن، مورد توجه بودن، نگاه بدبینانه به همسر داشتن، مخلوق دوست داشتن نگاه دیگران به خود است. در رویا آفرینندگی، آفریده، آفریننده با آزادی یکسانی و همزمانی دارند.

آفرینندگی و آزادی در داستان پردازی

مورد (۱۰): مجتمع داستانی (۱). (دختری ۲۰ ساله است)

پرنده، گل، دخترک

((در یک روز بهاری پرنده‌ای شاد و قشنگ در حال پرواز در آسمان آبی بود نگاهی به پایین کرد و باغی را پر از گل‌های رنگارنگ دید با خود گفت بروم در باغ گشتی بزنم و از گل‌ها و بوی خوش آنها لذت ببرم در حال بود که در کنار باغ گلی پژمرده را دید به کنارش رفت نگاهی به دوروبرش کرد که علت پژمرده شدن گل را ببیند گفت ای گل غمگین در کنار تو آب روان و در بالای سرت خورشید گرم و دلنشین است چرا ناراحتی. گل نگاهی به پرنده انداخت و گفت تو در آسمان آبی و بی انتها پرواز می‌کنی از دل من چه خبر داری همانطور که می‌گویی کنارم آب و بالای سرم خورشید و اطرافم پر از گل‌های زیبا اما من نمی‌خواهم در مدت کوتاه عمرم در اینجا باشم خسته شدم از یک جا بودن می‌خواهم مثل تو در آن بالا در آسمان آبی باشم و از آن بالا همه جا را ببینم پرنده گفت چاره چیست تو اگر از زمین جدا شوی ساعتی بیش زنده نیستی گل گفت اگر عمر من ساعتی باشد و در آن از زندگی لذت ببرم بهتر از آن است که اینجا باشم و یک روزی از بین بروم من عمر کوتاه و با بهره را ترجیح می‌دهم بر عمر طولانی و بی ثمر. پرنده در آسمان مشغول پرواز بود همراه گلی تازه و با طراوت بعد از گشتی در آسمان خسته شد و بر روی بامی نشست در حیاط خانه بچه‌ای مشغول بازی به این ور و آن ور می‌دوید پایش به چیزی گرفت و زمین خورد و شروع به گریه کردن کرد پرنده ناراحت شد و چرخش بالای سر دختر زد گل از نوکش به دامان او افتاد دخترک از دیدن گل خوشحال شد به طرف حوض آب رفت ظرفی را از آب پر کرد و گل را در آن گذاشت نشست و نگاهش را به آن دوخت پرنده از خوشحالی کودک شاد شد و پروازی بالای سر گل کرد و به آسمان رفت.

د - موقع نوشتن چه احساس یا حالتی داشتید:

م - موقع نوشتن، ناراحت بودم، احساس پرپر بودن از خودم داشتم، از زندگی خسته شده بودم.

د - خسته بودن از زندگی، منظورتان چیست؟

م - احساس بیهوده بودن و بی فایده بودن دارم.

د - پرنده چه حالت و احساسی داشت؟

م - شاد بود، وقتی گل را دید ناراحت شد، کنجکاو شد که علتش را بداند، غمگین، دلتنگ ... هدفش لذت بردن، گرمای خورشید را احساس کردن.

د - شما چه احساس یا حالتی داشتید؟

م - آرام و خوب بودم.

د - گل چه احساس و حالتی داشت؟

م - می‌گفت از دل من چه خبر داری، پرنده تو در آسمانی، شادی نمی‌توانی نسا راحتی مرا احساس کنی، گل حالت التماس را به پرنده داشت، دلش می‌خواست او کمکش کند.

د - شما چه احساس و حالتی پیدا کردید؟

م - از یکجا بودن خسته شده‌ام، یک نواختی محیط، همیشه همانها را می‌بینم، احساس خستگی می‌کنم، احساس می‌کردم زمانی که پرنده در آسمان بود، جای او هستم احساس پرواز روی آسمان بودن.

د - گفتید عمر گل ساعتی باشد، منظورتان چیست؟

م - عمرش برایم مهم نبوده است، فقط این برایم مهم بوده است که از این عمر استفاده کند عمر کوتاه باشد، آرزویی که دارد به آن هدف برسد، هدفهایی که دارد، مدتی که دارد زندگی می‌کند فایده‌ای داشته باشد تنها برای خودش زندگی نکند، زندگی طولانی و بسی ثمر، خوردن و خوابیدن، هر چند طولانی باشد از نظر من ارزشی ندارد.

د - شما دیگر چه حالی و احساسی داشتید؟

م - ناراحت بودم، از اینکه شوهرم نمی‌گذاشت جایی بروم، به ورزش خیلی علاقه دارم، تیر اندازی، شنا، اسب سواری، وقتی در تلویزیون می‌بینم خودم را جایشان می‌گذارم، شاد می‌شوم.

د - دخترک وقتی گل را دید از درد خودش یادش رفت، گل فایده داشت دخترک را خوشحال کرد، احساس با ارزش بودن و پر فایده بودن داشت.

د - شما ... ؟

م - همسرم به من فکر نمی‌کند، پیش مادرم می‌رود و صحبت می‌کند، خودم زیاد صحبت نمی‌کنم، دوست دارم همسرم همیشه در کنارم باشد، خوشم نمی‌آید از کسی حرف بزنم، دلم می‌خواهد از زندگی خودمان، بچه‌هایمان، یک چیز یاد بگیریم، اطلاعات عمومی داشته باشم.

مجتمع: داستان

گزارشنامه ۱۰

هنگامه‌ها: پرنده، گل، دخترک

تاریخ ۱۳۵۷/۶/۱۷

نام و نام خانوادگی: م - ص سن: ۲۵ تحصیلات: دبیرستانی شغل: خانه‌دار گزارشگر

حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.
برون‌فکنی	برون‌نمایی	درون‌فکنی	درون‌نمایی
شاد و قشنگ بود، گرم و دلنشین بود، مانند بچه‌ها بازی کردن، از توجه و دیدن خود ناراحت شدن، غمگین و دل‌تنگ شدن، از دل دیگران خیر نداشتن، نزاراحتی دیگران را احساس نکردن	خوشحال شدن از گل بودن، حالت التماس به دیگران، یک نواخت، دیدن دیگران، بی‌ارزش دانستن دیگران نمی‌گذارد شوهرش جایی برود، می‌خواهد در کنار همسرش باشد	خسته بودن عمر کوتاه داشتن از زندگی لذت بردن احساس گل بودن داشتن بیهوده بودن بی فایده بودن	پرواز کردن احساس عمر کوتاه داشتن خستگی خوردن و خوابیدن
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند (برون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند (برون نموده می‌شوند)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند (درون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که او نشان می‌دهند (درون نموده می‌شود)

مجتمع داستانی (۲): هنگامه‌های: گل، بلبل (همان دختر ۲۰ ساله)

(بلبل، در یک روز بارانی که خیس شده بود به گل زیبایی پناه برد در کنار گل خوابید گل از اینکه بلبل در کنار او از خیس شدن در امان است خوشحال بود گل اصلاً نخوابید و مواظب مهمان خود بود شاخ و برگ‌هایش را بر روی بلبل می‌گذاشت تا باران نخورد باران بند آمد در هوای معطر و تمیز بلبل از خواب بیدار شد و پرواز کرد گل به امید برگشتن او سرحال و شاد بود اما از آمدن او فردا و فرداهای دیگر خبری نشد گل از آب و غذا فراموش کرد این طرف و

آن طرف نگاه می‌کرد شاید او را ببیند، تاب و تحمل نداشت روز به روز پژمرده تر شد تا اینکه یک روز دیگر سرش را بلند کرد از آن طرف بلبل پیدایش شد آمد پایین، دید گل پژمرده شده آنطرف تر را نگاه کرد گلی تازه و سرحال را دید به طرفش رفت و در کنار گل زیبا به استراحت پرداخت.

د - بلبل در پناه بردن به گل چه احساس یا خاطره‌ای را در شما بیدار می‌کند؟

م - حالت دوست داشتن، احتیاج به محبت داشتن، دلم می‌خواهد کسی به من محبت کند.

د - بلبل چه احساس یا حالتی داشت؟

م - احساس بی تفاوتی، گل را در نظر نداشت فقط خیس نشود، گل به فکر آن بود، او را

می‌دید، دوستش داشت، گریه کرد.

د - شما چه حالی پیدا کردید؟

م - درد آمد تو دلم، خودم نمی‌دانم چی می‌خواهم، همیشه دلم می‌خواست در زندگی

عشقی باشم، کسی که واقعا مرا دوست داشته باشد، هیچکس نبوده است که مرا دوست داشته

باشد؟ مردها را کلا بی‌عاطفه و بی‌احساس می‌دانم، نمی‌توانند درک کنند، فقط تو فکر استفاده

کردن از زن هستند ... بعد فراموش می‌کنند.

گزارشنامه ۱۱

تاریخ ۱۳۷۵/۶/۲۷

مجتمع: داستان

هنگامه‌ها: گل، بلبل

نام و نام خانوادگی: مادر سن: ۲۵ تحصیلات: دبیرستانی شغل: خانه‌دار گزارشگر

حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.
برون‌فکنی	درون‌فکنی	برون‌نمایی	درون‌نمایی
کنجکاو شدن غمگین، دل‌تنگ التماس کردن درخواست کمک احساس پزمرده شدن احتیاج به محبت داشتن هیچکس را دوست نداشته	ناراحتی مثل گل هستم از زندگی خسته‌ام بیهوده بودن دوست داشتن محبت خواستن احساس بی تفاوتی	در کنار دیگری خوابیدن، احساس امنیت کردن، در کنار دیگری، مواظبت کردن با نگاه جستجو کردن دیگری، احساس بی تفاوتی، دوست داشتن و گریه کردن	نمی‌داند چه می‌خواهد عاشق بودن
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند (برون‌فکننده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند (درون‌فکننده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند (برون‌نموده می‌شوند)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند (درون‌نموده می‌شود)

برداشت: بیشترین تلاش برای جلب نگاه و توجه دیگری است این تلاش را در دیگری (همسر) به صورت بدبینی برون‌فکنی می‌کند. هر چه آزادی نامحدودتر می‌شود هنگامه‌های داستان پردازی به لایه‌ها ناآگاهی و قلمرو امیال، اوهام و هیجان‌ها نزدیک‌تر است، در داستان پردازی دامنه آزادی در نوسان دائم میان آگاهی، نیمه آگاهی و نا آگاهی است و به همین نسبت از بودن تا نبودن، از گستردگی بسیار تا محدودیت‌های کم از قید و بند احساس‌ها و ادراک‌های روزانه تا بی بند و باری امیال و اوهام نزدیک و دور ... در نوسان است.

آزادی و آفرینندگی در شعر درمانی

مورد (۱۱): مجتمع: شعر (همان دختر ۲۰ ساله)

هنگامه‌ها: عشق

عشق را چگونه باید شرح داد	عشق را باید معنا کرد
عشق دل‌بستگی عشاق نیست	عشق در نزد همه یک معنا نیست
عشق یعنی پر پر شدن و سوختن	عشق یعنی دست از جان شستن
عشقی یعنی بر اسبی تاختن	عشق یعنی پلی ساختن
در پی عشق جان را فدا باید کرد	عشق را نمی‌توان معنا کرد
من در تلاطم دریایم	من در کشتی طوفانم
من قربانی دریایم	من را راه به جایی نیست
کنار موج دریایم	من صخره‌ای تنهایم
بروم آن سوی دریاها	دلم می‌خواست از اینجا
که دوستی هست پابرجا	که شادی هست در آنجا
راز پنهانی است	در سراپرده دل رازی است
چه کسی می‌خواهد این بار گران از دل من بگیرد	
من به بالا صعود خواهم کرد	من تلاش خواهم کرد
من این کوه غم را ویران خواهم ساخت	
پرواز یادش خواهم داد	این کبوتر که در قفس زندانی است

د - منظورتان از «عشق» چیست؟

م - چیزی که می‌خواهم در دلم هست ولی خودم نمی‌دانم چیه، درست دارم زندگی‌م طوری دیگر باشد.

د - منظور از «دست از جان شستن» چیست؟

م - حاضر بودم توی این دنیا نباشم ولی به آنچه می‌خواهم برسیم، هر چند که زندگی‌م کوتاه باشد.

د - پر شدن؟

م - آدم دائم در دلش ناراحتی داشته باشد، نمی‌داند چکار باید بکند، دائم در عذاب است.

- د - در عذاب است؟؟
- م - غم و غصه‌ای که در دلش هست راه چاره‌ای برایش نیست، باید تحمل کند.
- د - شما در لحظه سرودن شعر چه حالتی داشتید؟
- م - خیلی ناراحت بودم، وقتی انسان هیچ راهی ندارد برای خلاص شدن از ناراحتی دلش، غیر از اینکه بمیرم چاره‌ای ندارم.
- د - سوختن؟
- م - پر پر شدن، درد دل، دائم ناراحت شده باشد.
- د - پلی ساختن.
- م - یک چیزی درست کند که به عشقت برسی، همان چیزی که می‌خواهی و آرزو داری.
- د - ((بر اسبی تاختن)) منظور چیست؟
- م - حالت، سرعت، سبکی و بی وزنی، خودش را در حال پرواز احساس می‌کند.
- د - نمی‌توان معنا کرد؟
- م - یک عشق یک آرزو در دل انسان است، عشق خیلی بزرگ است که نمی‌شود تعریف کرد، دست نیافتنی است، آرزوی بزرگ که رسیدن به آن مشکل است.
- د - جان را فدا کردن؟
- م - از جان گذشتن، جان ارزشی ندارد.
- د - کشتی طوفانم.
- م - جایی که مدام ناراحتی است، جای راحتی نیستم، با دلواپسی و نگرانی، در حال این ور و آن ور رفتن است، کشتی بان ندارد.
- د - در تلاطم دریا...؟
- م - تکان‌هایی که دریا می‌دهد، نداشتن آرامش، دریا خیلی خشمگین است، مدام این ور و آن ور می‌رود، طوفانی است.
- د - راه به جایی نیست؟؟
- م - ناراحت کننده است، در یک دریای طوفانی راه فرار برایت نباشد، احساس گیجی، نمی‌دانم چکار باید بکنم، نمی‌توانم از مشکلی که دارم بیرون بیایم.
- د - ... قربانی دریا؟؟

- م - سرنوشت من است که باید در دریای طوفانی باشم، از بین بروم، خودم را به دست سرنوشت بسپارم و قربانی شوم.
- د - کنار موج دریایم.
- م - صخره‌ای که مدام موج دریا می‌خورد، ناراحت است، در حال از بین رفتن است.
- د - در سرا پرده دل رازی است؟
- م - چیزی در دلم هست که هیچکس ندارد.
- د - این بار گران ... ؟
- م - کمکم کنید بتوانم از این ناراحتی بیرون بیایم، از غمی که در دلم هست به آرامش برسم.
- د - به بالا صعود خواهم کرد؟؟
- م - احساس سبکی، بی وزنی و آرامش می‌کنم.
- د - کوه غم؟؟
- م - ناراحتی‌هایی که در دلم انباشته، می‌خواهم ویرانش کنم، از بین ببرم.
- د - ... زندانی است؟
- م - در جایی نشسته، از اینکه پرواز را از گرفته‌اند ناراحت است.

تاریخ ۱۳۷۵/۶/۲۰
 گزارشنامه ۱۲
 مجتمع: شعر
 هنگامه‌ها: عشق
 نام و نام خانوادگی: مادر سن: ۲۵ تحصیلات: دبیرستانی شغل: خانه‌دار گزارشگر

حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.
برون‌فکتنی	برون‌نمایی	درون‌فکتنی	درون‌نمایی
نساراحتی دائم در دل داشتن آرزوی دست نیافتنی خشمگین بودن در حال از بین رفتن	هیچ راهی نداشتن می‌خواهم دیگری را ویران کنم پرواز را از من گرفته‌ا	نمی‌دانم چه در دلم هست، به آنچه می‌خواهم برسم، پر پر می‌شوم، از جان گذشته، نساراحت و دلواپسی بودن، هیچکس از دلم خبر ندارد، قربانی شدن	احساس سبکی و بی وزنی، جان بی ارزش داشتن، گیجی، می‌خواهم دلم را ویران کنم، پر پر شدن، زندانی شدن، از بین رفتن
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند (برون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند (برون نموده می‌شوند)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند (درون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند (درون نموده می‌شود)

برداشت:

این شعر نمونه خوبی از تلاش‌های آفرینندگی است جهش‌ها و جوش‌های آفریننده در پر شدن، سوختن، کشتی طوفان، قربانی دریا، صخره تنها، کوه غم، قفس دل، کیوتر زندانی درهم و با هم شده‌اند و شعر او را خلق کرده‌اند. در هنگامه‌های خواندن شعر، شاعر آرام می‌گرفت و از تنش و جوشش باز می‌ایستاد و هر بار که این شعر را بازخوانی می‌کرد آرامش از دست داده را باز می‌یافت.

آفریدن آزادانه چه در رویا، چه در شعر، چه در داستان و چه در بازگویی خاطره‌ها آرامش بخش و درمان کننده است.

آزادی در آفرینش پرسشنامه و آزمون‌ها

گزینه‌هایی را که در گزارشنامه‌ها آوردیم اگر با تمام شرایط دیدگاه هنگامه‌ها تهیه شده باشند کنار هم بگذاریم، می‌توان پرسشنامه و آزمون‌هایی را تهیه کرد که بیش از ۹۵٪ روایی، پایایی و حساسیت پژوهشی، تشخیصی و درمانی داشته باشد. و به نشانه‌یابی و آزمون‌های پرداخت که در گزارشنامه مورد پژوهش بوده است؛ برای روشن‌گری موردی را نمونه می‌آوریم. در هفته‌ای که نیروی انتظامی برای امنیت و ناامنی اختصاص داده بود یکی از مسئولین پرسید:

((امنیت چیست؟ چگونه پیدا می‌شود؟ و چگونه پایدار می‌ماند؟)) پاسخ دادم، این ضرب‌المثل را بیاد آورید که العوافی اذا دامت جهلت و اذا فقدت عرفت: سلامت و امنیت اگر دوام پیدا کند ناشناس و فراموش می‌شود و هنگامی که از میان می‌رود آشنا و یادآور می‌گردد: بهتر است در جستجوی ناامنی باشیم، در آن حال امنیت و ارزش آن را آسانتر و بهتر در می‌یابیم از خود پرسیم:

ناامنی چیست؟ انسان ناامن کیست؟ ناامنی چگونه و با چه نشانه‌هایی در رفتارها، رابطه‌ها و احساس‌های جمعی و فردی پیدا می‌شود؟ چگونه پایدار می‌ماند؟ و آسیب‌های زائیده از آن چیست؟

فرد و جامعه چگونه در پیدایش و زایش امنیت و ناامنی سهیم می‌شوند؟

چگونه ناامنی جای امنیت و امنیت جای ناامنی را می‌گیرد؟

دستگاه‌ها و شرایط ایمنی چگونه، ناامن می‌شوند؟ و به ناامنی دامن می‌زنند؟ چگونه

می‌توان آسیب‌های زائیده از ناامنی را پیش‌گیری و امنیت آسیب‌دیده را درمان کرد؟

پاسخ‌یابی

از آنجا که امنیت و ناامنی، آسیب و سلامتی است که در احساس‌ها، رفتارها، حالت‌های فرد و جامعه پیدا می‌شود، برای پاسخ‌یابی از خواننده می‌خواهیم دیدگاهی را که در پیدایش، رشد آسیب‌های روانی، رفتاری فردی و جمعی در بخش‌های گذشته آوردیم مورد توجه قرار دهد: در این دیدگاه نخست موردی را از آسیب‌دیدگان و ناامنی، نمونه می‌آوریم. آنگاه، با تنظیم گزارشنامه از امنیت و ناامنی به پاسخ‌یابی پرسش‌های یاد شده می‌پردازیم.

در دام و دامن ناامنی

برای پاسخگویی به پرسش‌های یاد شده و پیدا کردن نشانه‌های امنیت و ناامنی موردی را مثال می‌زنیم، که در دام و دامن ناامنی بزرگ شده است:

مورد: مرد جوان تحصیلات دانشگاهی، نخستین فرزند خانواده ۶ نفری است مادر خانه‌دار و پدر کارمند یک موسسه خصوصی، با تفاوت سنی زیاد ازدواج کرده‌اند. دو عمه با آنها زندگانی می‌کنند: یکی پس از جدائی از همسر مدت ۲۰ سال تا مرگ با آنها بوده است و دیگری بدون ازدواج در همان خانه پیر شده است.

هنگامه‌هایی از احساس‌های ناامنی

در نخستین نشست می‌گوید:

((... احساس ناامنی می‌کنم، اعتماد به نفسم کم است، توانائی‌های خود را باور ندارم، در برابر کسانی که اندک برتری دارند خودم را می‌بازم، وقتی می‌بینم فردی از من قویتر است نظر او را بدون چون و چرا می‌پذیرم، نمی‌توانم حرف بزنم، از یادم می‌رود، قلبم تندتند می‌زند، دهانم خشک می‌شود و صدایم می‌لرزد.

زودرنجم، زود به من بر می‌خورم، اگر سلام نکنند بدم می‌آید، اگر رعایت شئونات را نکنند، ناراحت می‌شوم، رنجم می‌دهد، تا مدتی فکرم را اشغال می‌کند، نسبت به آنها نفرت و کینه پیدا می‌کنم، دنبال موقعیتی می‌گردم که کوچکشان کنم، خوارشان کنم، حسن تکبر و برتری دارم، خودم را آدم و آنها را گوسفند و بی‌شعور می‌دانم. هر وقت با آنها روبه‌رو می‌شوم یکبار تمام این حالات را در آنها نسبت به خودم می‌بینم: فکر می‌کنم آنها هم زود رنجند، زود بهشان بر می‌خورم، اگر سلام نکنم بدشان می‌آید ...

^۱ آنچه در شرح حالت‌ها و رفتارها می‌آید، با توجه به شیوه‌های پرسش و پاسخی است که در آزادی درمانی بکار می‌بریم فراهم شده است.:: واژه‌های پر هیجان، تکراری، همراه با قیدهایی خیلی، زیاد، بسیار، همه ...، در آغاز یا انتها سخن می‌آید و برجسته گفته می‌شود ... را به پرسش می‌گذاریم نخستین سخن مراجع چنین بود ((احساس ناامنی می‌کنم)) بلافاصله پرسیده شد: ((منظورت از ناراحتی چیست؟))، پاسخ داد ((اعتماد به نفس ندارم))، پرسیدیم، ((منظورت از اعتماد به نفس چیست؟))، ... بدین ترتیب تمام گفته‌های او حاصل پاسخهایی است که از پرسش‌ها برخاسته است و در اینجا بصورت گفتار پیوسته با هم آورده شده است.

می‌ترسم، از جن، از همزاد، نیروهای نامرئی، روح، روی تختم که خوابیده‌ام جرئت ندارم رویم را برگردانم، احساس می‌کنم دو چشم خاص مواظب من است، نفس کشیدن شخصی را که نمی‌توانم ببینم حس می‌کنم، ناراحتم، عذاب می‌کشم، در برابر شخصی که بالاتر از من است، قدرت اجتماعی دارد، بنحوی با منافع من ارتباط دارد، احساس می‌کنم همه چیز من در اختیار اوست، خود را در برابر او خلاف کار می‌بینم، با خودم می‌گویم نکنند من را دروغگو پندارد، نکند آبرویم ببرد، هر کار می‌خواهم انجام دهم، می‌ترسم او مانع شود، کاری را انجام ندهد، مانع تراشی می‌کند، حرفم را طوری دیگر برداشت کند، مرا مکار، حيله گر بداند، فکر می‌کنم خود او هم مکار و حيله گر است، باید از او حذر کرد. حرفش را با تردید بساور می‌کنم فکر می‌کنم او هم نسبت به من همین حالت را دارد ...

هنگامه‌هایی از احساس‌های ایمنی

مورد یاد شده در میان گفتگوهایش از هنگامه‌هایی یاد می‌کند که احساس امنیت دارد: ((
... در برابر آنهایی که صاحب کمالات هستند، در وجودشان عشق است، کینه نیست، اندک بین نیستند و بطور کلی صفات خداوند در آنها زیاد است، احساس آرامش می‌کنم، خودم در امان می‌بینم؛ یکبار نزدیکي از این بزرگان رفتم، مثل گل شکفته شدم، نشاط پیدا کردم، حس کردم که این مرد آنقدر خویست که اگر دفترش را بهم بریزم یا حتی فحش و بد و بیراه بگویم، به من لبخند میزند، و اگر کاری از دستش بر آید برایم انجام می‌دهد، احساس می‌کردم اگر او هم به من بدو بیراه بگوید، لبخند می‌زند، اطمینان دارم که به من زیان نمی‌رساند بصلاح من است، می‌پذیرم ...))

خاستگاه و هنگامه‌های ایمنی و نا امنی

با دیدگاهی که یاد کردیم به مورد یاد شده می‌نگریم و از خود می‌پرسیم حالت‌ها، رفتارها و احساس‌های ناامنی و ایمنی در او چگونه ساخته و پرداخته شده و رشد کرده است. حالت‌ها و رفتارهای افرادی را که در آن زندگانی می‌کرده‌اند و روابط آنها را با یکدیگر در چهار وضعیت برون‌فکنی، برون‌نمایی، درون‌فکنی و درون‌نمایی بازبینی می‌نمائیم:

پدر خانواده:

با مادر اختلاف سنی زیاد دارد، با اینکه بزرگسال و درشت اندام است در هنگامه‌های درگیری با همسر و فرزندان خودش را می‌زند، قهر می‌کند، مظلوم نمائی می‌کند، گریه می‌کند، میخواهد بگوید که حق به طرف من است.

پسر بزرگ خانواده بوده است اما زیر دست و بفرمان اطرافیان، دوخواهر و مادر کار می‌کرده است: بی اراده هر چه می‌گفته‌اند اطاعت می‌کرده نمی‌توانسته تصمیم بگیرد. مادر و پدر او رفتار و عقاید تعصبی سخت گیر و زورگو، مجازات کننده و عصبی داشته‌اند.

روابط: پدر، هنگام ازدواج، تحت سلطه خواهرانش بوده است، رنج‌ها و محرومیت‌های زیادی را پشت سر گذاشته، و بعد از فوت یکی از خواهران اختیار او در دست مادر و خواهر دیگر بوده است از آنها حرف شنوی دارد، تمام حقوقش را بدست آنها می‌دهد، میان او و همسرش عشق وجود ندارد، همسرش نسبت به او ایثار، ترحم و دلسوزی دارد.

مادر خانواده:

زنی است ساده ولی فکر می‌کند زرنگ است، خیلی صبور است، تا عرصه بر او تنگ نشود پرخاش نمی‌کند افسرده است، گریه میکند، غمی دائمی در وجودش است. با موسیقی مخالف است اما روحی لطیف دارد، مهربان است با کوچکترین چیزی دلش می‌شکند. همیشه نگران، دلواپس و منتظر حادثه‌ای غیر منتظره است. تقریباً نسبت به همه بدبین است. مذهبی است و در هر چیز دنبال رد پای از معصیت می‌گردد. روحیه اجتماعی کمی نشان می‌دهد، دارای بیماری عصبی و میگرن و برخی بیماریهای متفرقه است. نسبت به آرایش و جاذبه‌های زنانه سرد است، حق رهبری و برتری مرد را به رسمیت می‌شناسد ...

روابط پدر و مادر:

ارتباط مادر با فرزندان منحصر به علاقه فرزند مادری و آمیخته با ترحم و دلسوزی است و هیچگونه ارتباط فرهنگی، آموزشی و الگو سازی میان آنها وجود ندارد، در عین حال دوستانه و صادقانه است. ما در سال‌های نخست ازدواج با سن کم خیلی بنا نشاط و اهل مطالعه زیاد بوده است ولی رفته رفته تحت سلطه عمه‌ها نشاط خود را از دست می‌دهد اکنون با مرگ یکی از عمه‌ها که سلطه طلبی بیشتری داشت، با اینکه مادرم آزادتر است، ولی دیگر فاقد نشاط و ابتکار عمل می‌باشد. توجهش به پدر بخاطر عشق نیست بلکه فکر می‌کند وظیفه دارد بخاطر اعتبار اجتماعی و اینکه پدر فرزندانش است به او توجه کند، بنا عمه‌ها احساس

می‌کند زیر دست آنها است، چنان است که گوی آفریده شده زن پدرم بشود، اطاعت کند، بچه بیاورد و کار خانه بکند، بارها عمه‌هایم جلو جمع با او رفتار سلطه جویانه و ارباب و رعیتی داشته‌اند و او ساکت و سر بزیر بوده است.

عمه‌ها در خانواده:

عمه‌ها در این خانه پیر شده‌اند به نیش زدن و متلک گویی، عادت داشته‌اند، یکی از آنها احساس شاهزاده بودن، از بقیه ممتاز بودن، برگزیده و صاحب شخصیت بودن و ارزش‌های برتر داشتن، دارد و اینها را برخ دیگران می‌کشد.

عمه دیگرم کینه‌ایست، ناراحتی را در دلش نگه می‌دارد، با متلک و خشم بروز می‌دهد، بنحو عجیبی احساس اقتدار می‌کند و میخواهد که دیگران تسلیم او شوند، از قبول حرف دیگران و تسلیم شدن در برابر آنها سرباز می‌زند. از برون ظاهری قوی و مقتدر نشان می‌دهد و از درون ضعیف و ناتوان است. گاهی علاقمندی نشان می‌دهد و گاهی خشن و بی توجه است.

عمه کوچیک، سیاست مدار، پر رو، بویژه در مسائل مالی و اقتصادی حق خود را با جسارت می‌گیرد.

روابط: ازدواج پدر و مادرم، با وساطت و سلطه عمه‌ها بوده است. بطور کلی تلاش‌های فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی خانه بسته به تصمیم آنها است این امر بدفعات، البته با فاصله زمانی زیاد منجر به مشاجره می‌گردید. مثل اینکه مادرم زیردست آنها است. هر دفعه مغلوب می‌شد و ساکت می‌ماند، در نهان غم زده گریه می‌کرد.

گزارشنامه:

گزارشنامه صفحه ۱۴۴ نمای گسترده تری از گزارشنامه‌هایی است که در بخش‌های گذشته آوردیم این گزارشنامه برای افراد و خانواده‌هایی است که در نا امنی بسر می‌برند: حالت‌ها و رفتارهای هر فرد نمایشگر حالت‌ها و رفتارهایی است که در مجتمع خانواده می‌گذرد. این نما نمونه‌ای از گزارشنامه‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی را نشان می‌دهد که بطور خاص برای هنگامه‌های امنیت و نا امنی فراهم شده است. هر گزارشنامه مجتمع ایست که واژه‌ها و گزینه‌ها در آن به منزله هنگامه‌ها است.

در هر گزارشنامه سه بخش دیده می‌شود:

بخش نخست، طنین‌ها و آسیب: گزینه‌های آسیب دیده را در چهار وضعیت برون‌فکنی، برون‌نمایی، درون‌فکنی و درون‌نمایی در بر دارد.

بخش دوم، خاستگاه‌ها و آسیب‌زاهای: گزینه‌های آسیب‌زا را در روابط افراد مجتمع خانواده نشان می‌دهد.

بخش سوم، فرانگری: در باهم‌نگری گزینه‌ها در دو بخش گزارش‌نامه به برداشت‌های سه‌گانه می‌رسیم.

۱- برداشت‌های تشخیصی: نمایان‌ترین گزینه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌زا را متمایز می‌کند.

۲- برداشت‌های پژوهشی: به چگونگی و چندی گزینه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌زا در وضعیت‌های چهارگانه برای تهیه پرسشنامه‌ها و آزمون‌هایی درباره حالت‌ها و رفتارهای نمایان‌تر، نشانه‌یابی و شناسایی واژه‌های کلیدی که در وضعیت‌های مختلف برای تهیه پرسشنامه‌ها و آزمون‌ها بکار رفته است.

۳- برداشت‌های درمانی: روشن کردن تغییراتی که در حالت‌ها و رفتارها در وضعیت‌های چهارگانه آسیب‌دیده و آسیب‌زا دیده می‌شود: کاهش واژه‌های کلی و مبهم، کاهش واژه‌هایی که بارهای هیجانی دارند، کم‌شدن قیدها، تأکیدهای منفی و تکراری ...
یادآوری: آنچه را که در رابطه با مجتمع‌ها و هنگامه‌ها گفتیم برای گزارش‌نامه‌ها، گزینه‌ها و واژه‌ها صادق است.

پاسخ‌ها

گزارشنامه امکان می‌دهد تا هر چه روشن‌تر و متمایزتر پاسخ پرسش‌های نخستین را پیدا کنیم: پرسش‌ها را به گزارش‌نامه رجوع دهیم، حالت‌ها و رفتارها را در وضعیت‌های چهارگانه بازیابی کنیم و برای پاسخ حداقل یک گزینه از چهار وضعیت انتخاب کنیم و آنها را به عنوان نشانه‌های واقعی و پایدار واژه‌های مورد پرسش بر می‌گزینیم.

بدین ترتیب، می‌توانیم ده‌ها واژه را درباره امنیت و ناامنی نشانه‌یابی و هر واژه را به شکل‌های گوناگون شناسایی کنیم: پرسش‌های فراوانی مطرح، و پاسخ‌های بیشماری را بدست آوریم.

برای نمونه واژه‌های به کار برده در نخستین پرسش‌ها را بازیابی می‌کنیم:

امنیت چیست؟ برای پاسخ چند گزینه از وضعیت‌های چهارگانه کنار هم می‌گذاریم:^۱
 زیر دست نبودن، در برابر افراد خود را نباختن، خود را خلاف کار ندانستن و ساکت و سر به زیر نبودن ...

امنیت چگونه پیدامی‌شود؟ امنیت در مجتمع‌هایی پیدا می‌شود که افراد سلطه‌گر و سلطه‌پذیر نیستند، در برابر هم خود را نمی‌بازند، خویشتن را خلاف کار نمی‌دانند، ساکت و سر بزیر نیستند

امنیت چگونه پایدار می‌ماند؟ در شرایطی که حالت‌ها و رفتارهای یاد شده پایدار می‌مانند : افراد مجتمع یکدیگر را رنج ندهند، نسبت به یکدیگر کینه‌ورزی نکنند، برتری خود را به دیگران نفروشند، در برابر یکدیگر قدرت نمایی نکنند، ... به همین ترتیب هریک از گزینه‌های گزارشنامه را می‌توان مورد توجه قرار داد و بکار گرفت و برای ده‌ها پرسش دیگر پاسخ‌یابی گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

^۱گزینه‌ها را بر حسب مورد پرسش، مثبت یا منفی می‌سازیم.

گزارشنامه پژوهشی، تشخیصی و درمانی هنگامه‌های امنیت و ناامنی

نمای ۱

گزارشنامه				
طنین‌ها و آسیب‌ها				
شماره:	نام و نام خانوادگی: آ.ب	سن: ۲۵	تحصیلات: فوق دیپلم	شغل: بیکار
تاریخ: ۱۳۸۰/۰۵/۲۰	مکانگامه‌ها: روبرویی			
آسیب دیده‌ها	حالات و رفتارهایی که به افراد به محیط نسبت می‌دهد	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و محیط نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.
طنین هنگامه‌ها	برون‌فکشی	برون‌نمایی	درون‌فکشی	درون‌نمایی
<p>ریج می‌دهد و رنج می‌بیند آبرویش را می‌برسد و آبروریزی می‌کند، اطاعت می‌کند و اطاعت می‌کند زورگویی و سلطه‌طلبی زیر دست بودن و بر دست بودن و زیر دست خواهی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری برتری را به رخ می‌کشد و به رختان می‌کشد کینه‌پذیر و کینه‌ورز - اقتدار پذیر و اقتدار ورز.</p>	<p>در برابر افراد برتر خود را می‌بازد، نظر دیگران را بدون چون و چرا می‌پذیرد، نسبت به دیگران کینه و نفرت نشان می‌دهند، احساس می‌کند چشم‌ها مواظب او هستند، احساس می‌کند در اختیار دیگران است، می‌ترسد دیگران مانع او شوند، بی چون و چرا اطاعت می‌کند، تمکین می‌کند و وادار به تمکین می‌بازد.</p>	<p>رود رنج است خود را خلاف کار می‌بیند از قدرت نامرئی می‌ترسد از احساسی برتری دیگران عذاب می‌کند حرف‌ها را یا تردید ناور می‌کند نمی‌تواند تصمیم بگیرد احساس سادگی و زرنگی می‌کند، غمی دائمی دارد، رود خشم است.</p>	<p>قدرت نمایی می‌کند، صدایش از ترس و خشم می‌لرزد، قلش می‌تپد، دهانش خشک می‌شود، نمی‌تواند حرف بزند، گریه می‌کند، فهر میکند، خودش را می‌زند، ساکت و سر به زیر است.</p>	<p>قدرت نمایی می‌کند، صدایش از ترس و خشم می‌لرزد، قلش می‌تپد، دهانش خشک می‌شود، نمی‌تواند حرف بزند، گریه می‌کند، فهر میکند، خودش را می‌زند، ساکت و سر به زیر است.</p>

مجموع:				
خاستگاه و آسیب‌ها				
افراد زن ۱۵، مرد ۲	میانگین سن: ۴۵	میانگین تحصیلات: راهنمایی	مشاغل: اداری، فنی، دانشجویی	تلفن:
آسیب‌ها	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر و به محیط نسبت می‌دهند	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر و با محیط نشان می‌دهند	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند
گزینه‌های آسیب‌ها	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر و به محیط نسبت می‌دهند، آبروی هم را می‌ریزد یکدیگر را وادار به اطاعت می‌کند، یکدیگر را زیر دست قرار می‌دهند، نسبت به هم سلطه‌گر و سلطه‌پذیرند، برتری‌شان را به رخ می‌کشد، کینه ورز و کینه‌پذیرند، اقتدار پذیر و اقتدار ورزند.	در برابر دیگران خود را می‌بازد، نظر خود و دیگران را بی چون و چرا می‌پذیرد و می‌بازد، کینه دارند و مورد کینه هستند، نفرت دارند و مورد نفرت هستند با چشم‌ها مواظبتند و مواظبت می‌شوند خود و دیگران را در اختیار می‌گیرند و بی اختیار می‌شوند می‌ترسند می‌ترسند، اطاعت می‌کند و به اطاعت او دارند تمکین می‌کند و وادار به تمکین می‌کند.	خود را خلاق‌کار می‌پندارند، از قدرتهای نامرئی می‌ترسند، از برتری دیگران عذاب می‌کند و با تردید ناور می‌کند، نمی‌تواند تصمیم بگیرد، غمی دائمی دارند برتری دیگران را می‌پذیرند و برتری خود را می‌پذیرانند، زود خشم هستند.	در مقابل یکدیگر قدرت نمایی می‌کند صدایشان از ترس و خشم می‌لرزد قلشان از ترس و خشم می‌تپد دهانشان خشک می‌شود، گریه می‌کند، خودش را می‌زند، ساکت و سر بریزند.
وضعیت‌ها	وضعیت نخست	وضعیت دوم	وضعیت سوم	وضعیت چهارم

تشخیص:

فرانگری پژوهش: تهیه دو پرسشنامه و آزمون برای امنیت و ناامنی فردی و جمعی

درمان:

نا امنی چیست؟ برای پاسخ چند گزینه از وضعیت‌های خاستگاهی گزارشنامه را کنار هم می‌گذاریم: در نا امنی، افراد یکدیگر را رنج می‌دهند، می‌ترسند و می‌ترسانند، نمی‌توانند تصمیم بگیرند، از برتری دیگران عذاب می‌کشند ...

نا امنی چگونه پیدا می‌شود؟ افراد برتری خود را برخ یکدیگر می‌کشند، بسی چون و چرا اطاعت می‌کنند و به اطاعت وا می‌دارند، زود خشم هستند ...

نا امنی چگونه پایدار می‌ماند؟ در شرایطی که گزینه‌های خاستگاهی در گزارشنامه پایدار بماند:

افراد نظر خود را بی چون و چرا بقبولانند، خود و دیگران را خلاف پندارند، نتوانند تصمیم بگیرند، از یکدیگر قهر کنند ... دیگر پرسش‌ها را که در آغاز مطرح کردیم و ده‌ها پرسش دیگر را می‌توان با مراجعه به دیدگاه هنگامه‌ها و گزارشنامه ای که فراهم کردیم پاسخ داد.

ره آوردها:

دیدگاه هنگامه‌ها برای پژوهش‌ها، تشخیص‌ها و درمانهای فردی و اجتماعی امنیت و نا امنی ره آوردهایی دارد. با گزینه‌هایی که در گزارشنامه آوردیم می‌توانیم دو نوع پرسشنامه یا آزمون برای پژوهش، تشخیص و درمان آسیب‌های زائیده از امنیت و نا امنی تهیه نماییم: (در صفحه ۱۴۰) برای امنیت و نا امنی فردی، (در صفحه ۱۴۱) امنیت و نا امنی جمعی.

اجرا:

پس از اجرا هر پاسخ را در وضعیت مناسب آن در گزارشنامه (پشت پرسشنامه) در بخش طنین‌ها و آسیب‌ها قرار می‌دهیم و معادل آن را بصورت جمع در روابط افراد در بخش خاستگاه‌های گزارشنامه می‌نویسیم آنگاه با فرآنگری در گزارشنامه برداشت‌های تشخیصی، پژوهشی و درمانی خود را یادداشت می‌کنیم.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بسمه تعالی

نمای ۲

تاریخ

پرسشنامه و آزمون تلاش‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی

برای

امنیت و نا امنی فردی

تلفن

ساکن

تحصیلات

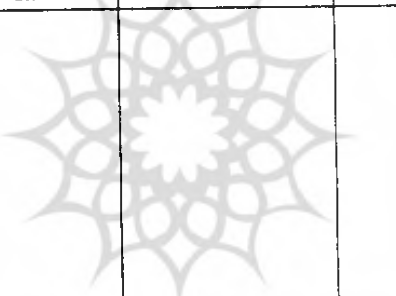
شغل

سن

نام و نام خانوادگی

وضعیت پرسش‌ها	شماره	پرسش‌ها	بلی	خیر	منظور چیست؟
گزینه‌های برون فکنازا	۱	دیگران مرا وادار به اطاعت می‌کند.			
	۲	دیگران برترینان را به رخ می‌کشند.			
	۳	دیگران می‌خواهند آبروی مرا ببرند.			
	۴	نسبت به من کینه ورزی می‌کنند.			
	۵	نسبت به من سلطه‌طلب و زورگو هستند.			
گزینه‌های برون‌نمازا	۶	نظر دیگران را بی‌چون و چرا می‌پذیرم.			
	۷	مورد نفرت افراد دیگر هستم.			
	۸	سعی می‌کنم مرا به ترسانند.			
	۹	دیگران مرا وادار به تمکین می‌کنند.			
	۱۰	با چشم موالب من هستند.			
گزینه‌های درون فکنازا	۱۱	زود رنج هستم.			
	۱۲	خود را خلاف کار می‌بندارم.			
	۱۳	از برتری دیگران بر خودم عذاب می‌کنم.			
	۱۴	زود خشم هستم.			
	۱۵	همیشه غمگین هستم.			
گزینه‌های درون‌نمازا	۱۶	در برابر دیگران قدرت نمایی می‌کنم.			
	۱۷	به اندک چیزی فخر می‌کنم.			
	۱۸	در برابر دیگران ساکت و سر به زیر می‌مانم.			
	۱۹	وقتی می‌ترسم، قلم می‌تپد.			
	۲۰	وقتی خشمگین می‌شوم صدایم می‌آورد.			
گزینه‌های حساسیت	۲۱	این پرسش‌ها خاطرهای را بیادتان می‌آورد؟			
	۲۲	چیزهای دیگری بود که می‌خواستید بگویید؟			
	۲۳	کدام پرسش برجستگی و هیجان داشت؟			
	۲۴	اکنون تغییر حالتی در خود احساس می‌کنید؟			

گزارشنامه پژوهشی، تشخیصی و درمانی هنگامه‌های امنیت و ناامنی

گزارشنامه				
طنین‌ها و آسیب‌ها				
شماره:	سن:	تحصیلات:	شغل:	تاریخ:
نام و نام خانوادگی:	هنگامه‌ها:			
آسیب دیده‌ها	حالات و رفتارهایی که به افراد و به محیط نسبت می‌دهد	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و محیط نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.
طنین هنگامه‌ها	برون‌فکنی	برون‌نمایی	درون‌فکنی	درون‌نمایی
گزینه‌های آسیب دیده				
مجتمع: افراد				
میانگین:	سن:	میانگین:	مشاغل:	تلقین:
هنگامه‌ها:				
آسیب‌ها	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر و به محیط نسبت می‌دهند.	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر و با محیط نشان می‌دهند	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند.	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند.
گزینه‌های آسیب‌زا				
وضعیت‌ها	وضعیت نخست	وضعیت دوم	وضعیت سوم	وضعیت چهارم

تشخیص:

پژوهش:

درمان:

فرانگری

بسمه تعالی

نمای ۳
تاریخ

پرسشنامه و آزمون تلاش های پژوهشی، تشخیصی و درمانی
برای

امنیت و نا امنی جمعی

نام و نام خانوادگی	سن	شغل	تحصیلات	ساکن	تلفن	وضعیت پرسش ها	شماره	پرسش ها	پلی	خیر	منظور چیست؟
						گزینه های برونفکنن زا	۱	افراد این یکدیگر را وادار به اطاعت می کنند			
							۲	افراد این برتریشان را به رخ هم می کنند.			
							۳	افراد این آبروی هم را می پزند.			
							۴	افراد این نسبت به یکدیگر کینه ورزند.			
							۵	افراد این سلطه طلب و زروگو هستند.			
						گزینه های برون نما زا	۶	افراد این نظر دیگران بی چون و چرا می پذیرند.			
							۷	افراد این مورد نفرت هم هستند.			
							۸	افراد این از هم می ترسند و هم را می ترسانند.			
							۹	افراد این هم را وادار به تمکین می کنند.			
							۱۰	افراد این با چشم مواظب یکدیگرند.			
						گزینه های درون فکن زا	۱۱	افراد این زود رنجند.			
							۱۲	افراد این یکدیگر را خلاف کار می پندارند.			
							۱۳	افراد این از برتری دیگران عذاب می کشند.			
							۱۴	افراد این زود خشم هستند.			
							۱۵	افراد این همیشه غم زده هستند.			
						گزینه های درون نما زا	۱۶	افراد این در برابر هم قدرت نمایی می کنند.			
							۱۷	افراد این با یکدیگر فخر می کنند.			
							۱۸	افراد این ساکت و سرزیرند.			
							۱۹	افراد این از ترس قلبشان می تپد.			
							۲۰	افراد این از خشم صدایشان می ایزد.			
						گزینه های حساسیت	۲۱	این پرسش ها خاطره ای را به یادتان می آورد؟			
							۲۲	چیزهای دیگری بود که می خواستید بگویید؟			
							۲۳	کدام پرسش برجستگی و هیجان داشت؟			
							۲۴	اکنون تغییر حالتی در خود احساس می کنید؟			

- ۱ - یادآوری: در جای خالی پرسشها بر حسب مورد، واژه های مجتمع، خانواده، موسسه، انجمن، اداره، محله، شهر و یا کشور ... استفاده می کنیم.
- ۲ - در جای خالی به جای نام و نام خانوادگی می توانید زن یا مرد بودن را بنویسید.
- ۳ - پرسش های حساسیت چهار پرسش ۱، ۲، ۳، ۴ - خواسته ها - ۳ - حوادث هیجان انگیز زندگانی ۴ - تغییرات درمانی در روابط آزمونی که انجام می شود، این پرسشها امکان می دهد که بر جسته ترین حالت و رفتار مراجع روشن و متمایز سازیم.

گزارشنامه پژوهشی، تشخیصی و درمانی هنگامه‌های امنیت و ناامنی

گزارشنامه				
شماره	طنین‌ها و آسیب‌ها			
نام و نام خانوادگی	سن:	تحصیلات:	شغل:	تاریخ: هنگامه‌ها:
آسیب دیده‌ها	حالات و رفتارهایی که به افراد و به محیط بست می‌دهد	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و محیط نشان می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که به خود نسبت می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد.
طنین هنگامه‌ها	برون فکشی	برون نعایی	درون فکشی	درون نعایی
گزینه‌های آسیب دیده				
مجموعه:				
انفراد	میانگین:	سی:	میانگین:	تلفن: هنگامه‌ها:
آسیب‌زها	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر و به محیط بست می‌دهد.	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر و با محیط نشان می‌دهند	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند.	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند.
گزینه‌های آسیب‌زها				
وضعیت‌ها	وضعیت نخست	وضعیت دوم	وضعیت سوم	وضعیت چهارم

تشخیص:

فرانگری پژوهش:

درمان:

بخش چهارم

آزادی

در آسیب‌شناسی و توانبخشی دانش

در دیدگاهی که از دانش و دانشگاه داریم موثر در رشد آزادی دانش و فن‌آوری را به پرسش می‌گذاریم. با نگرشی آسیب‌شناسانه نشان می‌دهیم که چگونه دانش با از دست دادن آزادی، در روش و ابزار پژوهش، در کاربرد و کارآرایی قوانین، در قابلیت‌های دانشمند، در آماده سازی دانشجو، در نظریه پردازی و مفهوم‌سازی، در ناقلین، روایان و مترجمین حرفه‌ای، از کنش و پویایی باز می‌ماند، بی‌معنی و بی‌جهت می‌گردد، از گسترش و ژرفایابی ناتوان می‌شود، بال و پر شکسته بلند پروازی را فراموش می‌کند، فرانگری و بینایی را از دست می‌دهد. در درگیری با باوری‌ها از پای می‌افتد، در زایش و خلق فن‌آوری‌های تازه ناتوانی نشان می‌دهد. در چهارچوب فن‌آوری‌های تحمیلی اسیر می‌گردد.

یکبار دیگر واژه‌هایی را که در بخش دوم درباره دانش و آزادی آوردیم بازبینی می‌کنیم آنگاه برداشت‌هایی از "توانبخشی" و یافته‌هایی را از "آسیب‌شناسی دانش" با نمونه و مورد نشان می‌دهیم.

زبان منطقی که بکار می‌بریم با آنچه درمنطق جاری متداول است تفاوت‌هایی دارد: به جای واژه‌های "تعریف"، "تحلیل"، "تبیین"، "موضوع"، "مصادق"، "تشریح"، "نتیجه"، با واژه‌های "نشانه‌ها"، "شناسایی‌ها"، "برداشت‌ها"، "داده‌ها"، "یافته‌ها"، "نمونه‌ها" و "موردها" سخن می‌گوییم که روشنی و همسازی بیشتری با نظرگاه ما دارد.